

«بسمه تعالی»

انتشارات تبلور دانش – گروه *DLM*

از صمیم قلب به شما تبریک می‌گوییم که تصمیم گرفته‌اید در آزمون کارشناسی ارشد شرکت کنید. نفس شرکت در آزمون کارشناسی ارشد با توجه به ظرفیت بسیار کم دانشگاهها نسبت به تعداد داوطلبان فارغ از نتیجه آن تصمیمی با اهمیت و شجاعانه تلقی می‌شود و اگر به قبولی بیانجامد که موفقیت بزرگ و مثال زدنی خواهد بود.

اگر با داوطلبان سالهای گذشته صحبت کنید یا خود داوطلب آزمون سراسری سالهای گذشته بوده باشید و علی‌رغم جدیت در ورود به مقطع کارشناسی ارشد نتیجه مطلوب را کسب نکرده باشید حتما تصدیق می‌فرمایید که کلی وقت گذاشته‌اید و روزی چند ساعت منابع مربوط به درس «مبانی علم سیاست» را مطالعه کرده‌اید یا از یک موسسه به موسسه‌ای دیگر در رفت و آمد بوده‌اید و تازه با نزدیک شدن به زمان کنکور احساس می‌کنید چیزی به یاد نمی‌آورید و در تست‌های سالهای گذشته نمی‌توانید درصدی بالایی کسب کنید.

اکنون ما به شما این نوید را می‌دهیم که روش *DLM* بهترین روش مطالعه درس «مبانی علم سیاست» است که درصد بالای ۷۰٪ را برای شما تضمین می‌کند. چه بسا بتوانید به همه سئوالات نیز پاسخ صحیح دهید. اگر کسی حائز درصد ۱۰۰ در این درس شود و در سایر مواد درصد معمولی کسب کند به معنای قبولی قطعی در دانشگاه دولتی خواهد بود.

ما سعی کرده‌ایم تمام مطالبی را که برای رسیدن به این مهم نیاز دارید، پوشش داده باشیم. اعتقاد ما بر این است که تنها راه رسیدن به درصد بالای ۷۰٪ در درس «مبانی علم سیاست» استفاده روش *DLM* است. به خصوص اینکه استفاده از این روش زمان بسیار کمتری از شما می‌گیرد و می‌توانید از زمان صرفه جویی شده برای مطالعه‌ی سایر دروس استفاده کنید.

اساس روش *DLM* بر آموزش مطالب و مفاهیم علوم سیاسی از طریق فیش‌های آموزشی (فلش کارت) بنا شده است. امتیاز مطالعه‌ی فیش نسبت به مطالعه کتاب این است که در مطالعه فیش توجه شما بر روی مطالب کلیدی و کلمات مهم متمرکز میشود. در حالی‌که در هنگام مطالعه کتاب ممکن است در انبوهی از مطالب، مطلبی از جلوی چشمان شما عبور کند و همان مطلب می‌تواند به عنوان تست کنکور مطرح شود و زدن یا نزدن یک تست در این حجم رقابت نیز می‌تواند تعیین کننده قبولی یا عدم قبولی شما باشد.

در طراحی بسته‌ی آموزشی *DLM* با استفاده از کارشناسان مجرب تکنولوژیهای آموزشی و اساتید پرسابقه و با تجربه در درس «مبانی علم سیاست» و همچنین استفاده از دانشجویان رتبه تک رقمی سالهای

گذشته که خود این مسیر را با موفقیت طی کرده‌اند و سختی‌های احتمالی آنرا لمس نموده‌اند، تلاش شده است هیچ مطلبی جا نیفتد و مجموعه فلش کارت‌ها تمام مطالبی را که لازم است برای موفقیت در این درس بیاموزید، دربرگیرد. با توجه به اینکه سیاست علمی مفهومی و ادراکی (نه حفظ کردنی بر اساس اشتباه مصطلح) است در طراحی فلش کارت‌ها به این مهم توجه ویژه‌ای شده است. در ضمن روش منحصر به فرد **DLM** به شما کمک می‌کند هر روز چند فیش محدود را مطالعه کنید و بدون آنکه احساس خستگی و یکنواختی به شما دست دهد تا کنکور چند مرتبه آنها را (فقط با کمتر از یک ساعت مطالعه در روز) مرور کنید. درست مانند این است که می‌خواهید یک کوه عظیمی را جابجا کنید؛ در ابتدا وقتی به عظمت کوه و ناممکن بودن جابجایی آن فکر می‌کنید ممکن است در اراده‌ی شما خللی ایجاد شود یا حتی به دست کشیدن از این کار فکر کنید.

روش **DLM** به شما پیشنهاد می‌کند انبوه مطالب سیاسی را که مطالعه آنها با یادگیری جزئیات حداقل نیازمند مطالعه روزانه ۴ یا ۵ ساعت در یک برهه‌ی زمانی ۴ ماهه است در قالب مطالعه چند فیش در روز یاد بگیرید که هم همه‌ی مطالب را پوشش می‌دهند، هم زمان به مراتب کمتری از شما می‌گیرد و هم نتیجه بهتری برای شما به ارمغان می‌آورد. درست به منزله این است که آن کوه بزرگ را به قسمت‌های بسیار کوچکی تقسیم کنید و هر روز یکی از آن قسمت‌ها را انتقال دهید؛ در انتها با تعجب می‌بینید همه آن کوه بزرگ را جابجا کرده‌اید بدون آنکه نفس نفس بزنید!

مطالعه‌ی مستمر چند فیش در طول روز نوعی برنامه‌ریزی درونی را به شما القا می‌کند که این نظم در مطالعه خود تاثیر شگرفی در موفقیت نهایی شما خواهد داشت. روش **DLM** بر پایه روش لایتنر بنا شده است که یک روش ساده اما بسیار اثربخش و پر کاربرد برای به خاطر سپردن مطالب است.

«تنها راه موفقیت در آزمون کارشناسی ارشد استفاده از روش **DLM** است.»

البته اگر این شعار را به عنوان یک تبلیغ صرف تلقی می‌کنید باید بگوییم نخست اینکه ما به کسب سود فقط برای یک سال یا چند سال فکر نمی‌کنیم و دید بلندمدت داریم و اگر در کنکور پیش رو مطالب پک مبانی علم سیاست **DLM** همه سوالات آزمون را پوشش دهد این خود بهترین تبلیغ برای ماست. دوم اینکه فروش یک پک بیشتر یا کمتر تاثیر چندانی در سودآوری نهایی ما نخواهد داشت ولی آنقدر به کار خود اطمینان داریم و برای آن دقت و زمان کافی صرف کرده‌ایم که از یک روش بازاریابی پیشرفته به شرح زیر برای توزیع بسته‌های آموزشی **DLM** استفاده کنیم:

«از ما بخواهید سرفصل اول مبانی علم سیاست تحت عنوان "تعاریف، مفاهیم و محتوای علم سیاست" را به همراه دستورالعمل مطالعه به صورت رایگان در اختیار شما قرار دهیم تا با

آشنایی کامل بتوانید تشخیص دهید و تصمیم بگیرید که اگر **DLM** واقعاً به شما کمک می‌کند و تفاوت ایجاد می‌کند آنوقت یک کامل را درخواست کنید.

(برای داوطلبان تهرانی از طریق پیک بادپا و برای داوطلبان شهرستانی از طریق پست سفارشی؛ و یا می‌توانید به دفتر پخش انتشارات مراجعه فرمایید. می‌توانید کلمه‌ی **SAMPLE** را به ۳۰۰۰۷۶۵۰۰۰۱۷۷۴ پیامک کنید.)

این تصمیم را برای آن گرفته‌ایم که بتوانید بین بسته‌هایی که صرفاً با انگیزه‌ی سوددهی تهیه شده‌اند با بسته‌ی آموزشی **DLM** که با وسواس زیادی تلاش کرده است اثربخشی در موفقیت شما را با سودآوری در هم‌آمیزد، تفکیک قائل شوید. در واقع نمی‌خواهیم تاثیر منفی‌ای که ممکن است در سال‌های اخیر در ذهن بعضی از داوطلبان درباره‌ی برخی از بسته‌های آموزشی متأسفانه ایجاد شده است، مانع بهره‌مندی آنها از روش **DLM** شود.

توجه: اگر فرصت کافی برای مطالعه ندارید یا شانس قبولی خود را کم می‌پندارید یا حتی اگر مردد هستید در آزمون کارشناسی ارشد شرکت کنید یا نه، بدانید با **DLM** به رقیبی سرسخت در آزمون کارشناسی ارشد علوم سیاسی (کد ۱۱۳۰) تبدیل خواهید شد.

«ما نسبت به موفقیت تک تک شما حساسیم».

«با امید به اینکه سهمی هرچند کوچک در موفقیت نهائی شما داوطلب گرامی داشته باشیم».

انتشارات تبلوردانش – گروه **DLM**

لطفاً برای کسب اطلاعات بیشتر و سفارش پکیج **DLM** یا «دریافت نمونه رایگان» با شماره تلفن‌های زیر تماس حاصل فرمایید:

تلفن گویا (۲۴ساعته) ۶۶۹۴۸۷۸۱

۶۶۹۰۳۵۴۷

۶۶۹۲۶۲۰۵

۶۶۹۴۹۱۸۷

سفارش از طریق پیامک :

نام و آدرس خود را ارسال کنید؛ ما با شما تماس می‌گیریم. ۰۹۱۹۳۰۰۸۵۶۳

مدیریت گروه DLM ۲۲۳۶۰۶۰۶

منابعی که در تالیف فلش کارت های DLM مورد استفاده قرار گرفته‌اند:

منابع اصلی

- | | |
|--------------------------------|-------------------------|
| ۱- «بنیادهای علم سیاست» | دکتر عبدالرحمان عالم |
| ۲- «اصول علم سیاست» | موریس دوورژه |
| ۳- «آموزش دانش سیاسی» | دکتر حسین بشیریه |
| ۴- «مبانی سیاست» | دکتر عبدالحمید ابوالحمد |
| ۵- «سیاست به مثابه علم» | دکتر ملک یحیی صلاحی |
| ۶- «حکومتهای محلی و عدم تمرکز» | دکتر ابوالقاسم طاهری |

منابع فرعی

- | | |
|-------------------------|----------------------|
| ۱- «مقدمه نظریه سیاسی» | دکتر عبدالرحمان عالم |
| ۲- «سیاست و حکومت جدید» | دکتر عبدالرحمان عالم |

با امید به اینکه بتوانیم نقشی در موفقیت شما داوطلب گرامی ایفا نماییم.

با احترام

انتشارات تیلوردانش - گروه DLM

بسمه تعالی

وقتی درب بسته آموزشی DLM را باز می‌کنید شاید توقع داشته باشید چیزهای عجیب و غریبی درون آن مشاهده کنید، ولی می‌بینید تعدادی فیش آموزشی (فلش کارت)، یک جعبه لایتنر و این نامه درون آن قرار دارد. شاید ابتدا یک چیز معمولی به نظر بیاید. اصولاً برای موفقیت همیشه نباید به دنبال روش‌های عجیب بود. گاهی با تغییری کوچک در روش‌های معمول نتایج شگفت‌انگیزی به دست می‌آیند.

ما معتقدیم بهترین روش مطالعه «مبانی علم سیاست» DLM است. پیمودن این مسیر با شماسست. ما اعتقاد داریم DLM هم کوتاهترین مسیر است، هم سریعترین مسیر و هم پر ثمرترین مسیر.

روش DLM در مطالعه «مبانی علم سیاست»

و اما ...

A. ابتدا بسته را باز کنید و فیش شماره یک را بردارید و ببینید؛ بعد سرجای خودش قرار دهید. همانطوری که ملاحظه می‌فرمایید صورت سئوالات در یک طرف فیش و پاسخ در طرف دیگر است. این نکته برای تمامی فیشها رعایت شده است و به شما کمک میکند تا در جلسه کنکور مستقیماً به سراغ پاسخ صحیح بروید و معمولاً لازم نیست هر ۴ گزینه را بخوانید (غیر از سئوالاتی که مفهومی طرح میشوند و پاسخ گزینه‌ها به یکدیگر نزدیک است) ضمناً تفکیک هر دسته فیش از دسته فیش دیگری که باید در روزهای بعدی مطالعه کنید در ادامه دستورالعمل بیان شده است. (جدول زمانبندی مطالعه)

B. جعبه مطالعه ۵ قسمتی (جعبه لایتنر) را بیرون آورید و نگاه کنید. همانطوری که ملاحظه می‌فرمایید از ۵ خانه تشکیل شده که اندازه آنها با یکدیگر متفاوت است. دیواره‌های جداکننده را درون شیارها قرار دهید؛ به طوریکه کوتاهترین دیواره در اولین شیار ابتدای جعبه قرار می‌گیرد و خانه شروع را تشکیل میدهد. (ابتدای جعبه آنجایی است که شیارها به یکدیگر نزدیک‌ترند).

سایر دیواره‌های جداکننده به ترتیب قد طوری درون شیارها واقع میشوند که اندازه هر خانه ۲ برابر خانه ماقبل از آن باشد.

۱

۲

۴

۸

۱۶

--	--	--	--	--

نکته: خانه کوچکتر، خانه شروع میباشد و فقط برای یک دسته فلش کارت طراحی شده است.

- کیفی که به همراه جعبه لایتنر ارائه گردیده برای این است که در جاهایی مانند مترو، اتوبوس و ... و در اوقات پرت خود بتوانید فیش‌ها را با خود به همراه داشته باشید و از وقت خود به نحو احسن استفاده نمایید.

- ضمناً چند کارت عمودی برای جدا کردن دسته فیش‌ها از یکدیگر تقدیم شده است.

توضیح: روش لایتنر یک روش پیشرفته و در عین حال ساده آموزشی است که توسط یک روانشناس امریکایی به همین نام معرفی شده و در ایران به نام جی ۵ (جعبه یادگیری ۵ خانه‌ای) معروف است.

چهارچوب روش DLM بر پایه روش لایتنر استوار میباشد که بهترین روشی است که تاکنون برای به خاطر سپردن مطالب پیشنهاد شده است و در کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه نظیر مالزی و هند بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تفاوت DLM با لایتنر را میتوان در دو دسته خلاصه کرد:

یکی اینکه در لایتنر هر فیش مجزا از فیش دیگر است. یعنی مثلاً وقتی لغات انگلیسی را مطالعه میکنید فیشها از یکدیگر

مستقل هستند و یادگیری یا عدم یادگیری یک فیش تاثیری در فیش دیگر ندارد؛ در حالی که در روش DLM به دلیل پیوسته بودن مفاهیم «مبانی علم سیاست» به یکدیگر و این که مطالب مانند یک زنجیری هستند که آموختن هر حلقه آن پیش زمینه و پیش نیاز حلقه دیگر است، دسته بندی فیشها طوری طراحی شده که در مرورها ابتدا حلقه‌های قبلی زنجیر تداعی میشوند و سپس مطالب جدید ارائه گردیده که کمک بزرگی در طبقه بندی ذهنی مطالب و یادگیری مفهومی آنها می‌کند. ضمناً ترتیب فیشها طوری پیش‌بینی شده که تفکیک مطالب مشابه از یکدیگر و آموزش اجزای تشکیل دهنده یک مطلب به صورت ناخودآگاه در ذهن داوطلب صورت می‌پذیرد و شماره‌بندی و ترتیب فیشها کاملاً هوشمندانه صورت گرفته و اصلاً اتفاقی نیست.

داوطلبانی که از روشهای عادی برای مطالعه درس «مبانی علم سیاست» استفاده می‌کنند با نزدیک شدن به زمان کنکور تازه احساس میکنند این همه وقت صرف کرده‌اند در حالی که بسیاری از مطالب را به خاطر نمی‌آورند. این نقیصه با استفاده از روش DLM اصلاً نمود پیدا نمی‌کند.

دیگر ویژگی روش DLM این است که مطالب گسترده و طولانی سیاسی را که به خاطر سپردن آنها همچون حمل یک کوه بزرگ به نقطه‌ای دیگر غیرممکن مینماید به فیشهای کوچکی که درک آنها بسیار آسان است تبدیل کرده و چون هر روز تعداد محدودی از فیشها مورد مطالعه قرار میگیرند اصلاً احساس خستگی دست نمیدهد. درست مانند این است که کوه عظیمی را که حمل آن به یک نقطه دیگر غیرممکن است به تکه‌های بسیار کوچکی تقسیم کنیم و سپس هر روز قسمتی از تکه‌ها را انتقال دهیم؛ در آخر با تعجب نگاه می‌کنیم که همه آن کوه عظیم را انتقال داده‌ایم بدون اینکه نفس نفس بزنیم! این نظم ذاتی و برنامه‌ریزی درونی که از طریق روش DLM القا می‌شود داوطلب را به سوی یک حرکت آرام و پیوسته سوق می‌دهد و خود نقش مهمی در موفقیت ایفا می‌کند.

۱- روش DLM به این صورت است که :

الف. ابتدا دسته اول فیشها را (مطابق با جدول زمان‌بندی مطالعه [از ۱ تا ۳۵]) بردارید. برای بار اول با همان ترتیب در نظر گرفته شده یعنی به ترتیب شماره شروع به مطالعه آنها فرمایید. علت اینکه می‌گوییم در بار نخست به همان ترتیب پیش‌بینی شده مطالعه کنید این است که مطالب به نوبت و به ترتیب در ذهن شما طبقه‌بندی شود. طبقه‌بندی ذهنی مطالب کمک بسیار زیادی به یادگیری و درک مطالب می‌کند. از همین ابتدا سعی کنید به سئوالات با دید مفهومی نگاه کنید و آنها را یاد بگیرید نه اینکه فقط حفظ کنید. چرا که با توجه به اینکه منبع واحد و مشخصی برای طرح سئوالات کنکور کارشناسی ارشد و دکتری در درس مبانی علم سیاست وجود ندارد و منابع گوناگونی ممکن است مورد استفاده قرار بگیرند، یاد گرفتن مفهوم مطالب میتواند در تجزیه و تحلیل تست‌ها برای یافتن پاسخ صحیح کمک بسیار زیادی به شما نماید. ب. اکنون یکبار فیشها را به ترتیب مطالعه کردید. در هنگام مطالعه فیشها باید دقت کافی داشته باشید ولی لازم نیست اصلاً وسواس به خرج دهید.

نوبت به مطالعه بار دوم می‌رسد. در دومین دور مطالعه ممکن است لازم باشد ترتیب برخی فیشها را عوض کنید. تا اینجا دو بار صورت سئوالات و پاسخ آنها را مطالعه کرده‌اید. لازم است در مرور سوم صورت سئوالات را بخوانید و جواب را بدون نگاه کردن به آن و از حفظ بیان کنید. در این مرحله ممکن است مثلاً از ۳۵ فیش ۲۴ تا آن را بدون نگاه کردن بدانید و ۱۱ تا دیگر را هنوز یاد نگرفته باشید. ۱۱ فیشی را که هنوز یاد نگرفته‌اید از ۲۴ تایی که یاد گرفته‌اید جدا کنید و فقط همان ۱۱ فیش را مطالعه کنید تا جاییکه بدون نگاه کردن به پاسخ آنها بتوانید از حفظ با خواندن روی فیش جواب پشت فیش را به خاطر بیاورید و بهتر است با صدای بلند جواب را برای خود بازگو کنید. حالا هر ۳۵ فیش مربوط به روز اول را آموخته‌اید. (می‌توانید برای اطمینان یکبار دیگر هر ۳۵ فیش را از خود آزمون بگیرید).

نکته مهم : در هنگام مطالعه می‌توانید بجای اینکه همه فیشها را با هم حفظ کنید آنها را به دسته‌های ۵ تایی تقسیم کنید، هر دسته ۵ تایی را حفظ کنید و بعد بروید سراغ دسته ۵ تایی بعدی.

این کار به این دلیل که باعث میشود ۴ شماره فاصله به‌جای ۳۴ شماره بین فیش اول و آخر ایجاد شود سرعت مطالعه و به‌خاطر سپردن مطالب را از این هم بیشتر میکند.

ت. کار امروز شما تمام شده؛ ۳۵ فیش اول را در خانه اول جعبه لایتنر (کوچکترین خانه) قرار دهید و مابقی زمان خود را به دروس دیگر بپردازید.

نکته مهم: در هنگام مطالعه فیش‌ها وسواس به خرج ندهید. اصلاً خودتان را برای اینکه ممکن است پاسخ یک یا چند فیش را به یاد نیاورید، سرزنش نکنید. خیلی راحت و با آرامش آنهایی را که یاد گرفته‌اید از آنهایی که یاد نگرفته‌اید جدا کنید و آنهایی را که یاد نگرفته‌اید آنقدر مرور کنید تا یاد بگیرید. هیچ وقت عجله نکنید و به خود انرژی منفی ندهید. مطمئن باشید که این روش حداقل زمان را از شما می‌گیرد و بیشترین ثمره و بازدهی را برای شما خواهد داشت. سعی کنید دقیقاً مطابق دستورالعمل DLM مطالعه فرمایید. ضمناً در هنگام مطالعه فیش‌ها و هم در مرورها به صورت سئوالات (روی فیش) به اندازه پاسخ سئوالات (پشت فیش) توجه نشان دهید.

۲- امروز **روز دوم** است و باید دومین دسته از فیش‌ها را مطالعه کنید. قبل از شروع به مطالعه دسته دوم، ابتدا دسته اول فیش‌ها را که دیروز مطالعه کرده‌اید و در خانه اول جی ۵ قرار داده‌اید مرور کنید. آنهایی را که بلد بودید به خانه دوم جعبه انتقال دهید و آنهایی را که بلد نبودید و به یاد نمی‌آوردید در همان خانه اول بگذارید باقی بمانند. حالا طبق روش ۳ مرحله‌ای مطالعه سریع فلش کارتها که در بند شماره یک توضیح داده شد مطالعه گروه دوم فلش کارتها (فیش‌های جدیدی که امروز باید مطالعه کنید) را شروع کنید و پس از یاد گرفتن آنها به همراه فیش‌هایی که در خانه اول وجود دارد فیش‌های جدید را نیز در خانه اول قرار دهید. مثلاً از ۳۵ فیش روز اول ۲۹ تا آن به خانه دوم منتقل شده و ۶ فیش در خانه اول باقی مانده است. حالا با مطالعه ۳۸ فیش روز دوم [از شماره ۳۶ تا ۷۳] ۴۴ فیش در خانه اول دارید. ۳۸+۶ کار دومین روز شما نیز به پایان رسید. تا الان مطالبی را آموخته‌اید که اگر می‌خواستید از کتاب آنها را مطالعه و گردآوری کنید زمانی بیش از ۳ برابر زمانی را که تا حالا صرف آموختن آنها کرده‌اید از شما می‌گرفت.

۳- امروز **روز سوم** است. روش روز سوم دقیقاً مشابه روز دوم است. یعنی ابتدا باید فیش‌های موجود در خانه اول جعبه را مطالعه کنید. آنهایی را که بلد هستید به خانه دوم منتقل کنید و سپس شروع به مطالعه دسته سوم فیش‌ها (فیش‌های جدید) نمائید و آنها را به همراه فیش‌هایی که در خانه اول باقی مانده درون خانه اول قرار دهید.

نکته بسیار مهم: باید قبل از انتقال فیش‌های خانه اول به خانه دوم، یک کارت عمودی که در اختیار شما قرار داده شده پشت اولین دسته فیش‌های موجود در خانه دوم قرار دهید. فیش‌هایی که امروز به خانه دوم منتقل شدند نباید با فیش‌هایی که دیروز منتقل شده‌اند مخلوط شوند و باید با یک کارت عمودی از یکدیگر جدا گردند. در واقع پس از پایان روز سوم دو دسته فیش به **طور مجزا** در خانه دوم جعبه لایتنر و یک دسته فیش در خانه اول وجود دارد. دو دسته فیشی که به طور مجزا در خانه دوم هستند آنکه جلوتر قرار گرفته فیش‌هایی است که در روز اول مطالعه کرده‌اید و آنکه عقب‌تر قرار گرفته فیش‌هایی است که در روز دوم مطالعه کرده‌اید و فیش‌هایی که در خانه اول قرار دارند فیش‌هایی هستند که امروز برای اولین بار مطالعه کرده‌اید به همراه فیش‌هایی که هنگام انتقال به خانه‌های بعدی جعبه پاسخ آنها را فراموش کرده بودید.

۴- امروز **روز چهارم** است. حتماً فکر می‌کنید ابتدا باید فیش‌های موجود در خانه اول را به خانه دوم منتقل کنید. درحالی‌که این طور نیست. به نکته بسیار مهم زیر توجه فرمائید:

نکته بسیار مهم: گنجایش خانه دوم فقط برای دو دسته فیش است. (خواه دسته‌های ۵ تایی خواه ۱۰۰ تایی و ...) اکنون گنجایش خانه دوم پر شده است و مجاز نیستیم دسته فیش جدیدی به آن دو اضافه کنیم. از طرفی باید خانه اول را انتقال دهیم تا برای پذیرش فیش‌های جدید (فیش‌هایی که باید در روز چهارم مورد مطالعه قرار بگیرند) خالی شود. پس چه می‌کنیم؟

ابتدا اولین دسته فیش‌های موجود در خانه دوم را (که به وسیله یک کارت عمودی از دسته دوم موجود در خانه دوم جدا شده) از خودمان آزمون می‌گیریم. فیش‌هایی را که بلد بودیم به خانه سوم و فیش‌هایی را که بلد نبودیم حتماً به خانه اول برمی‌گردانیم. سپس فیش‌های موجود در خانه اول را به خانه دوم انتقال می‌دهیم (با حفظ استقلال از فیش‌های موجود در خانه دوم به وسیله یک کارت عمودی) و در نهایت فیش‌های جدید را مطالعه کرده و کنار فیش‌هایی که احتمالاً به خانه اول برگشته‌اند قرار می‌دهیم. اکنون فیش‌هایی که قبلاً در خانه دوم جعبه قرار داشتند دسته فیش اولی موجود در خانه دوم

و فیش‌هایی که امروز از خانه اول به دوم انتقال دادیم دسته فیش دومی موجود در خانه دوم را تشکیل می‌دهند که به وسیله یک کارت عمودی جدید از هم جدا شده است و در خانه سوم نیز یک دسته فیش وجود دارد.

نکته: بدیهی است وقتی که می‌گوییم دسته فیشی را به خانه بعدی انتقال می‌دهیم یعنی ابتدا از خودمان فیش‌های مربوط به آن دسته را آزمون می‌گیریم یعنی صورت سؤال (روی فیش) را می‌خوانیم و جواب را از بر بیان می‌کنیم. فیش‌هایی را که بلد بودیم به خانه بعدی انتقال می‌دهیم و فیش‌هایی را که فراموش کرده‌ایم حتی اگر به خانه پنجم جعبه هم رسیده باشند به خانه اول برمی‌گردانیم.

۵- امروز روز پنجم است. هیچ فیشی نباید از خانه سوم به خانه چهارم منتقل شود چرا که خانه سوم هنوز پر نشده و در آن یک دسته فیش قرار دارد در حالی که خانه سوم با چهار دسته فیش مجزا پر می‌شود. به طور کلی تا گنجایش خانه‌های جعبه کاملاً پر نشده باشد مجاز نیستیم هیچ دسته فیشی را انتقال دهیم.

امروز ابتدا دسته فیش جلویی موجود در خانه دوم را با حفظ مجزا بودن (یعنی بین آنها کارت عمودی قرار می‌دهیم) به خانه سوم انتقال می‌دهیم. سپس از خانه اول دسته فیش‌ها را به خانه دوم منتقل می‌کنیم و در نهایت دسته فیش‌های جدید را مطالعه کرده و در خانه اول قرار می‌دهیم.

الان باید در خانه سوم دو دسته فیش مجزا، در خانه دوم دو دسته فیش مجزا و در خانه اول یک دسته فیش وجود داشته باشند که در مجموع ۵ دسته فیش می‌شود، چون امروز روز پنجم مطالعه بود.

نکته مهم: گنجایش خانه‌های جعبه لایتنر به صورت زیر است:

(در این مورد هیچ‌گونه تفاوتی بین روش DLM با روش لایتنر وجود ندارد چرا که گنجایش خانه‌ها براساس تحقیقات این روانشناس برجسته معرفی شده و کاملاً منطبق با فرایند طبیعی مغز انسان است).

خانه اول: فقط یک دسته فیش که حتماً بایستی ظرف مدت ۲۴ ساعت (یا زودتر) به خانه دوم منتقل شوند، چرا که فرایند طبیعی مغز انسان به این صورت است که ۷۰ درصد مطالب را بعد از ۲۴ ساعت به فراموشی می‌سپارد و این کاملاً طبیعی است و برای همه انسانها وجود دارد. اگر طی این ۲۴ ساعت یکبار دیگر مطالب مرور شوند از حافظه کوتاه مدت به حافظه بلندمدت نزدیکتر می‌شوند و اگر مثلاً چند روز دسته فیش‌های موجود در خانه شماره یک را مطالعه نکنیم زمانی که چند روز قبل برای یاد گرفتن آنها اختصاص داده بودیم تقریباً هدر می‌رود چرا که احتمالاً بیشتر مطالب را فراموش کرده‌ایم و باید از نو مطالعه کنیم.

این حساسیت در مورد خانه‌های شماره ۳ به بعد کمتر می‌شود چرا که مطالب به حافظه بلندمدت (به واسطه مرور برنامه‌ریزی‌شده‌ای که مطابق با فرایند طبیعی مغز انسان است) نزدیکتر شده‌اند.

پس سعی کنید دسته فیش‌های موجود در خانه اول را حداکثر فردای مطالعه به خانه دوم انتقال دهید.

خانه دوم: ظرفیت آن دو دسته فیش است. یعنی تا دو دسته فیش مجزا در آن وجود نداشته باشد اجازه نداریم هیچ فیشی را از خانه شماره ۲ به خانه بعدی آن منتقل کنیم.

خانه سوم: ظرفیت آن ۴ دسته فیش مجزا است.

خانه چهارم: ظرفیت آن ۸ دسته فیش مجزا است.

خانه پنجم: ظرفیت آن ۱۶ دسته فیش مجزا است.

نکته: بعد از آنکه فیش‌ها از خانه پنجم خارج شد (یعنی فیش‌هایی که حداقل ۵ بار مرور شده‌اند و پاسخ صحیح آنها را بلد بوده‌ایم، یک بار در روز اول از خودمان آزمون گرفته‌ایم، یکبار در روز دوم، یکبار در روز چهارم، یکبار در روز هشتم، یکبار در روز شانزدهم و یکبار هم در روز سی و یکم بعد از اولین مطالعه)؛ دیگر می‌توانید مطمئن باشید که مطالب برای همیشه در حافظه شما باقی می‌ماند.

نکته بسیار بسیار مهم: در هر بار مرور و آزمون فیش‌ها، فیش‌هایی را که فراموش کرده باشید حتی اگر در خانه پنجم جعبه لایتنر هم باشند باید حتماً به خانه شماره یک برگردند نه خانه قبلی. این مهمترین قاعده جی ۵ است که توسط ادوین گاترین ارائه شده و رعایت آن کاملاً حیاتی است.

۶- روز ششم مطابق روز پنجم است. در پایان روز ششم سه دسته فیش مجزا در خانه شماره ۳، دو دسته فیش مجزا در خانه شماره ۲ و یک دسته فیش جدید (که در روز ششم مطالعه کرده اید) در خانه اول جعبه قرار دارد.

۷- روز هفتم نیز مطابق روز پنجم و ششم انجام می‌شود. در روز هفتم خانه شماره ۳ که ظرفیت آن چهار دسته فیش بود پر می‌شود.

۸- امروز روز هشتم است. ابتدا باید اولین دسته فیش موجود در خانه شماره ۳ را به خانه چهارم انتقال دهید. سپس دسته فیش جلویی موجود در خانه شماره ۲ را پشت سه دسته فیش باقی مانده در خانه شماره ۳ با حفظ مجزا بودن انتقال دهید. در مرحله سوم دسته فیش موجود در خانه شماره یک را که دیروز مطالعه کرده‌اید به خانه دوم انتقال دهید و در نهایت فیش‌های جدید مربوط به روز هشتم را مطالعه کرده و یاد بگیرید و در خانه شروع (خانه شماره یک) قرار دهید.

روزهای ۹-۱۵: مطابق روز هشتم عمل کنید. در روز پانزدهم جعبه شماره ۴ نیز پر می‌شود (با هشت دسته فیش مجزا) روز ۱۶: لازم است ابتدا اولین دسته فیشی را که به خانه شماره ۴ انتقال پیدا کرده بود (دسته فیش جلویی) را به خانه شماره ۵ منتقل نمایید.

سپس دسته فیش جلویی خانه شماره ۳ را به ۴

پس از آن دسته فیش جلویی خانه شماره ۲ را به ۳

بعد از آن دسته فیش جلویی خانه شماره ۱ را به ۲

و در نهایت فیش‌های جدید مربوط به این روز را مطالعه کرده، یاد بگیرید و در خانه اول قرار دهید.

روزهای ۱۷-۳۱: مطابق با دستورالعمل روز شانزدهم رفتار کنید.

نکته: در روز سی و یکم اولین دسته فیش از انتهای جعبه خارج می‌شود و این روند که اکنون ملکه ذهن شما شده باید ادامه پیدا کند تا آخرین فیش‌هایی را که برای شما طراحی شده یاد بگیرید و از خانه پنجم خارج شوند.

نکته مهم: دقت کنید وقتی مثلاً می‌گوییم روز هفتم باید فلان کار را انجام دهید منظور در مرحله هفتم است. مثلاً فرض کنید روز اول شروع مطالعه شما با روش DLM شنبه باشد. قاعده‌تاً باید وظایف روز هفتم را ۷ روز بعد یعنی در روز جمعه‌ای که در پی می‌آید انجام دهید. خوب شاید کاری پیش بیاید که نتوانید یک روز اصلاً از جعبه استفاده کنید یا مثلاً تصمیم بگیرید جمعه را استراحت کنید؛ بدیهی است که در این صورت برای شما روز هفتم دیگر جمعه نیست، یعنی تکالیف مربوط به روز هفتم (مرحله هفتم) را باید فردا در روز شنبه انجام دهید.

البته توصیه می‌کنیم طوری برنامه‌ریزی کنید که بتوانید مرحله به مرحله و به آرامی روش DLM را طی کنید و بدون اینکه احساس سختی کنید یا احساس کنید دارید درس می‌خوانید، حجم زیادی از مطالب را خود به خود خواهید آموخت. نکته دیگر اینکه می‌توانید هر روز ابتدا دسته فیش‌های جدید را در «شروع مطالعه» فرا بگیرید (که ذهن شما کاملاً آماده و به اصطلاح «fresh» است) و بعد به مرور فیش‌های روزهای قبل بپردازید (به جای اینکه ابتدا مرور کنید و در مرحله آخر اقدام به یادگیری فیش‌های جدید نمایید).

در پایان مجدداً برخی از قوانین بسیار مهمی را که باید حتماً حین استفاده از روش DLM رعایت نمایید جمع بندی می‌کنیم:

۱- دسته فیش‌های موجود در خانه شماره یک حداکثر باید ظرف مدت ۲۴ ساعت (یا زودتر) به خانه دوم منتقل شوند.

۲- هرگز خود را برای فیش‌هایی که فراموش کرده‌اید سرزنش نکنید.

۳- فیشی که فراموش کرده‌اید در هر مرحله‌ای که باشد باید به خانه شماره یک برگردد و این نکته بسیار مهمی است.

۴- تا ظرفیت خانه‌ای پر نشده باشد مجاز نیستیم هیچ دسته فیشی را از آن به خانه بعدی انتقال دهیم.

۵- فقط می‌توانیم در یک روز یک دسته فیش از هر خانه‌ای به خانه بعدی انتقال دهیم. یعنی پس از آنکه خانه‌ای پر شد فردای آن روز فقط جلوترین و اولین دسته فیش را به خانه بعدی انتقال می‌دهیم. روزهای بعدی نوبت دسته‌های بعدی خواهد بود.

۶ - در طراحی فرایند یادگیری لایتنر نوعی پاداش و تشویق درونی وجود دارد که نشاط آور است. وقتی فیشی را که بلد هستید به خانه بعدی انتقال می‌دهید نوعی حس رضایت درون شما به وجود می‌آید که انگیزه و انرژی شما را برای ادامه مسیر دو چندان می‌سازد.

چند نکته در مورد DLM:

الف . ممکن است گاهی با فیش‌هایی مواجه شوید که آنها را قبلاً مطالعه کرده‌اید. نکته بسیار مهم در این مورد این است که جواب آنها را «تشخیص دهید» یعنی شک نکنید. لازم است با همان دقت و حساسیت آنها را مطالعه کرده و برای انتقال به خانه بعدی جعبه جواب‌های درست و کامل را برای خود بازگو کنید.

این مسئله در مواردی بیشتر اتفاق می‌افتد که یا اهمیت آنها بسیار زیاد است و چند بار در کنکورهای سال‌های گذشته سؤال بوده‌اند و یا در منابع مختلف که احتمال طرح سؤالات از آنها وجود دارد، تکرار شده‌اند.

ب . برای اینکه نحوه صحیح استفاده از روش DLM برای شما به شکل یک عادت درآید بهتر است به‌خصوص در روزهای **اول تا هشتم** از طریق **مراجعه مکرر به دستورالعمل** پاراگراف مربوط به هر روز را بخوانید و کاملاً مطابق آن رفتار کنید.

پ . هر کدام از فلش‌کارت‌هایی که مطالعه می‌کنید می‌تواند یکی از تست‌های کنکور باشد. گاهی ممکن است به خود بگویید امکان ندارد چنین تست‌هایی مطرح شود چرا که بعضی از آنها نیازمند به خاطر داشتن واو به واو متون کتاب است . ما به شما می‌گوییم درست متوجه شده‌اید. به همین دلیل است که درصدهای افراد برتر کنکورهای سراسری سال‌های پیش از یک حدی تجاوز نمی‌کند. پس تک فیش‌ها را با دقت و تمرکز و البته بدون وسواس مطالعه کنید. باور داشته باشید که مجموعه فوق با حساسیت بسیار زیاد تهیه شده و حاصل تجربه سالهای گوناگون است.

ت . دقت داشته باشید که پاسخ فیش‌ها را باید دقیقاً مطابق لغاتی که در آنها استفاده شده در عین توجه به مفهوم لغات بدهید. در اصطلاح کمی ملالغتی باشید. به‌خصوص برای کلماتی که زیر آنها خط کشیده شده یا **BOLD** شده‌اند. یا فیش‌هایی که (مهم) یا (بسیار مهم) طبقه بندی شده‌اند.

ث . دقت کنید فیش‌ها را به طور کامل مطالعه نمایید. (چه صورت سؤال و چه پاسخ آن را) این کار باعث می‌شود مطالبی که بعضاً در صورت سؤالات مطرح شده و به صورت جای خالی نمی‌باشد در ذهن ناخودآگاه شما جای بگیرد. این را به این خاطر تاکید کردیم چون بعدها مشاهده خواهید کرد که مثلاً جواب یک کلمه‌ای یک فیش را که صورت آن چندین جمله است فوراً به یاد می‌آورید. ولی لازم است آن چندین خط صورت سؤال را نیز در هر بار مرور و گرفتن آزمون از خود مطالعه کنید تا در ذهن ناخودآگاه شما طبقه‌بندی شود.

ج . توصیه ما همانطوری که در دستورالعمل تکنیک DLM ذکر شد مطالعه روزی یک دسته فیش جدید (حدود ۳۰ تا ۴۰ عدد) - که به صورت تفکیک شده و کاملاً مشخص در انتهای این توضیحات بیان شده‌اند - است . به غیر از کسانی که در ماه‌های نزدیک به کنکور پکیج DLM را تهیه می‌کنند که طبیعتاً باید فیش‌های بیشتری را در روز مطالعه کنند تا وقت کم نیاورند. در هر صورت توصیه ما به همه داوطلبان این است که طوری برنامه‌ریزی کنید که یک ماه مانده به زمان کنکور آخرین فیش‌ها از آخرین خانه جعبه خارج شوند و در یک ماه باقی مانده به زدن تست‌های سال‌های گذشته و دانلود و مطالعه فایل‌های تکمیلی و جمع‌بندی‌هایی که احياناً از طریق وب سایت گروه DLM در اختیار شما قرار خواهد گرفت، مبادرت ورزید. در انتهای هر سرفصل می‌توانید از طریق وبسایت ما به آدرس www.DLMgroup.ir منوی «دانلودها» قسمت «دانلود آزمون‌های آزمایشی» خود را محک بزنید. کاملاً خود را در شرایط کنکور قرار دهید و شروع به زدن تست‌ها کنید این کار بسیار موثر خواهد بود چرا که اولاً : شما را با شرایط کنکوری مطابقت بیشتری می‌دهد و ثانیاً: این که وقتی می‌بینید تست‌های سال‌های گذشته را بلد هستید و زحمات شما ثمر داده است مستحکم‌تر و قوی‌تر می‌شوید و خود را باور می‌کنید که حتی شاید درصد ۱۰۰٪ را در «مبانی علم سیاست» کسب کنید.

چ . ما نهایت تلاش خود را به کار گرفته‌ایم تا تک فیش‌ها استاندارد و مطلوب باشد . ممکن است در بین فیش‌ها با محدود فیش‌هایی مواجه شوید که علیرغم چندین بار مرور و تکرار و شاید جلو رفتن در جعبه و دوباره برگشتن به خانه اول باز هم در ذهن شما باقی نماند. در این گونه موارد می‌توانید برای خودتان به دلخواه چیزهایی به فیش مورد نظر اضافه یا از آن کم کنید تا شما را راهنمایی کند. البته در انجام این کار عجله نکنید و راحت طلب نباشید. سعی کنید پاسخ‌ها را

همان‌طوری که هستند و به‌خصوص در مورد پاسخ‌های یک کلمه‌ای با همان واژه‌ها به خاطر بیاورید و همچنین فیش‌های مهمی را که خود تشخیص می‌دهید یا ما آنها را تعیین کرده‌ایم تغییر ندهید.

ح. چیدمان این تعداد فلش‌کارت کاری خسته‌کننده، طاقت‌فرسا و وقت‌گیر است. (چیدن فیش‌های هر یک بسته پشت سر هم بالغ بر ۱۰/۵ نفر- ساعت زمان احتیاج دارد) علی‌رغم همه تلاش و دقتی که همکاران ما در گروه به‌خرج می‌دهند باز هم ممکن است چند فیش در پک شما جا افتاده باشد. اگر احیاناً چنین بود لطفاً از طریق naghesi@DLMgroup.ir شماره فیش‌های ناقصی را برای ما ارسال کنید. ما آنها را برای شما ایمیل خواهیم کرد. ضمناً خواهشمندیم اگر در طول مطالعه به مطلبی برخورد کردید که احساس کردید اهمیت دارد و احیاناً در بین فیش‌ها نیست لطفاً آن را به فیش‌های خود اضافه کنید و ما را نیز از طریق ۲۲۳۶۰۶۰۶ (۰۲۱) (مدیریت گروه DLM) یا منوی «تماس با ما» ی سایت در جریان قرار دهید تا برای سال‌های آتی با کمک شما بتوانیم پک کامل‌تر و مفیدتری را در اختیار داوطلبان کارشناسی ارشد علوم سیاسی قرار دهیم.

خ. حتماً به ۳۰۰۰۷۶۵۰۰۰۱۷۷۴ پیامک بزنید و در متن پیامک تایپ کنید: **Mabani Siasat** تا تلفن همراه شما در سامانه پیام کوتاه ما ثبت شود. یک ماه قبل از برگزاری آزمون سراسری ممکن است تعدادی فایل تکمیلی از طریق وب سایت گروه DLM در اختیار شما قرار گیرد تا بدین ترتیب احتمال اینکه سوالی خارج از پک در کنکور مطرح شود را به حداقل برسانیم. توجه داشته باشید که کلیه اطلاع‌رسانی‌های ما از طریق SMS انجام خواهد شد؛ پس لطفاً دقت لازم را در اعلام شماره تلفن همراه خود مبذول دارید.

د. هر از چند گاهی به این دستورالعمل مراجعه کنید چون ممکن است توجه شما به نکات جدیدی جلب شود که قبلاً به آنها توجه نکرده‌اید.

با امید به موفقیت شما در درس « مبانی علم سیاست » و کسب نتیجه موفقیت آمیز در کل کنکور، لطفاً ما را از نظرات و پیشنهادات خود آگاه فرمایید.

با تشکر

انتشارات تبلور دانش - گروه DLM

باسمه تعالی

سخن ناشر:

با سلام و احترام و شادباش

حضور شما را در جمع اعضای خانواده بزرگ DLM گرامی می‌داریم.

لازم است ابتدائاً نکاتی را به عرض برسانیم:

از تیم‌های تالیف خواسته می‌شود برای تلطیف خشکی مطالعه و به خاطر ماندن مطالب، به من کودکی و حافظه تصویری توجه ویژه‌ای نشان دهند و تکنیک‌هایی در این زمینه به ایشان آموزش داده می‌شود.

چگونگی استفاده از این تکنیک‌ها، انتخاب تصاویر و رنگ‌ها و از این قبیل کاملاً به سلیقه، خلاقیت و دیدگاه هر مولف و طبقه فکری – اجتماعی که وی به آن تعلق دارد و با تفویض اختیار کامل از جانب انتشارات به مولف صورت می‌گیرد و تنها ممیزی در این بین، توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام می‌پذیرد. لذا ممکن است از همه تصاویر کارتونی، عبارات خودمانی، جملات الهام‌بخش و شوخی‌هایی که می‌شود لذت ببرید یا ممکن است با برخی از آنها موافق نباشید یا جایگزین بهتری برای آنها سراغ داشته باشید.

به هر حال همه این کارها به این منظور انجام می‌شوند که علاوه بر اینکه با مطالعه پک‌های DLM، ان شاء... بهترین نتیجه را کسب خواهید فرمود، از مطالعه خود لذت نیز ببرید.

معتقدیم لازم نیست مطالعه، یک اجبار کسل کننده برای قبولی در آزمون باشد، بلکه می‌تواند فعالیتی شیرین، شاد و خوشایند باشد. به همین خاطر تلاش می‌شود مطالب، با زبانی ساده و با مثال‌هایی ملموس بیان شوند و کمترین تلاش ذهنی را از داوطلب، طلب کند. و نیز این همه کتاب را که ضخامت صفحات هریک شاید قبلاً باعث می‌شد اصلاً رغبت نکنیم طرفش برویم، حالا همه یکجا در یک پک در اختیار شما عزیزان قرار داده شده آن هم در قالب فلش کارت؛ فلش-کارت‌هایی که می‌توانید هر روز با خود حمل کنید و در اوقات پرت خود در طول روز مطالعه‌شان کنید.

می‌خواهیم این اطمینان خاطر را به شما بدهیم که جهت‌گیری و رویکرد انتشارات تبلوردانش صداقت، تعهد، کیفیت و احترام به وقت مخاطب است. وقتی که برای مطالعه پک‌ها اختصاص می‌دهید.

تمامی سیستم‌های تالیف، خط‌مشی‌ها و فرهنگ‌های سازمانی در این راستا طراحی شده‌اند. تلاش می‌کنیم یا پکی را ارائه نکنیم یا وقتی برای درسی، پک آن ارائه شد جامع باشد و نیازی به مطالعه کتاب و کلاس نداشته باشید.

با این همه هیچ کاری عاری از اشکال نیست. ضمن اینکه کیفیت یک مقصد نیست بلکه یک مسیر و فرآیند دائمی است. بنابراین همیشه نیازمند نظرات، پیشنهادات، انتقادات و ایده‌های نوی شما عزیزان هستیم. به ما کمک کنید تا بتوانیم هر سال پک‌های کامل‌تر و جذاب‌تری را در اختیار دوستان شما و داوطلبان سال‌های بعد قرار دهیم.

موفق و پیروز و سربلند باشید.

این یک دستور است!

با احترام

انتشارات تبلوردانش – گروه DLM

Email: idea@DLMgroup.ir

تلفن: ۰۲۱۲۲۳۶۰۶۰۶

سامانه پیام کوتاه (SMS):

۳۰۰۰۷۶۵۰۰۰۱۷۷۴

جدول زمان‌بندی مطالعه پک «مبانی علم سیاست»

روز	از شماره تا شماره	موضوع
روز اول	۱-۳۵	کلیات
روز دوم	۳۶-۷۳	تعاریف انریشمن‌دان از سیاست
روز سوم	۷۴-۱۲۵	قدرت سیاسی
روز چهارم	۱۲۶-۱۷۱	قدرت سیاسی
روز پنجم	۱۷۲-۲۲۶	اقتدار - مشروعیت
روز ششم	۲۲۷-۲۶۵	ایدئولوژی - جامعه‌پذیری سیاسی
روز هفتم	۲۶۶-۳۰۳	فرهنگ سیاسی - نوسازی سیاسی
روز هشتم	۳۰۴-۳۷۵	توسعه سیاسی - تمرک اجتماعی - نفوذ - امنیت
روز نهم	۳۷۶-۴۴۰	سوالات آزمون سراسری
روز دهم	۴۴۱-۴۹۴	سوالات آزمون دانشگاه آزاد
روز یازدهم	۴۹۵-۵۴۱	روش‌های علم سیاست
روز دوازدهم	۵۴۲-۶۰۹	هیافت‌های مطالعه پدیده‌های سیاسی - رفتارگرایی - فلسفه سیاسی - انسان‌شناسی سیاسی - روان‌شناسی سیاسی
روز سیزدهم	۶۱۰-۷۰۴	نگرش‌ها و روش‌های جدید در مطالعه پدیده‌های سیاسی - برداشت‌های عمده از سیاست
روز چهاردهم	۷۰۵-۷۲۷	سوالات آزمون سراسری و دانشگاه آزاد
روز پانزدهم	۷۲۸-۷۶۶	تعاریف انریشمن‌دان از مفهوم دولت
روز شانزدهم	۷۶۷-۸۳۲	عناصر بنیادین دولت - نظریه‌های پیدایش دولت
روز هفدهم	۸۳۳-۸۸۱	نظریه قرار اجتماعی
روز هجدهم	۸۸۲-۹۴۹	نظریه‌های پیدایش دولت - اهداف دولت
روز نوزدهم	۹۵۰-۱۰۲۲	چهره‌های دولت - مفهوم و تعاریف ملت
روز بیستم	۱۰۲۳-۱۱۱۴	سوالات آزمون سراسری و دانشگاه آزاد
روز بیست و یکم	۱۱۱۵-۱۱۶۳	ایدئولوژی‌های سیاسی مدرن
روز بیست و دوم	۱۱۶۴-۱۲۰۲	طبقه‌بندی رژیم‌های سیاسی
روز بیست و سوم	۱۲۰۳-۱۲۳۹	اشکال عمومی نظام‌های سیاسی

اشکال خاص دولتها	۱۲۹۴-۱۲۴۰	روز بیست و چهارم
طبقه بندی حکومتها از نظر انریشمندان- نظام سیاسی در ایالات متحده آمریکا	۱۳۶۱-۱۲۹۵	روز بیست و پنجم
نظام ریاستی و پارلمانی-حکومت تک سافت و فدرال- فدراسیون و کنفدراسیون- تمرکز و عدم تمرکز	۱۴۲۸-۱۳۶۲	روز بیست و ششم
استراتژی های سیاسی- همگونگی	۱۵۱۰-۱۴۲۹	روز بیست و هفتم
سوالات آزمون سراسری	۱۵۹۰-۱۵۱۱	روز بیست و هشتم
سوالات آزمون سراسری	۱۶۷۱-۱۵۹۱	روز بیست و نهم
سوالات آزمون دانشگاه آزاد	۱۷۵۳-۱۶۷۲	روز سی ام
تعاریف حزب سیاسی و گروه فشار	۱۸۰۵-۱۷۵۴	روز سی و یکم
انواع حزب های سیاسی-انواع نظام های حزبی	۱۸۷۴-۱۸۰۶	روز سی و دوم
نظام های انتقابات	۱۹۳۳-۱۸۷۵	روز سی و سوم
سوالات آزمون سراسری و دانشگاه آزاد	۲۰۰۷-۱۹۳۴	روز سی و چهارم
تعاریف دموکراسی- انواع دموکراسی	۲۰۶۰-۲۰۰۸	روز سی و پنجم
حکومت های بدیل دموکراسی- لیبرالیسم	۲۱۰۹-۲۰۶۱	روز سی و ششم
پراکماتیسیم-قانون اساسی- تفکیک قوا	۲۱۶۴-۲۱۱۰	روز سی و هفتم
جامعه مدنی- کارویژه های امزای سیاسی	۲۲۰۶-۲۱۶۵	روز سی و هشتم
ائتلاف- امواج دموکراسی- راه های دموکراسی مستقیم	۲۲۶۹-۲۲۰۷	روز سی و نهم
سوالات آزمون سراسری و دانشگاه آزاد	۲۳۱۱-۲۲۷۰	روز دهم
ویژگی های ماکمیت-تعاریف ماکمیت	۲۳۶۱-۲۳۱۲	روز دهم و یکم
ماکمیت عمومی- ماکمیت کثرت کرا- تقسیم بندی سیاستمداران	۲۴۱۸-۲۳۶۲	روز دهم و دوم
انقلاب	۲۴۶۵-۲۴۱۹	روز دهم و سوم
انقلاب	۲۵۰۲-۲۴۶۶	روز دهم و چهارم
کودتا-اصلاحات- جنگ	۲۵۶۳-۲۵۰۳	روز دهم و پنجم
سوالات آزمون سراسری و دانشگاه آزاد	۲۶۱۳-۲۵۶۴	روز دهم و ششم

با مطالعه این پک باید بروید برای 100% زدن «مبانی علم سیاست»

- سعی کنید مطالعه پک را ۳ یا ۴ هفته قبل از برگزاری آزمون به اتمام برسانید و در این فرصت به زدن تست های کنکورهای سال های گذشته بپردازید.

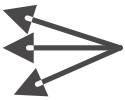
سرفصل اول

«تعاريف، مفاهيم و محتوای علم سياست»

عناوین مهم فصل**۱- تعاریف سیاست**

- ۱-۱- فارابی
- ۲-۱- غزالی
- ۳-۱- کواکبی
- ۴-۱- میرزا ملکم خان
- ۵-۱- علی شریعتی
- ۶-۱- پل ژانت
- ۷-۱- نولی
- ۸-۱- دیوید ایستون
- ۹-۱- هارولد لاسول
- ۱۰-۱- هارولد لاسکی
- ۱۱-۱- گانتانو موسکا و آستین رانی
- ۱۲-۱- بوکله
- ۱۳-۱- پولاک
- ۱۴-۱- ریمون آرون
- ۱۵-۱- فیودور یورلاتسکی
- ۱۶-۱- برنارد کرک
- ۱۷-۱- آدریان لفتویچ

۲-	تعاریف قدرت سیاسی	
۱-۲-	برتراند راسل	
۲-۲-	برتراند دوزوول	
۳-۲-	مک ایور	
۴-۲-	شوارتسبرگر	
۵-۲-	هربرت گلدهامر، داوید شیلد	
۶-۲-	هانس مورگنتا	
۷-۲-	لاسول	
۸-۲-	رابرت دال	
۹-۲-	گرین	
۱۰-۲-	ماکس وبر	
۱۱-۲-	لرد آکتون	
۳-	اقتدار	سنشی قانونی کاربرماتیک
۴-	مشروعیت	دیوید ایستون ماکس وبر
		مشروعیت ایدئولوژیک مشروعیت ساختاری مشروعیت شخصی مشروعیت سنشی مشروعیت کاربرماتیک مشروعیت قانونی
۵-	ایدئولوژی	
۶-	جامعه پذیری سیاسی	

- ۷- فرهنگ سیاسی
- محدود
تبعه
مشارکت
- 
- ۸- نوسازی سیاسی
- ۹- توسعه‌ی سیاسی
- ۱۰- تحرک اجتماعی
- ۱۱- مبارزه و منازعه‌ی سیاسی

ویژگی‌های اصلی علم

عبارتند از:

(۵ مورد)

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۳۶

- ۱- توانایی ارائه **فرمولی** دقیق، دائمی و مرتبط
- ۲- توانایی **تعمیم و پیش بینی**
- ۳- توانایی رسیدگی به **داده‌ها و تعمیم‌ها**
- ۴- توافق درباره‌ی **روش**
- ۵- **آموزش** مناسب کسانی که به کار علمی اشتغال دارند



علوم اجتماعی و سیاسی کدامیک از ویژگی‌های
اصلی علم را دارا می‌باشند؟

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۳۷

«ویژگی روش علمی»

آگوست کنت بنیانگذار علوم اجتماعی جدید،
علوم را بر اساس دو محور طبقه بندی می کند:
(با ذکر مثال)

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۲۱

۱- کلیت

مانند علوم ریاضی و طبیعی

۲- ترکیب

مانند علوم اجتماعی و سیاسی



تعاريف را به طور کلی می توان به ۳ گونه تقسيم کرد:

«مبانی سياست» عبدالحميد ابوالحمد، صص ۱۲ - ۱۰

الف: تعاریف علوم خالص یا علوم ریاضی

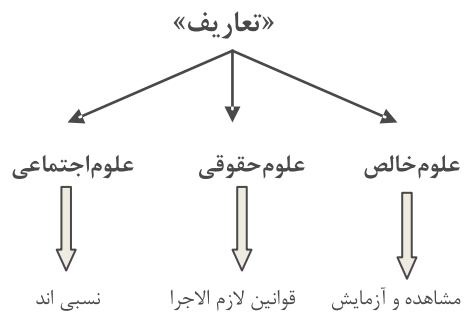
که با مشاهده و آزمایش به دست می‌آیند؛ مانند قانون جاذبه یا قانون جوشش آب

ب: تعاریف حقوقی

که به صورت قوانین و مقررات لازم الاجرا تنظیم می‌شوند؛ مانند تعاریف اجاره، خرید، فروش، مالکیت

پ: تعاریف علوم اجتماعی

که جنبه‌ی نسبی بودن آنها بسیار است و کمتر ثبات دارند؛ مانند تعریف سیاست



مهمترین دلیل گوناگونی دستاوردهای پژوهش‌های اجتماعی چیست؟

«میانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۱۲

عامل شخصی (انسانی)

(زیرا در تحقیقات اجتماعی، تفکرات، انگیزه‌ها و اعتقادات پژوهشگر بر نتایج تحقیقات اثرگذار است)

تفکر سیاسی در عهد باستان و در غرب از
..... آغاز شد.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۱

يونان



مهم

دانشواژه‌ی **سیاست** (Politics) از واژه‌ی یونانی
..... برگرفته شده است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۳

«پوليس»

(Polis = شهر)



سه مفهوم متمایز «سياست» (Politics)
عبارتند از:

«مقدمه‌ی نظریه‌ی سیاسی» عبدالرحمان عالم، ص ۸۵

۱- سیاست زمان درازی با **نهادهای رسمی حکومت** و با فعالیت‌های

درونی آن همراه بوده است (مثل قانون اساسی)

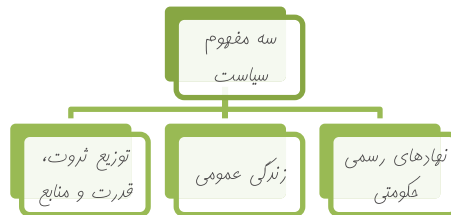
۲- سیاست به طور عام در مقایسه با آن زندگی که خصوصی و شخصی

دانسته می‌شود، با **زندگی عمومی و فعالیت‌های اجتماعی** پیوند دارد

(مانند روابط میان حکومت شوندگان و حکومت کنندگان)

۳- سیاست به **توزیع قدرت، ثروت و منابع** مربوط است و گاه این توزیع

در درون نهاد و در همه‌ی سطوح زندگی اجتماعی صورت می‌گیرد



سیاست در معنی یونانی علم بود.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۴

«حکومت بر شهر»

..... حساسترین حوزه‌ی فعالیت انسان
در جامعه است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۳۱

«سیاست»

«سیاست» با «علم سیاست» چه تفاوتی دارد؟

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۳

سیاست در مفهوم کلی در زندگی اجتماعی وجود دارد، اما **علم سیاست** را باید مانند هر علمی آموخت و همان است که در دانشگاهها آموخته می‌شود یا کسانی خودآموزی می‌کنند.

(به عبارت دیگر می‌توان گفت سیاست **کلی‌تر** و **عام‌تر** از علم سیاست است)

با پیدایش دو مفهوم و
انحصار علم سیاست از دست شهریاران،
سیاستمداران و فیلسوفان خارج شد.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۱

دموکراسی نو (مردم سالاری)

ناسیونالیسم (ملی گرایی)

(این دو اندیشه به نقش مردم در سياست توجه ویژه‌ای دارند)

سرشت نظام سياسی در هر کشوری به
..... بستگی دارد.

«آموزش دانش سياسی» حسين بشيريه، ص ۱۱

نگرش‌های اکثريت مردم

آموزشی به نام «علم سياست» يا «جامعه شناسی
سیاسی» نخستين بار در سال و در
شهر آغاز شد.

«مبانی سياست» عبدالحميد ابوالحمد، ص ۱ پاورقی

۱۹۵۶

پاریس



از زمان‌های دور علم سیاست را
نامیده‌اند.

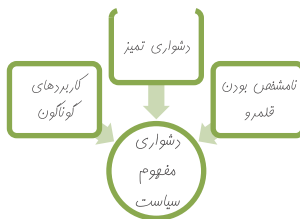
«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۷

«ارباب علوم»

به ۳ دليل سياست دارای مفهوم پيچيده و
دشواری است:

«مبانی سياست» عبدالحميد ابوالحمد، ص ۶

- ۱- نامعین و نامشخص بودن قلمرو آن
- ۲- دشواری تمیز امور سیاسی از غیر سیاسی
- ۳- گوناگونی کاربرد مفهوم سیاست توسط مردم
(توسط مردم با سواد- بی سواد، عوام- خواص، دانا- نادان)



به اصل کلي بودن سياست ۲ ايراد وارد است:

«مبانی سياست» عبدالحميد ابوالحمد، صص ۳۶-۳۵

۱- علم باید قابل اندازه گیری و محاسبه باشد
(در حالی که در سیاست این امر دشوار است)

۲- علم باید توانایی پیش بینی آینده را داشته
باشد
(این کار هم در سیاست دشوار است)

دلایلی که محققان و دانشمندان برای غیر علمی بودن مطالعات سیاسی ارایه کرده‌اند عبارتند از:

(۸ مورد)

- ۱- عدم توافق درباره‌ی روش‌های آن
- ۲- عدم پذیرش عمومی اصول و نتایج آن
- ۳- عدم تداوم تحول و رشد آن
- ۴- پیش‌بینی ناپذیری سیاست
- ۵- ناتوانی روش‌های علمی از بررسی پدیده‌های سیاسی
- ۶- دشواری ثابت‌کردن و مهار (کنترل) علل تأثیرگذار بر پدیده‌های سیاسی
- ۷- عدم امکان پیش‌بینی و استنتاج پدیده‌های سیاسی
- ۸- تأثیرگذاری شخصیت و جهان‌بینی محقق بر نتایج تحقیق سیاسی

گسترده‌گی و تنوع سياست دست کم در دو

زمينه به چشم می خورد:

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۷

۱- در زمینه گوناگونی مطالب و موضوعها
(ویژگی تنوع)

۲- سیاست، افراد، گروهها و طبقات
گوناگون جامعه را در بر می گیرد
(ویژگی گستردگی)

از لحاظ روش شناسی، سیاست علمی
و است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۳۸ - ۳۹

اثباتی (Positive)

هنجاری (Normative)

(علوم اثباتی به بررسی واقعیات می‌پردازند، مانند علوم پزشکی و شیمی. در حالی که علوم هنجاری علاوه بر پدیده‌های واقعی و قابل اندازه‌گیری، به ارزش‌ها و اعتقادات نیز توجه می‌کنند، مانند فلسفه و اخلاق.)

سياست شناسان انگلیسی به جای واژه‌ی «علم
سياست» از واژه‌ی استفاده می‌کنند.

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۳۴

مطالعات سياسی

(Political Studies)



در کشور اصطلاح «جامعه شناسی
سیاسی» رایج تر از اصطلاح «علم سیاست» است.

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۲

«فرانسه»



..... از دولت آرمانی سخن می‌گوید و
بحث از عدالت، فضیلت، اخلاق، برابری و آزادی را
به مفهوم دولت آرمانی پیوند می‌دهد.

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۲۵

«فلسفه‌ی سياسی»

(Political Philosophy)

..... به رابطه‌ی دولت با نیروها و نهادهای اجتماعی می‌پردازد و از منظر جامعه، فرهنگ و نظام اقتصادی به دولت نگاه می‌کند و به مبانی اجتماعی قدرت سیاسی توجه دارد.

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۲۵

«جامعه شناسی سياسی»

(Political Sociology)

از این دیدگاه پرهیز از نگرش‌های ارزشی و تجویزی و روی آوردن به توصیف، طبقه بندی و کشف قواعد عام حاکم بر رفتار سیاسی، گردآوری داده ها، مشاهده و تجربه و اندازه گیری، روش اصلی دانش سیاسی جدید تلقی شد:

«رفتار گرایی»

(Behaviorism)

- ۱- آن بخش از بحث سیاست که به منارعه و مبارزه برای قبضه منابع قدرت از طریق انقلاب یا اشکال دیگر مبارزه و انتخابات مربوط می‌شود، معمولاً در شاخه بررسی می‌شود.
- ۲- در مقابل آن بخش که به سیاست به معنی اداره امور جامعه و حفظ نظم و امنیت و اجرای سیاست‌ها مربوط می‌شود در شاخه بررسی می‌شود.

۱- جامعه شناسی

۲- علم سياست

«هر گونه تعریف از سیاست ارزش نسبی خواهد

داشت»

این جمله به چه معناست؟

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۹

یعنی از آنجائیکه که تعاریف متنوع و گسترده‌ای
از سیاست وجود دارد، همه‌ی تعاریف و مفاهیم
در بردارنده‌ی پاره‌ای از حقیقت هستند.

فرهنگ ليتره «سياست» را اينگونه تعريف
مي‌کند:

«اصول علم سياست» موريس دوورژه، ص ۱۱

«سیاست علم فرمانروایی بر کشورهاست»

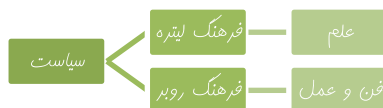
(در این تعریف علمی بودن سیاست مورد تأکید
است)

فرهنگ روبر «سياست» را اينگونه تعريف
می‌کند:

«اصول علم سياست» موريس دوورژه، ص ۱۱

«سياست فن و عمل فرمانروایی بر جوامع انسانی است»

در این تعريف فن و عمل بودن سياست مورد تأکید است)



هدف اصلی آموزش علم سیاست، است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۳۹

«دادن آگاهی سياسی به مردم يک جامعه‌ی آزاد»

مهمترین عرصه‌ی زندگی اجتماعی و سياسی
..... است.

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۳

«کشور - ملت»

(Nation-State)

آزاد ۸۴

دو چهره‌ی دولت (سياست) از دیدگاه موريس

دوورژه عبارتند از:

«اصول علم سياست» موريس دوورژه، ص ۵۵

۱- مبارزه

۲- همگونی



از دیدگاه «موریس دوورژه» تلفیق و
مشکل گشای غامض انسانی و عافیت
بخش دردها و رنج‌های بشری خواهد بود.

« اصول علم سیاست» موریس دوورژه، ص ۴۱

«آزادی»

«عدالت»

بر اساس نظر «موریس دوورژه» مبارزه سیاسی
در سطوح چهارگانه ذیل رخ می‌دهد:

«اصول علم سیاست» موریس دوورژه، ص ۱۶

۱- رقابت بین افراد

۲- رقابت بین گروه‌ها

۳- رقابت بین طبقات و نظام‌های اندیشه‌ای
خاص

۴- رقابت بین فرماندهان و فرمانبران



نخستين اثر مهم سياسی درباره‌ی سياست به
زبان فارسی است.

«مبانی سياست» عبدالحميد ابوالحمد، ص ۱۳

«سياست نامه»

(اثر خواجه نظام الملک)

..... رابطه‌ی فرمان‌دهی و فرمان‌بری و
خدمات حکومت خوب را سياست می‌دانند و از
نظر او «حاصل خدمات سياست است» :

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۱۴

«ابونصر فارابی»

چهار صنعت (شغل) زندگی اجتماعی از نظر

غزالی عبارتند از:

«مبانی سياست» عبدالحميد ابوالحمد، ص ۱۵

A. سياست

B. کشاورزی

C. بنایی

D. پارچه بافی

(سياست از نظر غزالی بالاتر از ديگر شغل هاست)

این تعریف از کیست؟

«چون تعریف علم سیاست آن است که (کارهای مشترک به مقتضای حکمت نماید) طبعاً و قهراً اولین مباحث‌های آن و مهمترین آنها بحث «استبداد» خواهد بود»

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۱۷

«عبدالرحمن کواکبی»

در کتاب «طبیعت استبداد»

هدف علم سياست از دیدگاه عبدالرحمن کواکبي
عبارتست از:

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۱۷

یافتن راههایی برای مبارزه با استبداد

(استبداد (Despotism) شیوهی حکومتی است که در آن یک فرد بدون توجه به قوانین، مقررات و منافع عمومی به حکومت خود ادامه می‌دهد)

نويسنده‌ی «کتاب احمد» چه کسی است؟

«مبانی سياست» عبدالحميد ابوالحمد، ص ۱۹

«عبدالرحيم طالبوف»

این تعریف از کیست؟

«دولت در عالم حکمرانی یعنی سیاست، سیاست عبارتست از حکم و تنبیه، بدون تنبیه حکم نیست: بدون حکم نه سیاست است نه دولت»

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۱۹

«میرزا ملکم خان»

(ممکن است در آزمون این سوال مطرح شود که
تعریف میرزا ملکم خان از سیاست چیست؟)

تعريف علي شريعتي از سياست عبارتست از:

«مياني سياست» عبدالحميد ابوالحمد، ص ۲۰

«سیاست عبارتست از خودآگاهی انسان نسبت به محیط و جامعه و سرنوشت مشترک و زندگی مشترک خود و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند و به آن وابسته است»

این جمله از کیست؟

«بنا به مقاصد اداره‌ی عملی کارها، دولت همان
حکومت است»

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۷

«هارولد لاسول»

(H. Lasswell)

پل ژانت (Paul Janet) معتقد است علم سیاست
آن بخشی از علوم اجتماعی است که درباره‌ی
..... و بحث و بررسی می‌کند.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۲۶-۲۷

«بنیادهای دولت»

«اصول حکومت»

بر اساس تعریف **نولی** (Noli) «سیاست»
عبارتست از:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۳۰

«همه‌ی آن فعالیت‌هایی که مستقیم یا غیرمستقیم
با کسب قدرت دولت، تحکیم قدرت دولت و
استفاده از قدرت دولت همراه است»

انتزاعی‌ترین مفهوم سیاست را چه کسی ازایه
داده است؟

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۳۰

«دیوید ایستون»

(David Easton)

(انتزاعی به مفهومی ذهنی گفته می‌شود که مصداق خارجی و عینی ندارد. ایستون با تعریف سیاست به عنوان «توزیع آمرانه‌ی ارزشها» مفهومی انتزاعی از سیاست به دست داده است؛ زیرا مفهوم "ارزش" مصداق عینی و ملموس ندارد.)

بسیار مهم، سراسری ۸۳

دیوید ایستون (D. Easton) چه تعریفی از
سیاست ارائه می‌دهد؟

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۹

سياست «توزيع آمرانه‌ی ارزش‌ها برای جامعه»
است.

تعریف دیوید ایستون (D. Easton) از سیاست
به عنوان «تخصیص اقتدارآمیز ارزشها برای
جامعه» بر اهمیت تأکید دارد.

«سیاست و حکومت جدید» عبدالرحمان عالم، ص ۴۱

«اقتدار در حکومت کردن»

از آنجاییکه دستگاههای تولیدکننده و پخش کننده ارزشها (آموزش و پرورش، آموزش عالی، رسانه‌ها و غیره) در اختیار حکومت هستند، بنابراین حکومت می‌تواند به صورت اقتدارآمیز تولید و توزیع ارزشها در جامعه را بر عهده بگیرد.

هارولد لاسول

(Harold Lasswell)

در تعريف علم سياست گفته است:

«بنیادهای علم سياست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۸

« علم سیاست به صورت یک نظام تجربی عبارت
از مطالعه‌ی چگونگی شکل گرفتن قدرت و سهمیم
شدن در آن است »

مهم

هارولد لاسکی

(H. Laski)

سیاست را اینگونه تعریف کرده است:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۳۰

سیاست یعنی دانستن اینکه: «چه کسی می‌برد،
چه می‌برد، چه موقع می‌برد، چگونه می‌برد، چرا
می‌برد»

(۵ سوال که با حرف «چ» شروع می‌شوند)



مهمترین تعریف سیاست در میان متفکران سیاسی غرب چیست؟

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۳۰

«سياست مبارزه برای قدرت است»

گائتانو موسکا (G.Mosca)

و آستین رانی (A. Runny)

«سیاست را می‌دانند»

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۳۰

«حکومت کردن بر انسانها»

این جمله از کیست؟

«در مرحله‌ی فعلی دانش بشر، سیاست از علمی
بودن بسیار دور و یکی از عقب مانده‌ترین
رشته‌هاست»

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۳۵

«بوکله»

(Buckle)

(بوکله و جان استوارت ميل معتقد بودند که

سياست رشته‌ای علمی نیست)

نویسندگان و پژوهشگران ذیل اصطلاح
«سیاست» را بر «علم سیاست» ترجیح
داده‌اند:

(۴مورد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۵

۱- ارسطو (Aristotle)

۲- يلينک (Jellinke)

۳- هنري سجویک (Henry Sedwick)

۴- پل ژانت (Paul Janet)

پاسی ← پل ژانت، ارسطو، سجویک، يلينک

پولاک (Pollock) علم سیاست را به ۲ حوزه

تقسیم می‌کند که عبارتند از:

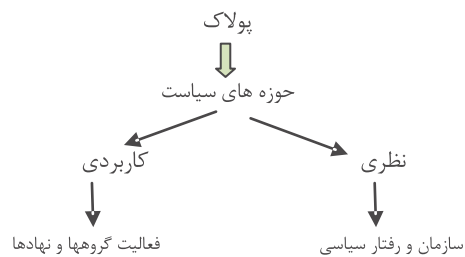
«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۵

۱- سیاست نظری

(اصول و بنیادهای مربوط به سازمانهای سیاسی و رفتار سیاسی)

۲- سیاست کاربردی

(فعالیت گروهها و نهادهای گوناگونی که به دنبال کسب قدرت سیاسی هستند)



هارولد لاسکی در کتاب «مقدمه‌ای بر سياست»
موضوع سياست را می‌داند.

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، صص ۲۱-۲۲

«بررسی نهادهای رسمی کشور و دولت»

کتاب «افسانه‌ی دولت» از کیست؟

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۲۴

«ارنست کاسيرر»

(Ernst Cassirer)

موريس دوورژه

(Maurice Duverger)

هسته‌ی اصلی قلمرو سياست را می‌داند.

«مبانی سياست» عبدالحميد ابوالحمد، ص ۲۴

«قدرت سياسی»

(Political Power)

ريمون آرون
(Raymond Aron)
سياست را می‌داند.

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۲۵

«تصمیم‌گیری درباره‌ی رویدادهای ناهمگون در جامعه»

به گفته ی، هیچ علمی به اندازه ی علم
سیاست نیازمند دانشواژه های دقیق نیست.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۲

«جلینک»

(Jellinek)

فيودور بورلاتسكى
(Fyodor Burtlasky)
سياست را چنين تعريف مي‌کند:

«مبانی سياست» عبدالحميد ابوالحمد، ص ۲۶

«مفهوم قدرت، محور تئوری سیاسی و مطالعه
پرونده‌های سیاسی مشخص است. این مفهوم
کلید درک نهادهای سیاسی، جنبش‌های سیاسی
و خود سیاست است»

مهم

از نظر برنارد کرک (B. Crick) «سیاست»
عبارتست از:

«مقدمه‌ی نظریه‌ی سیاسی» عبدالرحمان عالم، ص ۸۷

«راه حل مسائل مربوط به نظم، که سازش را
بیشتر از خشونت و اجبار انتخاب می‌کند»

..... گفت:

«سياست علم نيست، بلکه هنر است»

«مقدمه‌ی نظريه‌ی سياسی» عبدالرحمان عالم، ص ۸۶

«بیسمارک»

(Bismarck)

به گفته‌ی : « سیاست در قلب همه‌ی
فعالیت‌های جمعی اجتماعی، رسمی و غیر
رسمی، عمومی و خصوصی، در همه‌ی گروه‌های
انسانی، نهادها و جامعه‌ها قرار دارد »

«مقدمه‌ی نظریه‌ی سیاسی» عبدالرحمان عالم، ص ۹۴

« آدریان لفتويچ »

(A.leftwich)

کدام اندیشمند سیاست را «علم شهرها»
نامیده است؟

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۴

«جان سی لی»

(John. Seeley)

(می توان عمل سیلی زدنی یا سلی خوردن را در
ذهن تداعی کرد!)

از نظر یونانیها سیاست دانشی مربوط به امور یک بود.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۳

«شهر»

(در یونان باستان هر شهری دولت و حکومت
مستقلی برای خود داشت، به همین دلیل
سیاست در مفهوم یونانی علم حکومت بر شهر
دانسته می‌شد)

..... در یک مرثیه گفته است:

«آدمی که به کار سیاست نپردازد شایسته صفت
شهروند بی آزار نیست، بلکه باید او را شهروندی
بی خاصیت بدانیم»

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۴

«پریکلس»

(Pericles)

.....، قدرت و سياست را با عمل يکي
می‌داند.

«مبانی سياست» عبدالحميد ابوالحمد، ص ۲۹

«آندره مالرو»

(Andre Malraux)

منظور از، انتقال آگاهیه‌ها و دیدگاههایی به عامه مردم است که آنها را هر چه بیشتر برای احراز شان شهروندی در جامعه‌ای مردم سالار آماده سازد.

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۱۱

«آموزش مدنی»

(Civil Education)

هدف آموزش مدنی چیست؟

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۱۲

«این است که مردم را برای حضور در زندگی
سیاسی به شیوه‌ای دموکراتیک تربیت کند»

هسته‌ی اصلی آموزش مدنی را و
..... تشكيل می‌دهد كه در دانش سياست
گردهم می‌آیند.

«آموزش دانش سیاسی» حسين بشيريه، ص ۱۱

۱- اطلاعات

۲- آگاهی‌ها

چه گروه‌ها و افشاری از اجتماع نیازمند آموزش
مدنی هستند؟

الف - طبقات بالا

ب - طبقات پایین

پ - شهروندان

ت - شهروندان و سیاستمداران

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۱۳

گزینه (ت) صحیح است

«هدف آموزش مدنی، هم نظری و عملی و هم اخلاقی است و در آن هم شهروندان و هم سیاستمداران مورد نظر هستند»

هدف نهایی آموزش دانش سیاسی در سطح
عمومی عبارتست از:
(۲ مورد)

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۱۳

- ۱- پرورش شهروندان برای زندگی مدنی و سیاسی
- ۲- آموزش سیاستمداران در انجام کارویژه‌های خود
به بهترین شیوه‌ی ممکن



هدف عمده‌ی سياست عبارتست از:

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۳

حفظ امنيت خارجي کشور و تأمین عدالت داخلی آن

ضابطه‌ی به خوبی می‌تواند مرز بین
اخلاق و سياست را مشخص کند.

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۴

« انضباط و زور »

(سرپیچی از دستورات اخلاقی منجر به مجازات بیرونی شخص نمی‌گردد یعنی دولت در این امر دخالتی نخواهد کرد. اما سرپیچی از قوانین دولتی منجر به مجازات فرد خاطی خواهد شد)

از یک چشم انداز کلی می توان علم سیاست را به
دو حوزه اصلی تقسیم کرد:

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۱۳

۱- علم سیاست نظری یا طبیعی

۲- علم سیاست عملی یا تأسیسی

موزه های اصلی علم سیاست

• سیاست نظری

• سیاست عملی

علم سیاست نظری یا طبیعی عبارتست از:

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۱۳

«مجموعه مطالعات تاریخی، جامعه‌شناسانه، روانشناسانه و انسان‌شناسانه درباره‌ی رفتارهای طبیعی انسان در حوزه‌ی سیاست، انگیزه‌های رفتار سیاسی و شیوه‌ی شکل‌گیری انواع سلطه‌های طبیعی است»

علم سیاست عملی یا تأسیسی عبارتست از:

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۱۴

«دانشی است درباره‌ی چگونگی ایجاد ثبات سیاسی، تنظیم روابط بین دولت و شهروندان حدود اختیارات و حقوق و تکالیف آنها، چگونگی تبدیل خواسته‌های عمومی به سیاست‌های عمومی، چگونگی تخمین مشروعیت نظام سیاسی، تنظیم روابط جامعه‌ی مدنی و دولت، رابطه‌ی قوای حکومتی و نظیر اینهاست»

تفاوت میان علم سياست نظری يا طبيعى با علم سياست عملی يا تأسیسی چیست؟

«آموزش دانش سياسی» حسين بشيريه، ص ۱۵

« سیاست نظری یا طبیعی با کل جهان طبیعی
سیاست سروکار دارد. در حالی که سیاست
تأسیسی یا عملی به حفظ ثبات و سلامت
پیکره‌ی سیاسی و تنظیم روابط دولت با
شهروندان می‌اندیشد»

بسیاری از متفکران و پژوهشگران سیاسی:

۱- جنبه‌ی نظری سیاست را

۲- و جنبه‌ی عملی سیاست را
نامیده‌اند.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۵

۱- علم سیاست

۲- سیاست

«سطوح سیاست» عبارتند از:

(۴ مورد)

«مقدمه‌ی نظریه‌ی سیاسی» عبدالرحمان عالم، صص ۹۸-۹۷

۱- سطح زندگی شخصی، خانوادگی و خانگی

(پایین‌ترین سطح فعالیت سیاسی است، مانند رابطه‌ی دو دوست)

۲- سطح اجتماعی

(مسائل و منازعات محلی، فعالیت‌های اجتماعی، حکومت محلی یا منطقه‌ای، محل کار، نهادهای عمومی و شرکتهای بازرگانی را در بر می‌گیرد)

۳- سطح ملی

(بر نهادهای دولت ملی، فعالیت‌های احزاب سیاسی بزرگ و گروههای فشار توجه می‌کند. عقاید متعارف سیاست به طور عمده به همین سطح محدودند)

۴- سطح بین‌المللی یا فراملی

(به روابط فرهنگی، اقتصادی و دیپلماتیک بین دولتهای ملی و در میان آنها مربوط است. و همین‌طور فعالیتهای مجموعه‌های فراملی، مانند سازمان ملل متحد و وحدت اروپا، شرکتهای چند ملیتی و حتی تروریست‌های بین‌المللی را هم در بر می‌گیرد)



آنچه در ذیل عنوان علم سیاست **عملی و**
تأسیسی آورده می‌شود، همان مطالبی است که
معمولاً در ذیل مبحث مطالعه
می‌شود.

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۱۴

«دموکراسی» (Democracy)

(نظام حکومتی است که در آن مردم بر اساس
سازوکارهای قانونی، حاکم بر سرنوشت خویش
می‌باشند)

تعريف دو مفهوم خرد و کلان سياست عبارتست از:

«آموزش دانش سياسی» حسين بشيريه، ص ۱۹

۱- مفهوم خرد

با نظام سیاسی یا حکومت و نهادهای حکومتی و سیاست‌ها و اعمال آنها و شیوه‌ی اعمال قدرت و اداره‌ی امور جامعه سر و کار دارد.

۲- مفهوم کلان

با زمینه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نهادهای حکومتی، زمینه‌های اجتماعی قدرت سیاسی، قدرت به معنای کلی و اجتماعی آن، تکوین، استمرار و زوال حکومت‌ها، رفتار سیاسی فردی و جمعی، روابط میان دولت‌ها، اندیشه و فلسفه‌های سیاسی سر و کار دارد.

دو سطح تجزیه و تحلیل سیاست عبارتند از:

[به تفاوت دو تعریف از دو نویسنده (دوورژه و بشیریه در این فلش کارت و فلش کارت قبلی) از مفهوم خرد و کلان سیاست توجه شود]

«اصول علم سیاست» موريس دوورژه، ص ۵۲

۱- سطح خرد سیاست

در زمینه‌ی روابط میان افراد که بر پایه‌ی تماس شخصی استوار است.

۲- سطح کلان سیاست

در زمینه‌ی مجموعه‌های بزرگ که در آن تماس شخصی وجود ندارد و روابط با واسطه، روابط اداری و یا تماس نمایی و غیرواقعی جای آن را گرفته است.

سابقه‌ی کوشش برای تأسیس علم سیاست به
مکتب در قرن نوزدهم باز می‌گردد.

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۲۳

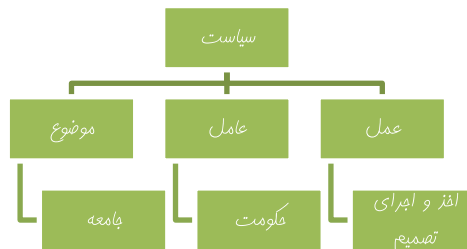
اثبات‌گرایی آگوست کنت

[اثبات‌گرایی (پوزیتیویسم Positivism) دانشی است که تنها احکامی را می‌پذیرد که ما به ازای عینی داشته باشند]

- ۱- عمل سیاست یعنی
- ۲- عامل عمل سیاست یعنی
- ۳- موضوع عمل سیاسی یعنی

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۲۹

- ۱- اخذ تصمیم و اجرای آن برای کل جامعه
- ۲- حکومت یا نهادهای تصمیم‌گیری و اجرایی دولت
- ۳- گروه‌ها، افراد و بخش‌های مختلف جمعیت



مفهومی که از قدرت داریم مفهومی
است و مانند هر مفهوم دیگر اجتماعی و سیاسی،
در درازای تاریخ تغییر کرده و دگرگونی یافته
است.

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۷۱

«نسبی»

اگر به کار بردن قدرت سرشت **خصوصی** داشته باشد به آن می‌گویند؛ و هر گاه قلمرو و اعمال قدرت از پهنه‌ی خصوصی فراتر رود و **کل جامعه سیاسی** را هدف قرار دهد به آن می‌گویند که ویژه‌ی دولت است.

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، صص ۷۱-۷۲

A. نفوذ

B. قدرت سياسی

شناخته‌شده‌ترین روش برای توجیه رابطه‌ی
قدرت بين فرمانروايان و فرمانبرداران، توجیه
بوسیله‌ی است.

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۷۵

«طبیعت و سرشت موجودات زنده»

(بر اساس این نظریه، نیرومندان، ناتوانان را زیر سلطه‌ی خود در می‌آورند و از آنجا این قاعده‌ی کلی را به جامعه انسانی گسترش می‌دهند)



..... داشتن حق و توانایی رهبری و فرماندهی است که پایه و اساس آن نیز در داشتن توانایی‌های معنوی است.

..... داشتن امکان مادی اجبار دیگری به اطاعت و فرمانبری است که جنبه‌ی بهره‌گیری از توانایی‌های مادی در آن بیشتر است.

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۷۴

«نفوذ»

(Influence)

«قدرت سياسی»

(Political Power)

مهمترین پهنه‌ی قدرت سياسی است.

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۷۲

عرصه‌ی ملی یا كشوری

چه نوع نفوذ يا قدرتی، **سیاسی** محسوب
می‌شود؟

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۷۲

«تنها آن نفوذ و قدرتی که هدف دارندگان آن به دست گرفتن دولت در کشور یا سهمیم شدن در قدرت دولت است، عمل و اقدام سیاسی محسوب می‌شود و پژوهش در آن وارد قلمرو و علم سیاست می‌شود»

برای **توجيه قدرت سياسی** دو نظريه از همه
عام‌تر و نامدارتر است:

«مبانی سياست» عبدالحميد ابوالحمد، ص ۷۷

۱- نظریه‌ی خدایی یا ما بعدالطبیعه قدرت

۲- نظریه‌ی اجتماعی قدرت

نظريه‌ی خدایي قدرت سياسي چه مفهومي ارائه می‌دهد؟

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، صص ۷۷-۷۹

«این نظریه که پیش از همه از سوی دین‌ها پاسداری می‌شود منطبق با نظریه سرشتی بودن قدرت سیاسی است؛ که بر اساس آن هر گونه قدرت و حاکمیت ناشی از اراده‌ی خداست و رهبران از سوی خدا برگزیده می‌شوند، پس دارای حاکمیت و قدرت بی‌پایان هستند. از نظر تاریخی این نظریه بیشتر با دوره سلطنت استبدادی با قدرت نامحدود و مطلق پیوند داشت. تحقق این نظریه در گروه اعتقادات دینی و مذهبی ریشه‌دار است»

نظريه‌ی انسانی یا اجتماعی قدرت سياسی چه مفهومی ارائه می‌دهد؟

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، صص ۸۳-۸۰

«این نظریه معتقد است که ریشه‌ی قدرت در
انسان و جامعه‌ی انسانی است»

(سخن نامدار «حکومت مردم بر مردم، به دست
مردم و برای مردم» نشان دهنده‌ی این نظریه
است)

از نظر تاریخی دگرگونی سیمای قدرت را
اغلب به سه گونه تقسیم می کنند:

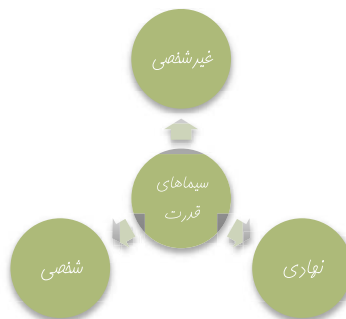
«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۸۳

۱- سیمای غیر شخصی، جمعی یا بی واسطه

قدرت

۲- سیمای شخصی یا فردی قدرت

۳- سیمای نهادی قدرت



سيمای غيرشخصی، گروهی یا بی واسطه
قدرت عبارتست از اینکه

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، صص ۸۸-۸۴

«رئیس، فرمانده یا حاکم و حکمران معین و مشخص در چنین جامعه‌هایی وجود ندارد. این نظریه بر پایه‌ی نمونه‌های مردمان «بدوی» در استرالیا، آفریقا و آمریکای جنوبی ارائه شده است. بر اساس این نظریه قدرت به همه‌ی اعضای گروه تحمیل می‌شود، بی‌اینکه این قدرت در دست یک یا چند نفر متمرکز باشد»

سپماى شخصى يا فردى قدرت عبارتست از
اينكه

«مبانى سياست» عبدالحميد ابوالحمد، صص ۸۸-۹۳

«یک گروه یا جامعه انسانی «بسته» با جامعه یا گروه‌های انسانی دیگر برخورد پیدا کند که نتیجه آن مشخص شدن سیمای قدرت است. در چنین موقعیتی اعمال قدرت به **یک یا چند نفر** سپرده می شود. **ثروت** یکی از ابزارهای اصلی اعمال قدرت در این دوره است؛ شخصی شدن قدرت مترادف با گسترش مالکیت خصوصی نیز است. **مشخص شدن وظیفه‌ها و تخصص در کار** از پدیده‌های دوره شخصی شدن قدرت است. وضعی که در تمام دوره **فئودالیسم** وجود داشت.»

نهادی کردن قدرت سیاسی به چه معناست؟

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۹۶

قدرتی که کس یا کسان در جامعه دارند به یاری مقررات حقوقی به «سازمان» منتقل گردد که در اصطلاح حقوقی شخص حقوقی نامیده می شود. به عبارت دیگر، **انتقال قدرت به جامعه سیاسی کشور** را نهادی کردن قدرت سیاسی می گویند.

از لحاظ تاریخی دو نظریه در خصوص منشأ
قدرت سیاسی یا دولت وجود دارد، این دو
نظریه عبارتند از:

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، صص ۹۵-۹۳

۱- نظریه پدرسالاری

رئیس خانواده، پدر بوده است که ریاست و قدرت او مطلق و برای سراسر زندگی‌اش بوده است. تا زمان تشکیل دولت، همه‌ی حقوق از آن رئیس خانواده بوده است.

۲- نظریه مادرسالاری

زنان خود مجری قدرت نیستند ولی انتقال‌دهنده‌ی آنند. بر اساس این نظریه زن ریاست می‌کند و حق تصمیم‌گیری و قدرت سیاسی نیز در اختیار زنان است.

محققان و متفکران سیاسی ذیل معتقدند که:
«قدرت مفهوم اساسی سیاست است»
(۶ مورد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۸

- ۱- هارولد لاسول (H. Lasswell)
- ۲- چارلز مریام (Merriam)
- ۳- ماکس وبر (M. Weber)
- ۴- برتراند راسل (B. Russell)
- ۵- واتکینس (Watkins)
- ۶- هانس مورگنتا (Hans Morgenthau)

ارسطو جهت و هدف قدرت سياسی را
ناميده است.

«مبانى سياست» عبدالحميد ابوالحمد، ص ۳۰

«خير برين»

(منظور خوشبختی و خير كل جامعه است)

برتراند راسل (Bertrand Russell)
قدرت را در می‌داند.

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۷۶

سرشت انسان

برتراند راسل «قدرت» را چنين تعريف می‌کند:

«مبانی سياست» عبدالحميد ابوالحمد، ص ۲۷

« قدرت را می توان به عنوان پديد آوردن آثار
مطلوب تعريف کرد»

(مطلوب: به معنای خواسته شده، طلب شده، نه
امر خوشايند و دل پسند)

به عقیده‌ی سیاست بررسی و شناختن
ریشه‌ی هر گونه اعمال قدرت و نفوذ است و
قدرت به مفهوم عام واژه در نظر گرفته شده است.

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۲۷

«برتران دوژوونل»

(Bertrand de Jourenel)

«مک آیور» (McIver) چه تعریفی از قدرت ارائه می‌کند؟

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۹

«منظور از داشتن قدرت، توانایی تمرکز، تنظیم
یا هدایت رفتار اشخاص یا کارهاست»

«شوارزنبرگر» (Schwarzenberger)
قدرت را اینگونه تعریف می‌کند:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۹

«قدرت توانایی تحميل اراده مان است بر ديگران
به اتکای ضمانت اجرای موثر در صورت عدم
قبول»

«هربرت گلدهامر» (Hrbert Goldhamer)
و «ادوارد شیلد» (Edward Shild)
چه تعریفی از قدرت ارائه کرده اند؟

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۹

«قدرت توانایی تأثیرگذاردن بر رفتار دیگران بنا
به هدفهای یک شخص است»

هانس مورگنتا (Hans Morgenthau) دو تعریف
از قدرت ارائه کرده است که عبارتند از:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۹

«منظور از قدرت سیاسی اشاره به وجود کنترل
در روابط متقابل دارندگان اقتدار عمومی و میان
اقتدار عمومی و عامه مردم است»

«توانایی انسان بر ذهن‌ها و اعمال دیگران قدرت
است»

تعریف «**لاسول**» از قدرت عبارتست از اینکه:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۹

«قدرت، مشارکت در تصمیم‌گیری و رابطه‌ای
میانفردی است»

«رابرت دال»

(Robert Dahl)

چه تعریفی از قدرت ارائه کرده است؟

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۹

«قدرت رابطه‌ای میان بازیگرانی است که در آن، بازیگری دیگر بازیگران را به عملی وا می‌دارد که در غیر این صورت آن عمل را انجام نمی‌دادند»



تعریف گرین (Greens) از قدرت عبارتست از
اینکه:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۹

«قدرت به طور ساده حد توانایی کنترل دیگران
است به طوری که عملی را که از آنها خواسته
شده است، انجام دهند»

ماکسی وبر (Max Weber)
این تعریف را از قدرت ارائه کرده است:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۹

«قدرت امکان خاص یک عامل (فرد یا گروه) به خاطر داشتن موقعیتی در روابط اجتماعی است که بتواند گذشته از پایه‌ی اتکایی این امکان خاص، اراده‌ی خود را با وجود مقاومت به کار بندد»

این جمله از کیست؟
«قدرت به فساد می‌انجامد و قدرت مطلق، به طور
مطلق فاسد می‌کند»

الف - ماکیاولی	ب - هابز
پ - لرد آکتون	ت - روسو

«مقدمه‌ی نظریه‌ی سیاسی» عبدالرحمان عالم، ص ۸۹

گزينه (پ) صحيح است.

از نظر مورگنتا کلید فهم مسائل سیاسی،
..... است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۸

شناخت درست مبارزه برای قدرت

..... معتقد بود که برابری قدرت مهمتر از
برابری ثروت، شرط آزادی بشر است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۸

«برتراند راسل»

(Bertrand Russell)

در قالب است که قدرت به والاترين
شكل و كاملترين سازمان خود دست می يابد.

«اصول علم سياست» موريس دوورژه، ص ۱۱

دولت - کشور

(Nation – State)

اين دو متن سياسی برای نخستين بار و به
گونه‌ای رسمی، منشاء قدرت را از آسمان به زمین
منتقل می‌کند:

«مبانی سياست» عبدالحميد ابوالحمد، صص ۸۱-۸۲

۱- اعلاميه استقلال آمريکا در سال ۱۷۷۶

۲- انتشار قانون اساسی آمريکا در سال ۱۷۸۷

سه اندیشه در باب مفهوم قدرت عبارتند از:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۹

- ۱- قدرت، توانایی تحمیل **اراده** است به رغم مقاومت دیگران
- ۲- قدرت، **رابطه** دارندگان اقتدار و تابعان آن است
- ۳- قدرت، **مشارکت** در تصمیم گیری است

مهم

ویژگی‌های قدرت عبارتند از:

(۶ مورد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۹۱-۹۲

- ۱- قدرت مبتنی بر روابط میان انسانها است
- ۲- قدرت نسبی و وابسته به موقعیت است (یعنی اینکه رابطه‌ی قدرت با گذشت زمان دگرگون می‌شود)
- ۳- قدرت دو جنبه دارد: الف) واقعی ب) بالقوه
(منظور از قدرت بالقوه، قدرتی است که نیروهای اجتماعی و سیاسی قادر به اعمال آن هستند اما به دلایلی آنرا اعمال نمی‌کنند)
- ۴- قدرت، توانایی نفوذ بر دیگران است
- ۵- قدرت باید ضمانت اجرا داشته باشد
- ۶- قدرت برای دستیابی به هدفها و مقاصدی اعمال می‌شود

منابع فردی و اجتماعی قدرت عبارتند از:

(۷ مورد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۹۲-۹۳

- ۱- دانش
- ۲- سازمان (فی نفسه قدرت است)
- ۳- موقعیت‌ها (سرچشمه‌ی قدرت هستند)
- ۴- اقتدار (به معنای قدرت مشروع است)
- ۵- مهارت
- ۶- ایمان
- ۷- رسانه‌های جمعی

بسیار مهم، سراسری ۸۱، سراسری ۸۳

منابع محسوس قدرت دولتی عبارتند از:

(۶ مورد)

(منابع محسوس منابعی است که به لحاظ کمی

قابل اندازه گیری می باشد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۹۴-۹۳

- ۱- جغرافیا
- ۲- وسعت سرزمین
- ۳- منابع ملی و طبیعی
- ۴- توان اقتصادی
- ۵- توان نظامی
- ۶- جمعیت

بسیار مهم، سراسری ۸۳، سراسری ۸۵

منابع نامحسوس قدرت دولتی عبارتند از:

(۵ مورد)

(منابع نامحسوس منابعی است که به راحتی قابل

اندازه گیری کمی نمی باشد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۴

- ۱- کیفیت رهبری و حکومت ملی
- ۲- اراده‌ی تخصیص منابع به دست یافتن بر هدفهای ملی
- ۳- روحیه، انضباط، لیاقت و کیفیت نیروهای مسلح
- ۴- توان بالقوه‌ی اتحاد دولت
- ۵- سطح آگاهی‌های سیاسی در میان مردم

مترادف‌های واژه قدرت عبارتند از:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۵

۱- اقتدار (Authorite)

۲- نفوذ (Influence)

(البته مفاهیم قدرت، اقتدار و نفوذ در جزئیاتی با یکدیگر تفاوت دارد و دقیقاً هم معنی نمی باشند. قدرت جنبه‌ی مادی دارد، اما اقتدار و نفوذ جنبه‌ی معنوی و روانی قوی‌تری دارند)

مفهوم اساسی نظریه‌ی جدید سیاسی، مفهوم
..... است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۸

«قدرت»

مجموعه‌ی منابع و ابزارهای اجبارآمیز و
غیراجبارآمیزی است که حکومت‌ها برای انجام
کارویژه‌های خود از آنها بهره‌مندند و آنها را به
کار می‌برند:

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۳۳

«قدرت»

یکی از موثرترین وسایل برای برخورداری از
امتیازات و حفظ آنها، است.

«اصول علم سیاست» موريس دوورژه، ص ۱۱۰

در دست داشتن قدرت

موضوع علم سیاست عبارتند از:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۳۲

همه‌ی اندیشه‌ها و نهادهایی که با قدرت، اقتدار
و نفوذ در جامعه سروکار دارند.

بسیار مهم، سراسری ۸۱

مهمترین عنصر تعیین و اجرای سياست که
شناخت آن وظیفه‌ی اصلی و اولیه‌ی علم سياست
است، می‌باشد.

«بنیادهای علم سياست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۹

«قدرت»

هدف و موضوع علم سياست، بررسی و
شناخت است.

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۳۰

« قدرت سياسی »

مهم

مهمترین مفهوم سامان بخش سیاست و دانش
سیاسی، است.

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۳۴

«قدرت»

قلب پژوهش های سیاسی عبارتست از:

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۳۰

رابطه‌ی قدرت میان فرمانده و فرمانبر

به طور انتزاعی تر مهمترين موضوع دانش
سیاسی، است.

«آموزش دانش سیاسی» حسين بشيريه، ص ۲۶

«قدرت دولتی»

(به طور انتزاعی تر، یعنی به صورت
غیرعینی تر، عام تر)

..... را بطور گسترده می‌توان توانایی تأثیر بر رفتار دیگری همراه با شکلی از مجازات و پاداش تعریف کرد.

«سیاست و حکومت جدید» عبدالرحمان عالم، ص ۳۷

«قدرت سياسی»

..... عالی‌ترین نوع سلطه و قدرت در
هر جامعه‌ای است و موضوع اصلی دانش سیاسی
را تشکیل می‌دهد.

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۳۸

«قدرت دولتی»

..... مهمترین طریق راهیابی به امکانات و
نعمات فراوان تر است.

«اصول علم سیاست» موریس دوورژه، ص ۲۴

«دستیابی به قدرت»

مهم

مرکز ثقل تحلیل و بررسی علم سیاست،
..... است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۶

«دولت»

(State)

مهمترین موضوع دانش سیاست، است.

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۲۵

نهاد دولت

۱- دولت برساخته انسان است، بنابراین یک «نهاد» است.

۲- دکتر حسین بشیریه در کتاب «آموزش دانش سیاسی» موضوع علم سیاست را نهاد دولت می‌داند. در حالی که دکتر ابوالحمد در کتاب «مبانی سیاست» موضوع علم سیاست را بررسی قدرت می‌داند]

بسیار مهم

..... هسته و مرکز ثقل سیاست را به وجود
می‌آورد و همه‌ی کشاکشها در زندگی سیاسی به
آن مربوط است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۹

« قدرت »

فرق «نفوذ» با «قدرت» در آن است که

.....

«سياست و حکومت جديد» عبدالرحمان عالم، ص ۴۲

تغییر رفتار در نفوذ از روی اجبار و اکراه نیست. تغییر رفتار برآمده از نفوذ نتیجه تشویق و ترغیب عقلانی یا به رسمیت شناختن متقابل مزیت‌های همکاری است. (ولی تغییر رفتار در قدرت از روی اکراه و اجبار است)

«دال» با این گفته که اگر «الف» بتواند رفتار
«ب» را برانگیزد بر او قدرت دارد، بر پایه‌های
..... و درباره‌ی قدرت بحث
می‌کند.

«سیاست و حکومت جدید» عبدالرحمان عالم، صص ۳۸-۳۷

«عقلانی»

«منطقی»

اصطلاح «حکومت» در همه‌ی جماعات چه
چیزی را نشان می‌دهد؟

«اصول علم سیاست» موریس دوورژه، ص ۵۱

«قدرت سازمان یافته و سازمان‌های فرمان دهنده
و اجبار کننده»

مهم

..... کوتاهترین و مطمئن‌ترین راه برای
«برحق» کردن یا «م شروع» گردانیدن قدرت
است.

«مبانی سياست» عبدالحميد ابوالحمد، ص ۲۵۷

«حقوق»

..... عامل اصلي نهادي کردن قدرت است.

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۲۶۳

«حقوق»

موثرترین، کوتاه‌ترین و به ویژه هموارترین راه
برای اعمال قدرت، است.

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۲۶۵

«حقوق»

(منظور از حقوق مجموعه قوانين و مقررات است)

مبانی اصلی کسب قدرت سیاسی عبارتند از:

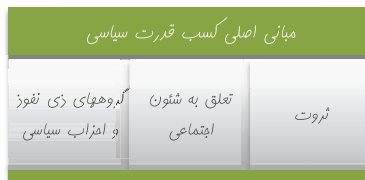
(۳ مورد)

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۲۲

۱- ثروت ارضی، تجاری و صنعتی

۲- تعلق به شئون اجتماعی مانند روحانیت،
اشرافیت و ارتش

۳- داشتن تکیه گاههای سازمانی مانند گروههای
ذی نفوذ و احزاب سیاسی



يکي از منابع **فرعی** کسب قدرت سياسی در
همه‌ی جوامع، است.

«آموزش دانش سياسی» حسين بشيريه، ص ۲۲

«دانش»

در دانش سیاسی، قدرت به عنوان
میان بازیگران مطرح می شود.

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۳۵

ویژگی رابطه‌ای

(یعنی اینکه قدرت در ذات بازیگران سیاسی
نیست بلکه در رابطه میان آنها معنی می‌یابد)

در است که قدرت به والاترین شکل و کامل‌ترین سازمان خود دست می‌یابد و باید قدرت را خصوصاً در این چهارچوب مطالعه کرد.

«اصول علم سیاست» موریس دوورژه، ص ۵۱

«دولت - کشور»

عوامل گوناگونی در **سنجش** قدرت سیاسی
دخیل‌اند که عبارتند از:
(۷ مورد)

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۳۵

۱- حوزه‌ی اعمال قدرت

۲- طیف یا دامنه‌ی قدرت

۳- نتیجه‌ی قدرت

۴- شدت تأثیر قدرت

۵- پیامدهای قدرت

۶- ابزارهای قدرت

۷- هزینه‌ی قدرت

چهار مورد از نخستین نموده‌های رویکرد افراد و گروه‌ها برای به دست آوردن قدرت عبارتند از:

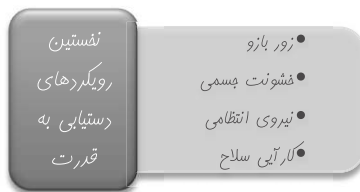
«اصول علم سیاست» موریس دوورژه، ص ۳۳

۱- زور بازو

۲- خشونت جسمی

۳- نیروی انتظامی

۴- کارآیی سلاح



بر پایه‌ی نفوذ، **قدرت** به سه گونه تقسیم

می‌شود:

(با ذکر مثال)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۷

۱- زور

(مانند زور يك كشتی گیر)

۲- سلطه

(مانند قدرت والدین بر فرزندان)

۳- زیرکی

(مانند تبلیغات و آگهی های بازرگانی)

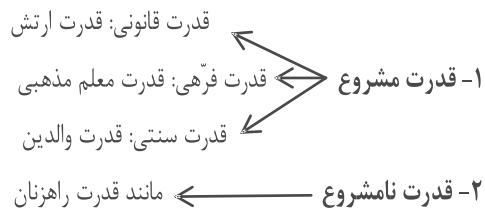
مهم، سراسری ۷۷

بر پایه‌ی قانون، **قدرت** به دو نوع تقسیم

می شود:

(با ذکر مثال)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۷



(ماکس وبر قدرت نامشروع را اجبار می نامد)

بر پایه‌ی جریان قدرت، قدرت به دو نوع تقسیم
می‌شود:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۷

۱- قدرت یک جانبه

(یکسویه است، از جانب یک فرد به فرد دیگر است)

۲- قدرت دو جانبه یا چند جانبه

(هر دو طرف بر یکدیگر تأثیر دارند؛ قدرت دو یا چند جانبه، چانه‌زنی نامیده می‌شود)

بر پایه‌ی تمرکز، **قدرت** به دو نوع تقسیم
می‌شود:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۷

۱- متمرکز

(قدرت در یک نهاد، مانند قوه مجریه متمرکز است)

۲- نامتمرکز

(قدرت بین نهادهای گوناگون مانند ایالات تقسیم شده است)

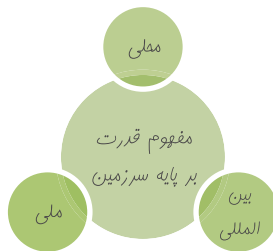
بر پایه سرزمین مفهوم **قدرت** به چند نوع تقسیم
می‌شود؟

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۷

۱- محلی

۲- ملی

۳- بين المللی



- ۱- بر پایه‌ی نمایانی، **قدرت** به و تقسیم می‌شود.
- ۲- از لحاظ اجبار، **قدرت** به و تقسیم می‌شود.
- ۳- از لحاظ رسمیت، **قدرت** به و تقسیم می‌شود.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۷

۱- پنهان - آشکار

۲- اجباری - غير اجباری

۳- رسمی - غير رسمی

بر پایه‌ی اِعمال قدرت، قدرت به چند نوع تقسیم
می‌شود؟

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۷

۱- مستقیم یا غیر مستقیم

۲- قصد شده یا قصد نشده

قدرت اجبارگر، قدرتی است که

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۷

« برای بدست آوردن رضایت، ابزار جسمی به کار
می‌برد یا تهدید به استفاده از آن می‌کند»

قدرت مبتنی بر پاداش برای کسب رضایت،
..... را به کار می‌برد.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۷

«پاداش‌های مادی»

قدرت همذات برای کسب رضایت از چه راهکاری استفاده می‌کند؟

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۹۷-۹۸

«نشانه‌هایی را به کار می‌برد تا بر مردم نفوذ
گذارد و مردم خود را با سازمان یکسان بپندارند،
و منافع آن را منافع خود تلقی کنند»

به عقیده‌ی **رابرت دال**، قدرت را بر پایه‌ی عظمت، توزیع، عرصه و جامعیت می‌توان توصیف کرد. او چهار روش برای اندازه‌گیری قدرت برشمرده است که عبارتند از:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۸

۱- اندازه‌گیری قدرت بر اساس موقعیت رسمی

بازیگر

۲- ارزشیابی قدرت بازیگر توسط موسسه

مستقل بررسی کنندگان برجسته و بی‌طرف

۳- اندازه‌گیری قدرت بر اساس حق مشارکت در

تصمیم‌گیری

۴- اندازه‌گیری قدرت بر اساس بررسی تطبیقی

فعالیت‌های بازیگران

مهم، سراسری ۸۷

تفاوت‌های بین قدرت و نفوذ عبارتند از:

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۳۷

قدرت تغییرات دامنه‌دارتری ایجاد می‌کند، در دولت و نهادهای آن متمرکز است و دارای ضمانت اجراست. در حالی که **نفوذ** بوسیله‌ی نهادهای اجتماعی و غیردولتی هم اعمال می‌شود، ضمانت اجرا ندارد و در درجه اول بر دیدگاههای طرف نفوذ تأثیر می‌گذارد.

تفاوت‌ها	قدرت	نفوذ
تغییرات	وسیع‌تر	محدودتر
پایگاه	دولت	جامعه و دولت
ضمانت اجرا	دارد	ندارد

قدرت و نفوذ از چه جهتی به یکدیگر شباهت دارند؟

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۳۷

از جهت اينكه هر دو موجب تغيير رفتار
می‌شوند.

شیوه‌های متفاوت اِعمالِ قدرت عبارتند از: (۷ مورد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۷

- ۱- ترغیب
- ۲- پیشنهاد پاداش
- ۳- دادن پاداش
- ۴- تهدید به مجازات
- ۵- تحمیل مجازات غیر خشونت بار
- ۶- فرمانِ شخصِ دارنده‌ی اقتدار
- ۷- کاربرد زور

«این شیوه اعمال قدرت زمانی به کار می‌رود که دیگر راههای اعمال قدرت با شکست روبرو شده باشند و هدف قدرت چنان مهم است که اعمال کننده قدرت نمی‌تواند از آن چشم پوشی کند»

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۰

«خشونت»

(کاربرد زور)

«در کدامیک از شیوه‌های کاربرد قدرت، اعمال قدرت لزوماً علیه خواسته‌های دیگران نیست؛ بلکه پاسخ فرد باید مطلوب باشد یا با هدفهای نفوذگزار مخالف نباشد»

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۹

«ترغيب»

در حکومت‌های مردم سالار قدرتی که مبتنی بر
رضایت و حق حاکمیت مردم تلقی می‌شود،
..... به شمار می‌رود.

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۴۱

«اقتدار»

در کدامیک از نظام های سیاسی **داشتن**
مسئولیت از ویژگی های مهم اقتدار محسوب
می شود؟

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۴

در نظام‌های دموکراتیک

اقتدار دو چهره دارد که عبارتند از:

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، صص ۴۱-۴۲

یکی آنکه در حوزه‌ی حکم و حاکمیت ظاهر

می‌شود

دیگر آنکه در وجه اطاعت و فرمانبرداری اتباع از

قوانین تجلی می‌یابد



در عصر جديد تنها راه توليد اقتدار
است.

«آموزش دانش سياسي» حسين بشيريه، ص ۴۲

توسل به حاکميت مردم

اقتدار
(Authority)
..... یا است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۰

قدرت مشروع

قدرت مبتنی بر رضایت

رابرت دال گفته است که نفوذ رهبران سیاسی
زمانی بر حق دانسته می‌شود که به سوی
..... معطوف گردد.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۰

«اقتدار»

..... یکی از اشکال بسیار کارآمد نفوذ است
و عاملی است که به رهبر کمک می‌کند تا بتواند
با کمترین استفاده از منابع سیاسی پراحتی
حکومت کند.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۰

«اقتدار»

بسیار مهم، سراسری ۸۱

به عقیده‌ی **ماکس وبر** اقتدار سه منبع دارد:

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، صص ۱۰۲-۱۰۱

۱- اقتدار سنتی

کاربرد مستمر قدرت سیاسی بر پایه‌ی عرف و سنتها که به پیدایش حق فرمانروایی منجر شده باشد.

۲- اقتدار قانونی- عقلایی

حق فرمانروایی از قواعد تأسیسی یا قوانین جامعه برآمده باشد.

۳- اقتدار فرهی (کاریزماتیک)

حق فرمانروایی از پویاییها و صفات ویژه‌ی رهبر سیاسی بر می‌آید.

اقتدار سنتی از دیدگاه ماکس وبر عبارتست از:

[به منظور آموزش تعاریف هر دو نویسنده
(عبدالرحمان عالم و حسین بشیریه) این فلسف
کارت‌ها تکرار می‌شوند]

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۴۳

«اقتدار گذشته‌ی ابدی یعنی اقتدار رسومی است
که به واسطه‌ی تصدیق و پذیرش از دیرباز
قداست یافته‌اند»

اقتدار قانونی از دیدگاه ماکس وبر عبارتست از:

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۴۳

«سلطه‌ی قانونی به حکم اعتقاد به اعتبار قوانین موضوعه و صلاحیت کاربردی»

مهم، سراسری ۷۸، سراسری ۷۹
اقتدار کاریزمایی از دیدگاه ماکس وبر
عبارتست از:

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۴۳

اقتدار ناشی از لطف و عطیه خارق العاده و
شخصی است؛ ارادت مطلقاً شخصی و اعتماد
شخصی نسبت به الهامات، خصال قهرمانی و دیگر
ویژگی‌های رهبری فردی است.

ویژگی‌های «اقتدار» دولت عبارتند از:

(۴ مورد)

«مقدمه‌ی نظریه‌ی سیاسی» عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۷

۱- اقتدار دولت از لحاظ **سرزمینی** محدود است.

(دولتها فقط در درون مرزهای خود می توانند ادعای حاکمیت کنند)

۲- صلاحیت دولت درون مرزهای خود **عام و فراگیر** است.

(یعنی هر کس که در درون دولت زندگی می کند تابع اقتدار آن است)

۳- دولتها **صلاحیت اجباری** اعمال می کنند.

(به عبارت دیگر شهروندان این حق را ندارند که اقتدار دولت را بپذیرند

یا نپذیرند)

۴- اقتدار دولت دارای **پشتوانه‌ی اجبار** است.

(دولت توانایی مجازات متجاوزان و متخلفان را دارد)

تعریف مک آیور از اقتدار عبارتست از اینکه:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۱

«اقتدار را اغلب همان قدرت می‌دانند، قدرت
فرمان به اطاعت»

«هربرت سیمون»

(Herbert. A. Simon)

اقتدار را اینگونه تعریف می‌کند:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۱

« اقتدار، اختیار تصمیم‌گیری برای هدایت اقدامات دیگر است. اقتدار رابطه‌ی میان دو نفر است یکی فرادست و دیگری فرودست »

تعریف رابرت دال از اقتدار عبارتست از اینکه:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۱

« قدرت مشروع را اغلب اقتدار می‌نامند »

دایره المعارف علوم اجتماعی چه تعریفی از
مفهوم اقتدار ارائه کرده است؟

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۱

«اقتدار، توانایی ذاتی یا اکتسابی برای اعمال
سلطه بر یک گروه است. اقتدار جلوه‌ای از قدرت
است و بر اطاعت از آن دلالت دارد.»

اقتدار دو جنبه دارد که عبارتند از:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۱

۱- زور

۲- قانون

«اقتدار، سازمان یافته و ساختاری شده است»

این جمله به چه معناست؟

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۱

«بدین معناست که نقش‌های معین، مسئولیتها، امتیازات و منابع مشخص به کسانی که در رابطه‌ی اقتدار یا در ساختار اقتدار قرار دارند، اختصاص داده شده است و تا زمانی می‌توانند اعمال قدرت کنند که در آن رابطه یا ساختار حضور داشته باشند»

ضمانت اجرای اقتدار عبارتند از:

(۴ مورد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۲

۱- ضمانت اجتماعی

(گاه افراد به دلیل ترس از جامعه، اقتدار را می‌پذیرند)

۲- امنیت و موقعیت اقتصادی

(اگر اقتدار سود مالی داشته باشد، مردم آنرا می‌پذیرند)

۳- ضمانت ناظر بر هدف

(اقتدار برای دستیابی به یک هدف پذیرفته می‌شود)

۴- ضمانت روانی

(فرا دست به سبب فرادستی، اقتدار بر فرودست را فراچنگ می‌آورد)

الف- در مرحله‌ی تصمیم گیری و صدور فرمان به کار می‌آید.

ب- زمانی آشکار می‌شود که تصمیم گرفته شده و فرمان صادر شده است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۲

الف - قدرت

ب - اقتدار

تفاوت‌های عمده‌ی قدرت و اقتدار عبارتند از:

(۴ مورد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۳

- ۱- اقتدار همیشه مشروع و قانونی است، اما قدرت ممکن است مشروع یا نامشروع باشد.
- ۲- اقتدار مبتنی بر رضایت است، اما قدرت اغلب بر زور مبتنی است.
- ۳- بنا به سرشت اقتدار دموکراتیک‌تر از قدرت است، زیرا همیشه قانونی و مبتنی بر پشتیبانی همگانی است.
- ۴- اقتدار نشان می‌دهد که انسان برای قبولاندن هدفهای خود چه توانایی دارد، در حالی که قدرت توانایی تغییر رفتار دیگران است.

جانبه های تفاوت	اقتدار	قدرت
مشروعیت	همیشه مشروع	هم مشروع هم نامشروع
منه مردمی	مبتنی بر رضایت	مبتنی بر زور
سرشت	دموکراتیک تر	کمتر دموکراتیک
توانایی تغییر	بالقوه	بالفعل

سیماهای اقتدار (انواع اقتدار) عبارتند از:

(۹ مورد)

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، صص ۱۰۴-۱۰۳

- ۱- اقتدار زورمندانه (اقتدار نامشروع است)
- ۲- اقتدار ناشی از قانون اساسی (رئیس جمهور یا فرماندار)
- ۳- اقتدار فرهی (صفات ویژه رهبر)
- ۴- اقتدار دینی (رهبران دینی)
- ۵- اقتدار آسمانی (رهبران خود را برگزیده خداوند می دانند)
- ۶- اقتدار نیایی (این اقتدار در شکل پادشاهی حکومت وجود دارد)
- ۷- اقتدار نخبگان (اقتدار گروههای کوچک نخبگان)
- ۸- اقتدار سنتی (مبتنی بر عرفهای باستانی، سنتها و قرارهای اجتماعی است)
- ۹- اقتدار قانونی - عقلایی (در نظام های دموکراتیک است)

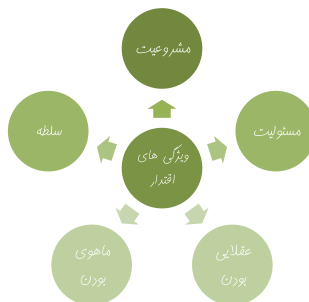
مهم

ویژگی‌های اقتدار عبارتند از:

(۵ مورد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۴

- ۱- «مشروعیت» (نشانه اصلی مفهوم اقتدار است)
- ۲- «سلطه» (افراد دارای اقتدار بر دیگران اعمال سلطه می‌کنند)
- ۳- «ماهوی بودن» (اقتدار قدرتی صوری نیست)
- ۴- «عقلایی بودن» (پایه اقتدار عقل و منطق است)
- ۵- «مسئولیت» (دارنده‌ی اقتدار در برابر دارندگان اقتدار عالی‌تر مسئول است)



مهم

این ویژگی موثر بودن اقتدار را معین می‌کند از
اینرو نشانه‌ی اصلی مفهوم اقتدار است:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۴

«مشروعيت»

(Legitimacy)

«اقتدار قدرتی صوری نیست، زیرا ویژگی‌هایی دارد که سیماهای اصلی قدرت را تشکیل می‌دهند»

این تعریف به کدامیک از ویژگی‌های اقتدار اشاره دارد؟

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۴

«ماهوی بودن اقتدار»

۱- بر توان یا توانایی دلالت دارد.

۲- حق نفوذگذاری بر رفتار دیگران
است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۶

۱- قدرت

۲- اقتدار

« جلوه و سیمای قدرت در
موقعیت‌های گروه سازمان یافته است»

« حق مشروع برای نفوذگذاری
یا هدایت رفتار دیگران است»

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۶

اقتدار

اقتدار

بسیار مهم

قدرت نهادی شده را گویند.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۶

«اقتدار»

بحرانِ بحران تغییر است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۸

«مشروعيت» (Legitimacy)

(هرگاه حكومتی مشروعيت خود را از دست بدهد،
در معرض خطرِ سرنگونی قرار می‌گیرد)

به پذيرش اجتماعي دولت از جانب اتباع،
..... می گویند.

«آموزش دانش سياسي» حسين بشيريه، ص ۴۲

«مشروعيت»

(Legitimacy)

بسیار مهم، سراسری ۸۷

دیوید ایستون سه نوع مشروعیت را چنین
توصیف می‌کند:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۸

۱- مشروعیت ایدئولوژیک

وقتی که منبع مشروعیت ایدئولوژی حاکم بر جامعه باشد، مشروعیت ایدئولوژیک است.

۲- مشروعیت ساختاری

اگر اعتبار ساختارها و هنجارهای انتقال قدرت در درون رژیم پذیرفته شود، مشروعیت ساختاری ایجاد می‌شود.

۳- مشروعیت شخصی

اگر رهبران شخصیت برجسته‌ای داشته باشند و مردم هم به آنها اعتماد کنند، مشروعیت شخصی ایجاد می‌شود.

..... روح دموکراسی است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۸

«مشروعيت»

(Legitimacy)

به عقیده‌ی فردریک (Fredrick) منابع
مشروعیت عبارتند از :

(۵ مورد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۷

- ۱- دینی
- ۲- فلسفی و حقوقی
- ۳- سنتی
- ۴- روشی
- ۵- تجربی

گریس جونز (Grace Jones) منابع مشروعیت
نظام سیاسی انگلستان را بدین شرح بیان کرده
است:

(۷ مورد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۷

- ۱- تداوم نهادهای سیاسی و اجتماعی
- ۲- سنت عدم خشونت
- ۳- باورهای دینی
- ۴- باور به ارزش‌ها
- ۵- روند آزادی و یکدلی انتخاباتی
- ۶- جامعه هماهنگ و یکپارچه و تداوم سنتهای آن
- ۷- فرهنگ سیاسی انطباق‌پذیر

بسیار مهم، سراسری ۸۲

به عقیده‌ی **ماکس وبر** مشروعیت ۳ منشاء دارد:



«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۷

۱- سنت

(مشروعیت سنتی: متکی بر اعتقاد گسترده به سنتهای دیرین است)

۲- صفات شخصی ویژه

(مشروعیت کاریزماتیک: مبتنی بر هواخواهی از تقدس ویژه و استثنایی یک شخص است)

۳- قانونیت

(مشروعیت قانونی: آنچه به طور قانونی انجام یافته، مشروع دانسته می‌شود)

مهم

به عقیده لیپست (Lipset)
متضمن توانایی نظام به ایجاد و حفظ این باور
است که نهادهای سیاسی موجود مناسبترین نهاد
برای جامعه است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۶

«مشروعيت»

(Legitimacy)

به عقیده ی، مشروعیت بنیاد قدرت حکومت است که از یک سو، حق فرمانروایی را به حکومت می‌دهد و از سوی دیگر، حکومت شوندگان را از چنین حقی آگاه می‌کند.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۶

«استرنبرگر»

(Sternberger)

مهم

با، حکومتِ «دوفاکتو»
(مقدماتی) به حکومتِ «دوژور» (عملی و رسمی)
مبدل می‌شود.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۶

«کسب مشروعيت»

مهم

در عصر حاضر نخستین بار مفهوم
مشروعیت را به صورت مفهومی عام بیان کرد.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۵

«ماکس وبر»



مشروعیت به معنی است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۵

«قانونی بودن»

(طبق قانون بودن)

پیش شرطِ قدرت، است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۵

«مَشروعیت»

(Legitimacy)

قدرت، نفوذ و اقتدار تنها در صورتِ
ممکن است موثر باشند.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۵

«م شروع بودن»

به طور کلی دو دیدگاه درباره‌ی مفهوم
مشروعیت سیاسی وجود دارد:

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۴۳

۱- دیدگاه فلسفی

(معیارهای عدالت، اعتدال و فضیلت را برای مشروعیت دولت‌ها ارائه داده است)

۲- دیدگاه جامعه‌شناسانه

(در این دیدگاه مشروعیت دولت‌ها از دید اتباع ملاحظه می‌شود. وبر سه نوع اصلی مشروعیت از این دیدگاه را مشروعیت سنتی، مشروعیت کارزماتیک و مشروعیت قانونی می‌داند)

پذيرش يا فرمان بری آگاهانه و داوطلبانه مردم از
نظام سياسی و قدرت حاکم را در اصطلاح
سياسی می‌گویند.

«مبانی سياست» عبدالحميد ابوالحمد، ص ۲۴۴

«مشروعيت»

(حقانيت يا برحق بودن)

هر گاه از دید حکومت شونده‌گان، نظام حاکم کارآیی نداشته باشد و توانایی اداره‌ی وضع و موقعیت لازم سیاسی را از دست بدهد و باورهای تثبیت و تأیید وضع نیز از میان برود، نظام سیاسی از بین رفته است.

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۲۷۱

«مشروعيت»

«، یکی و یگانه بودن چگونگی به قدرت رسیدن رهبران و زمامداران جامعه با نظریه و باورهای همگان یا اکثریت مردم جامعه در یک زمان و مکان معین است و نتیجه‌ی این باور، پذیرش حق فرمان دادن برای رهبران و وظیفه‌ی فرمان بردن برای اعضا جامعه یا شهروندان است.»

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۲۴۵

مشروعيت يا حقانيت

نخستين اقدام دولتي كه با كودناي نظامي به
قدرت رسیده است عبارتست از:

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۲۶۴

«کسب مشروعيت»

دو روش کسب مشروعیت توسط نظام‌های سیاسی
عبارتست از:

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، صص ۲۴۸-۲۴۹

۱- ترساندن

حکومت با القاء این نگرانی که در صورت سرپیچی از فرمانهایش هرج و مرج در جامعه ایجاد خواهد شد، باعث می‌گردد تا مردم از ترس هرج و مرج و جنگ، قوانین و مقررات نظام سیاسی را رعایت کنند.

۲- به کار گرفتن خشونت

تهدید به استفاده از خشونت توسط نظام سیاسی در صورت سرپیچی از قوانین، راه دیگری برای این امر است که مردم قوانین و مقررات را رعایت کنند.

۱- **کنفوسیوس** پایه‌ی مشروعیت و حقانیت
نظام سياسی را می‌داند.

۲- **خواجه نصير الدين طوسی** استواری و
پایداری حاکمیت نظام سياسی را به
وابسته می‌داند.

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۲۷۳

۱- درخواست و پشتیبانی انبوه مردم یا حکومت شوندگان

۲- خوبی و درستکاری حاکم

چه تفاوتی میان مفهوم مشروعیت
(یا حقانیت) با مفهوم قوانین (یا حقوق
موضوعه) وجود دارد؟

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۲۴۴

مشروعیت مستلزم اندیشه‌ی پذیرش آزادانه‌ی تصمیم‌های سیاسی نظام سیاسی و فرمان بری با خشونت خاطر از این تصمیم‌ها است؛ در حالی که قوانین همیشه با خود فکر الزام و زور و اجبار را به همراه دارد.

تفاوت بین قانونی بودن و مشروع بودن عبارتست از اینکه:

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۲۶۴

قانونی بودن، منطبق بودن قدرت و حاکمیت با قوانین کشور است.

مشروع بودن، منطبق بودن قدرت و حاکمیت با باورهای انبوه مردم است.



مشهورترين بحث درباره‌ی مشروعيت را بايد در
آثار يافت.

«آموزش دانش سياسی» حسين بشيريه، ص ۴۲

«ماکس وبر»

بسیار مهم، سراسری ۸۲

..... جنبه بسیار حساس و قاطع

سیاست است و از فهم واقعیت، تطابق تصور با واقعیت و از ارزشگذاری بر واقعیت برآمده، به مثابه‌ی نوعی نقشه برای گزینش روش و تفسیر سیاست عمل می‌کند.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۴

«ایدئولوژی» (Ideology)

(نظریه‌هایی است که برای توضیح رهبری و
مشروعیت بخشیدن به حکومت به کار می‌آیند)

بسیار مهم

..... عمل سیاسی را هدایت، پشتیبانی،
محدود و محقق می‌کند و در عین حال به مثابه‌ی
بزرگترین نیروی محرک عمل سیاسی توده
ها عمل می‌کند.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۴

«ايدئولوژي»



بسیار مهم

..... نافذترین جنبه‌ی سیاست است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۴

«ايدئولوژی»

موسکا به جای واژه‌ی ایدئولوژی از اصطلاح

..... استفاده می‌کند.

«بنیادهای علم سياست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۴

«فرمول سياسی»

تعاریف ایدئولوژی عبارتند از:

(۳ مورد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۴

۱- ایدئولوژی، الگوی ارتباطی ارزش‌ها و فرضیه‌هایی است که ارتباطات سیاسی را پی‌بندی می‌کند.

۲- ایدئولوژی، توضیح‌دهنده و توجیه‌کننده‌ی توزیع خاص قدرت سیاسی است.

۳- ایدئولوژی، تضاد سیاسی را بر حسب ارزش‌های پذیرفته شده حل و رفع می‌کند.

تعاریف ایدئولوژی

دل‌تشار سیاسی

توجیه‌کننده توزیع
قاصد قدرت
سیاسی

الگوی پی‌بندی
ارتباطات سیاسی

نتیجه‌ی برخورد ایدئولوژی‌های قوی،
است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۴

بی ثباتی سیاسی

دوکاربرد ایدئولوژی عبارتند از:

«بنیادهای علم سياست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۵

۱- کاربرد توصيفی

(به منظور توصيف و توجيه ايدئولوژی حاکم)

۲- کاربرد انگيزشی يا تحقيرآمیز

(به منظور تحقير ايدئولوژی‌های رقیب)

مهم، سراسری ۸۹

تمامی تعاریف ذیل مندرج در مفهوم ایدئولوژی
است:

(۴مورد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۵

۱- رشته‌ای نظام‌وار و هم پیوند از **اندیشه‌ها** درباره سازمان اجتماعی-اقتصادی و سیاسی جامعه به طور کل است.

۲- در برگرنده **کمال مطلوبها، هدفها و مقاصد**ی است که جامعه باید آنها را پیگیری کند.

۳- بر پایه تفسیر گذشته، حال را توضیح می‌دهد و تصویری از آینده عرضه می‌دارد و **هدفها و حدود قدرت سیاسی** را مشخص می‌نماید.

۴- در برگرنده **فلسفه‌ای** است که طبیعت انسان، برنامه‌ی اقتصادی، ساختار مناسب سیاسی و کمال مطلوبهای بیشتری را توضیح می‌دهد.

تعاریف مندرج در مفهوم ایدئولوژی

- رشته ای نظاموار از انریشه ها
- کمال مطلوب ها و اهداف جامعه
- تعیین هدفها و حدود قدرت سیاسی
- فلسفه ای برای توضیح واقعیت

مهم، آزاد ۸۸

هر ایدئولوژی برخی یا همه‌ی ویژگی‌های ذیل را
داراست:

(۸ مورد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۸۶-۸۷

- ۱- اغلب ایدئولوژی‌ها در شرایط بحران پدیدار می‌شوند.
- ۲- ایدئولوژی به مثابه‌ی نظام توضیح واقعیت، عرصه‌های گوناگونی دارد. (آزادی اقتصادی، کنترل عمومی و غیره)
- ۳- ایدئولوژی الگوی نظام وار اندیشه‌ی سیاسی است. (مهمترین سیمای ایدئولوژی این است که مانند نظریه، انتزاعی از واقعیت است و فقط عناصر اساسی‌تر واقعیت را توصیف می‌کند و توضیح و تغییرش می‌دهد)
- ۴- هر ایدئولوژی در برگرفته عناصر تجربی و هنجاری است. (عناصر تجربی، واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی که قابل مشاهده هستند را در بر می‌گیرد. در حالی که عناصر هنجاری، همه‌ی آن

ویژگی‌هایی از واقعیت است که با وجود غیر قابل مشاهده بودن، مطلوب دانسته می‌شوند)

۵- اغلب ایدئولوژی‌ها در خصلت **انحصارگر، مطلق‌گرا و عام** هستند.

۶- استدلالی **ترغیبی** برای برانگیختن فعالیت و مشارکت خلاق طرفداران است.

۷- ایدئولوژی متمایل است شخصی شود و به یک **باور مقدس** تبدیل شود.

۸- ایدئولوژی **رشد** می‌یابد اما در برابر تغییرات بنیادی مقاومت می‌کند.

مهم

قدرت نهایی یک ایدئولوژی در است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۷

توانایی الهام بخشی آن و حمايت از عقیده و عمل

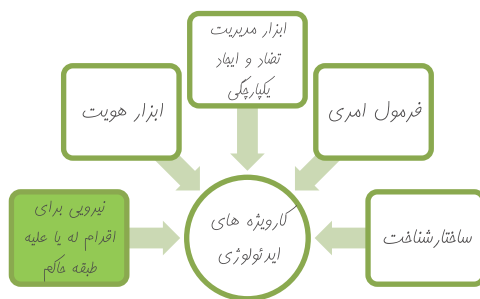
مقدمه

کارویژه‌های ایدئولوژی عبارتند از:

(۵ مورد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۸۸-۸۷

- ۱- **ساختار شناختی** است برای نگاه به جامعه به طور کلی
- ۲- **ایدئولوژی یک فرمول امری** فراهم می کند
(اوامر و دستورات حاکمان موجه و مشروع می شود)
- ۳- **ایدئولوژی به مثابه‌ی ابزار مدیریت تضاد و ایجاد یکپارچگی** در جامعه به کار می‌رود.
- ۴- برای اغلب افراد و گروهها، **جانب‌داری** از یک ایدئولوژی به مثابه‌ی **ابزار هویت** است.
- ۵- **مهمترین کارویژه‌ی ایدئولوژی** این است که به عنوان یک نیروی توانمند پویا، برای **اقدام له یا علیه طبقه حاکم** به کار می‌آید.

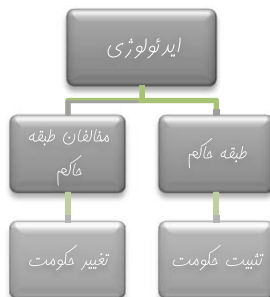


- ۱- ایدئولوژی در دست طبقه‌ی حاکم ابزاری بالقوه برای است.
- ۲- ایدئولوژی در دست مخالفان طبقه‌ی حاکم ابزاری برای است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۷

۱- تحکیم و تثبیت قدرت حکومت

۲- تغییر حکومت



کلمه‌ی «ايدئولوژی» (مسلک) را در
سال ۱۹۷۶ وضع کرد.

«اصول علم سياست» موريس دوورژه، ص ۱۳۰

«دستوت دوتراسی» (Destutt de Tracy)

(وی را رئیس ایدئولوژی نیز نامیده‌اند)

«ايدئولوژي ها» (مسلک ها)

عبارتند از:

«اصول علم سياست» موريس دوورژه، ص ۱۳۱

نظام‌های فکری، عقیدتی و باورداشتی

ماركس
(Marx)
ايدئولوژي را چنين تعريف مي‌كند:

«اصول علم سياست» موريس دوورژه، ص ۱۳۱

«افكار و صور ذهنی كه برای توجيه وضع طبقاتی
به كار گرفته می شوند»

- ۱- مسلک‌های، گاه مبین نیازهای مشترک کلیه طبقات کشورهای ستمدیده در برابر کشورهای دیگرند.
- ۲- مسلک‌های، غالباً با خواست شهرستانها که رهایی از قیومت پایتخت است، منطبق می‌باشد.

«اصول علم سیاست» موريس دوورژه، ص ۱۳۱-۱۳۲

۱- ملی‌گرایانه

(ایدئولوژی‌های ملی‌گرایانه به منظور استقلال و رهایی از بند استعمار مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ مانند ناسیونالیسم مصدق در برابر انگلستان)

۲- هوادار عدم تمرکز

(این نوع ایدئولوژیها به منظور ایجاد کشور و دولتِ فدرال مورد استفاده قرار گرفته‌اند مانند آمریکا)

مسئله‌ها (ایدئولوژی‌ها) دو نقش اساسی در
توسعه‌ی تضادهای سیاسی ایفا می‌کنند:

«اصول علم سیاست» موریس دوورژه، ص ۱۳۳

از یک سو تعارض‌های خصوصی را هماهنگ می‌کنند و آنها را در قالب یک **تعارض کلی** در می‌آورند.

از سوی دیگر به این تعارض، ویژگی نوعی **اعتراض به ارزش‌ها** می‌دهند که تعهد عمیق و کلی‌تری را برمی‌انگیزد.

مسلكها (ايدئولوژيها) بيش از هر چيز براي
..... به كار مي‌روند.

«اصول علم سياست» موريس دوورژه، ص ۱۳۳

گسترش وجدان سياسی شهروندان

مهم

جامعه پذیری سیاسی
(Political Socialization)
عبارتست از:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۷

«جامعه پذیری سیاسی روندی آموزشی است که به انتقال هنجارها و رفتار پذیرفتنی نظام سیاسی مستقری، از نسلی به نسل دیگر کمک می‌کند»

..... نهادی کردن و رشد و توسعه ایستارها
نسبت به نظام سیاسی و باورها در مورد نظام
سیاسی است.

«سیاست و حکومت جدید» عبدالرحمان عالم، ص ۹۰

«جامعه پذیری سیاسی»

(Political Socialization)

هدف جامعه‌پذیری سیاسی عبارتست از:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۷

تربيت يا پرورش افراد به صورتی که اعضای
کارآمد جامعه سياسی باشند.

به عقیده سیگل (Sigel) جامعه پذیری سیاسی،
..... است.

«بنیادهای علم سياست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۸

يادگيري تدريجي هنجارها، ايستارها و رفتار قابل
قبول براي يك نظام سياسي در حال تغيير

مهم

آلموند و پاول (Almond and powell) تعریف

ذیل را از جامعه پذیری سیاسی ارایه کرده‌اند:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۸

«جامعه پذیری سیاسی روند حفظ یا دگرگونی فرهنگهای سیاسی است. بنا به این روند افراد وارد فرهنگ سیاسی می‌شوند و ستمگریهایشان نسبت به هدفهای سیاسی شکل می‌گیرد»

دیوید ایستون (D.Easton)
جامعه‌پذیری سیاسی را روندی توسعه‌ای می‌داند
که

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۹

به وسيله‌ی آن افراد سمت‌گیری سياسی و الگوی
رفتار به دست می‌آورند.

جامعه‌پذیری سیاسی مهمترین پیوندی است
که میان و وجود دارد.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۹

«نظام اجتماعی» (Society System)

«نظام سیاسی» (Political System)



مهم، سراسری ۸۰

کارویژه‌های جامعه‌پذیری سیاسی

عبارتند از:

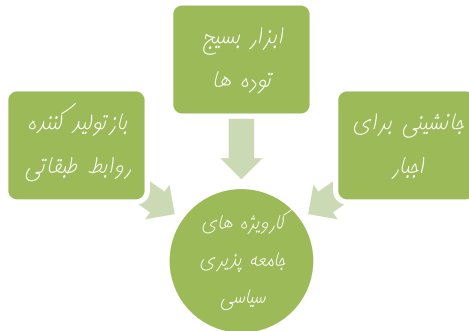
(۳ مورد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۹

۱- از نظر حکومت می‌توان جامعه‌پذیری سیاسی موثر را به مثابه‌ی **جانشینی برای اجبار** به صورت ابزار حفظ روابط قدرت طبقه حاکم به کار برد.

۲- جامعه‌پذیری موثر را می‌توان به مثابه‌ی **ابزار بسیج توده‌ها** به کار برد.

۳- جامعه‌پذیری سیاسی علاوه بر اعتقاد به حفظ روابط طبقاتی خاص، خود **باز تولیدی** از این روابط است و در راه تثبیت و تحکیم آن می‌کوشد.



عامل‌های عمده جامعه‌پذیری سیاسی عبارتند از:

(۶ مورد)

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۲۰

- ۱- خانواده
- ۲- مدرسه
- ۳- گروههای همتا
- ۴- تجربه‌های طی دوره کار
- ۵- رسانه‌های جمعی
- ۶- تماس مستقیم با نظام سیاسی یا حکومت
و کارگزاران حزبی

به گفته‌ی رابرت لین (Robert Lane) خانواده
از سه راه بنیاد باورهای سیاسی را می‌گذارد:

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۲۰

۱- تلقین بیش از حد و پوشیده

۲- پرورش کودک در زمینه‌ی اجتماعی خاص

۳- قالب دادن به شخصیت کودک

تأثیر خانواده بر باورهای سیاسی

تلقین

پرورش

قالب دادن به شخصیت

به گفته‌ی، «خانواده نخستین پنجره‌ی
کودک به جهان بیرون از خانواده و نخستین
تماس او با اقتدار است»

« بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۲۰

«باتلر و استیتس»

(Butter, States)

..... نیز عقیده دارد که تأثیر دانشگاه بر ارزشهای سیاسی پیچیده است و ممکن است محیط آن صرفاً آگاهی سیاسی را بیشتر کند، بی آنکه بر ایستارهای عمده‌ی سیاسی اثر گذارد.

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۲۱

«ليپست»

(Lipset)

همگن‌ترین گروه‌های آمریکایی به ترتیب اولویت عبارتند از:

(۳ مورد)

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۲۱

۱- زن و شوهرها

۲- دوستان

۳- گروههای کار

در روند جامعه‌پذیری سیاسی، نقشه
شناسایی افراد را شکل می‌دهند.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۲۲

رسانه‌های جمعی

(رسانه‌های جمعی نقش موثری در هماهنگی
نظریات افراد نسبت به نظام سیاسی دارند)

«لوسین پای» (Lucian Pye) تأکید می‌کند
..... مناسب‌ترین روش موجود برای
جامعه‌پذیری است و عامل قاطع نوسازی به شمار
می‌رود.

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۲۲

«رسانه‌های جمعی»

..... نقش عامل مستقیم جامعه‌پذیری
سیاسی را بازی می‌کنند.

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۲۲

«احزاب سياسی»

(Political Parties)

(احزاب سياسی با تبليغات سياسی، مبارزه انتخاباتی،
ارايه نظريات سياسی و متراکم کردن منافع سياسی
این نقش را ایفا می کنند)

« فرهنگ » (Culture)

عبارتست از:

« اصول علم سياست » موريس دوورژه، ص ۲۹

«مجموعه روش‌های فنی، نهادهای، رفتارها، شیوه‌های زندگی، عادات، تصورات ذهنی جمعی، معتقدات و ارزش‌هایی که جامعه معینی را متمایز می‌کند.»

دیدگاه صاحب‌نظران غربی در خصوص فرهنگها
عبارتست از اینکه

« اصول علم سیاست » موریس دوورژه، صص ۲۹-۳۰

«فرهنگها نقش قاطعی در مبارزه‌های سیاسی و به
طور کلی سیاست دارند، تا آنجا که سیاست یعنی
افکار»

دیدگاه هواداران مارکس در خصوص فرهنگها

عبارتست از اینکه

« اصول علم سياست » موريس دوورژه، صص ۲۹-۳۰

« فرهنگها تجلی واقعیت‌های طبقاتی هستند. فرهنگ هر جامعه نمودار روبنایی طبقات است، پس تأثیر فرهنگ در مبارزه و تضادهای سیاسی فرعی است»

دانشواژه فرهنگ سیاسی
(Political Culture)
را نخستین بار در علم سیاست به کار
برد.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۲

«گابریل آلموند»

(Gabriel Almond)

گابریل آلموند فرهنگ سیاسی را اینگونه تعریف می‌کند:

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۳

«الگوی ایستارها و سمتگریهای فردی نسبت به
سیاست در میان اعضای یک نظام»

[ایستار: طرز تفکر، احساس و دیدگاه ثبات یافته‌ای در
مورد یک موضوع سیاسی است]

مهم، سراسری ۸۳

بال (Ball) چه تعریفی از فرهنگ سیاسی ارائه کرده است؟

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۳

«فرهنگ سیاسی ترکیب ایستارها، اعتقادات، شور
و احساس و ارزشهای جامعه مرتبط با نظام
سیاسی و مسائل سیاسی است»

سیدنی وربا

(Sidney Verba)

بر این نظر است که فرهنگ سیاسی عبارتست از

.....

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۳

«نظام اعتقادی تجربی، نمادهای معنی‌دار و ارزش‌هایی که معرف کیفیت انجام اقدام سیاسی‌اند.»

بیر (Beer) و اولام (Ulam)

تعريف ذيل را از فرهنگ سياسي ارايه داده‌اند:

« بنيادهای علم سياست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۳

«در جنبه‌های خاصی از فرهنگ عمومی جامعه به طور ویژه با چگونگی برخورد با حکومت و اینکه باید چه وظایفی را انجام دهد ارتباط دارد. این بخش از فرهنگ را می‌توان فرهنگ سیاسی نامید.»

لوسين پاى (Lucian Pye) فرهنگ سياسى را اينگونه تعريف مى‌کند:

« بنيادهای علم سياست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۳

«مجموعه‌ی ایستارها، اعتقادات و احساساتی است که به روند سیاسی نظم و معنی می‌دهد و فرضیه‌ها و قواعد تعیین کننده‌ی حاکم بر رفتار نظام سیاسی را مشخص می‌کند.»

[ایستار: طرزتفکر، احساس و دیدگاه ثبات یافته‌ای در مورد یک موضوع سیاسی است]

اریک روو (Erick Rowe)

تعریف ذیل را از فرهنگ سیاسی ارایه کرده است:

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۳

«فرهنگ سیاسی الگویی از ارزشها، اعتقادات و
امتیازهای احساسی فرد است»

رای مکريدی (Ray Macridis) فرهنگ سياسی را تلقی می کند.

« بنيادهای علم سياست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۳

«هدفهای مشترک و قواعد پذیرفته شده‌ی عمومی»

تالکوت پارسونز (Talcott Parsons) در ارتباط با فرهنگ سیاسی معتقد است:

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۳

«فرهنگ سیاسی با سمتگیری نسبت به هدفهای
سیاسی ارتباط دارد»

«راس» (Ross) چه دیدگاهی نسبت به فرهنگ
سیاسی دارد؟

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۳

«فرهنگ سیاسی یک کشور از ایستارهای مشخصه‌ی جمعیت آن نسبت به ویژگیهای عمده‌ی نظامهای سیاسی- اجتماعی که در درون مرزهای آن وجود دارد، سرشت رژیم، تعریف شایدها و نشایدهای حکومت و نقش مشارکتهای فردی و اتباع حکومت تشکیل می‌یابد.»

..... از آن ایستارها، باورها، احساسات و ارزش‌های جامعه تشکیل می‌شود که به نظام سیاسی و به مسائل سیاسی مربوطند.

« سیاست و حکومت جدید » عبدالرحمان عالم، ص ۷۳

«فرهنگ سياسی»

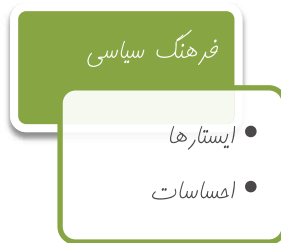
(Political Culture)

«فرهنگ سياسی» دو جزء دارد:

« سياست و حکومت جديد» عبدالرحمان عالم، ص ۸۳

۱- ایستارها نسبت به نهادهای سیاسی دولت

۲- درجه احساسات شهروندان که بر اساس آن می‌توانند بر روند تصمیم‌گیری تأثیر گذارند و در آن شرکت کنند.



مهم، سراسری ۸۵

اجزای فرهنگ سیاسی عبارتند از:
(۳ مورد)

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، صص ۱۱۴-۱۱۳

۱- ارزشهای سیاسی

(مانند برگزاری انتخابات آزاد)

۲- باورهای سیاسی

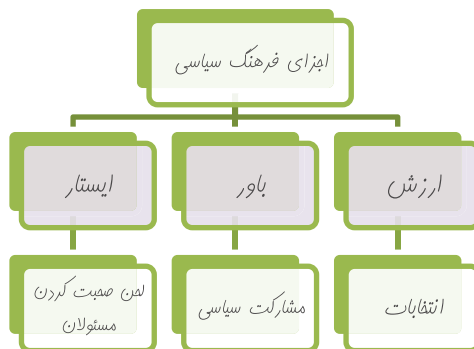
(مانند حق شرکت افراد بالغ در فعالیتهای

سیاسی)

۳- ایستارهای احساسی مردم نسبت به نظام

سیاسی خودشان

(مانند لحن صحبت کردن مسئولان)



مهم، سراسری ۹۰

انواع فرهنگ سیاسی از دیدگاه آلموند و پاول

عبارتند از:

(۳ مورد)

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، صص ۱۱۵-۱۱۴

۱- فرهنگ سیاسی محدود

به کسانی مربوط است که از نظام سیاسی خود آگاهی چندانی ندارند یا اصلاً ندارند. این افراد از نظام سیاسی خود هیچ انتظاری ندارند. (مانند ساختارهای سیاسی نظام‌های قبیله‌ای و پادشاهی‌های متمرکز آفریقا)

۲- فرهنگ سیاسی تبعه

شهروندانی که از نقش‌های گوناگون حکومت آگاه هستند، تبعه سیاسی نامیده می‌شوند. (مانند حکومت شوروی سابق)

۳- فرهنگ سیاسی مشارکت

در جامعه‌های بسیار پیشرفته وجود دارد و در آنها مردم در زندگی سیاسی مشارکت می‌کنند. این افراد از نظام سیاسی آگاهی دارند. (مانند دموکراسی‌های اروپایی)

منظور از «فرهنگ تابع» در دیدگاه
«آلموند و وربا» چیست؟

«سیاست و حکومت جدید» عبدالرحمان عالم، ص ۸۱

«در جامعه‌هایی با اکثریت کشاورز، ممکن است کاری که حکومت مرکزی انجام می‌دهد شناخته شده باشد، اما آگاهی چندانی از اینکه چگونه می‌توان این سیاستها را تغییر داد و بر آنها نفوذ و تأثیر گذاشت وجود ندارد، این‌الگو را آلموند و وربا فرهنگ تابع نامیده اند»



«فرهنگ سیاسی مختلط» به چه معناست؟

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۵

«بدین معناست که یک فرد می‌تواند ویژگی‌های
فرهنگ سیاسی محدود، تبعه و مشارکت را در
خود ترکیب کند»

مهم، سراسری ۸۱

روزنباون (Rosenbaun) پنج نوع فرهنگ

سیاسی را از یکدیگرتفکیک می کند که عبارتند از:

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۵

۱- فرهنگ سیاسی مدنی

در جامعه‌ای دیده می‌شود که در آن قدرت و اختیار تصمیم‌گیری در دست نخبه‌ی ویژه‌ای است و توده‌ها به طور مستقیم در آن شرکت ندارند، بلکه احساسات و تمایلات خود را توسط نمایندگان خود که در واقع به طور کلی جوابگوی مردم نیستند، بیان می‌کنند. این گونه فرهنگ در جوامع دموکراتیک وجود دارد.

۲- فرهنگ سیاسی غیردینی

در جامعه‌ای وجود دارد که در آن مردم بی توجه به دین، عقلانی و تحلیلی رفتار می‌کنند.

۳- فرهنگ سیاسی ایدئولوژیک

در کشورهایی وجود دارد که ایدئولوژی خاصی وجود دارد و مردم مجبورند از آن پیروی کنند. در شوروی و چین فرهنگ سیاسی ایدئولوژیک وجود داشت.

۴- فرهنگ سیاسی همگن

در جامعه‌ای وجود دارد که در آن مردم در مورد هدفها و ابزارهای دست یافتن به آنها نظرات سیاسی یکسانی دارند، احزاب گوناگون نیز ایدئولوژی یکسان دارند. مانند انگلستان و آمریکا.

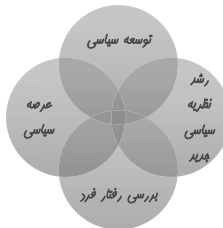
۵- فرهنگ سیاسی چندپاره

در این نوع فرهنگ مردم درباره‌ی هدفهای سیاسی و ابزارهای دستیابی به آنها نظرات یکسانی ندارند. اینگونه فرهنگ سیاسی به طور عموم در کشورهای دارای نظام های چند حزبی مانند فرانسه و ایتالیا وجود دارد.

اهمیت فرهنگ سیاسی در چهار نکته نهفته
است که عبارتند از:

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۶

- ۱- با مطالعات مربوط به **توسعه سیاسی** ارتباط تنگاتنگی دارد.
- ۲- ساختارها و معنی **عرصه‌ی سیاسی** را آشکار می‌کند.
- ۳- برای بررسی **رفتار فرد** در نظام سیاسی معین، ابزار مفهومی ارزشمندی است.
- ۴- در **رشد و توسعه نظریه‌ی جدید سیاسی** سهم عمده‌ای ایفا کرده است (توجه ما را به مطالعه جامعه‌ی سیاسی جلب می‌کند؛ علم سیاست را در ترکیب رهیافت‌های خرد و کلان یاری می‌کند)



از دیدگاه رز (R.Rose) وضعیت "تجدد سنت"
به چه معناست؟

«سیاست و حکومت جدید» عبدالرحمان عالم، ص ۷۷

بدین معناست که در بریتانیا تداوم سیاسی اهمیت دارد و ستیز داخلی یا تسلط قدرت خارجی، ارزش های قدیمی آمیخته با ایستارهای جدید را از هم نمی گسلد.

آبه عنوان مثال در فرهنگ سیاسی انگلستان وجود "مجلس اعیان" (ارزش قدیمی) منافاتی با دموکراسی (ارزش و ایستار جدید) ندارد، تا جائیکه "مجلس نمایندگان" نماینده دموکراسی و برابری سیاسی شهروندان انگلیسی است.

مسائل نوسازی سیاسی (Political Modernization)

عبارتند از:

(۶ مورد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۰

- ۱- هویت ملی (ساختار معنی مشترک در یک ملت)
- ۲- مشروعیت سیاسی (پذیرش آزادانه حکومت توسط اتباع)
- ۳- نفوذیابی سیاسی (تأثیر گذاردن بر سیاست)
- ۴- مشارکت سیاسی (حضور در عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی)
- ۵- یکپارچگی ملی (عدم وجود اختلاف بنیادین در یک ملت)
- ۶- توزیع سیاسی (توزیع امکانات، فرصت‌ها و منابع بین مردم به صورت برابر)

نوسازی سیاسی آن گونه که در غرب صورت
گرفته است نتیجه‌ی و دانسته
می‌شود.

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۰

تحرک اجتماعی

توسعه‌ی اقتصادی

مهم

ادوارد شیلز (Edward Shils) پنج‌الگوی

نوسازی نظام‌های سیاسی را بدین شرح توصیف کرده است:

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۱۱۲-۱۱۱

۱- **دموکراسی سیاسی** (مردم سالاری مبتنی بر آزادی انتخابات، مشارکت سیاسی بالا و حقوق مدنی گسترده؛ مانند هلند)

۲- **دموکراسی قیمومیتی** (در این نوع دموکراسی همه‌ی نهادهای دموکراتیک وجود دارند، اما قوه‌ی مجریه قدرتمندتر از دیگر نهادهاست؛ مانند اندونزی دوران سوکارنو)

۳- **اولیگارش‌ی جانبدار نوسازی** (یک گروه اقلیت حکمران وظیفه‌ی سامان در کشور را عهده دار می شود؛ مانند عراق)

۴- **اولیگارش‌ی توتالیتر** (در واقع « دولت پلیس » است که از شیوه‌های اجبار حداکثر استفاده را به عمل می آورد؛ مانند آلمان نازی، ایتالیای فاشیست و ژاپن میلیتاریست)

۵- **اولیگارش‌ی سنتی** (مبتنی بر اصل خاندانی است که در آن حکومت شکل پادشاهی دارد؛ مانند عربستان سعودی و نیپال)

الگو	شاخص	نمونه
دموکراسی سیاسی	مردم سالاری	هلند
دموکراسی قیمومتی	قوه مجریه قدرتمند	اندونزی، دوران سوکارنو
اولیگارش جانبدار نوسازی	اقلیت حکمران نوساز	عراق
اولیگارش نوتالیتر	استفاده گسترده از اجبار	آلمان نازی، ایتالیای فاشیست، ژاپن میلیتاریست
اولیگارش سنتی	مبیتنی بر اصل خاندانی	عربستان، نپال

به گفته‌ی، نوسازی روندی چند بُعدی است که متضمن تغییر در همه‌ی عرصه‌های اندیشه و عمل انسان است.

«ساموئل هانتینگتون»

(Samuel P. Huntington)

در سطح اقتصادی **نوسازی** به چه معناست؟

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۰

«به معنای رشد توليد کشاورزی، صنايع، بازرگانی
و تجارت است»

در سطح اجتماعی نوسازی دلالت دارد بر

.....

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۰

«تغییر وفاداری افراد از خانواده و دیگر گروههای اولیه به گروههای ثانویه که داوطلبانه سازمان یافته اند.»

در سطح جمعیت شناسی نوسازی دلالت
می‌کند بر

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۰

«تغيير الگوی زندگی، افزايش مشخص بهداشت و
انتظار عمر، تحرک زيادتر شغلی و جغرافيايی و
انتقال جمعيت از روستا به شهر»

در سطح فکری نوسازی به چه معناست؟

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۰

«به معنای گسترش شگرف دانش بشر درباره‌ی محیط خود و پخش آن از راه تحصیلات عالی، ارتباطات جمعی و آموزش و پرورش است»

در سطح روانشناختی نوسازی متضمن
است.

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۹

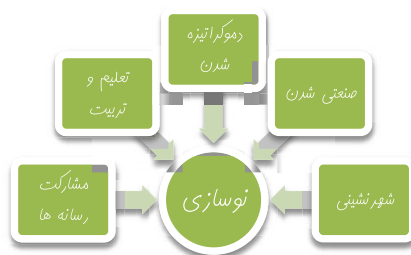
«تغيير بنيادی ارزش‌ها، ايستارها و انتظارات مردم»

جنبه‌های اصلی نوسازی عبارتند از:

(۵ مورد)

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۹

- ۱- شهرنشینی
- ۲- صنعتی شدن
- ۳- دموکراتیزه شدن
- ۴- تعلیم و تربیت
- ۵- مشارکت رسانه‌ها



مفهوم، متضمن تغییر اساسی در ساختار،
اعتقادات و ارزش‌های اجتماعی مردم در همه‌ی
عرصه‌های اندیشه و عمل انسان است.

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۹

«نوسازی»

شوارتز
(Schwartz)
نوسازی را چنین تعریف کرده است:

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۹

«کاربرد منظم، حمایت شده و هدفدار انرژیهای انسانی برای در اختیار گرفتن عقلایی محیط طبیعی و اجتماعی انسان به خاطر مقاصد گوناگون بشری»

«روندی مبتنی بر بهره برداری خردمندانه از منابع و با هدف ایجاد جامعه‌ی نو است»
این تعریف به کدامیک از دانشواژه های سیاسی اشاره دارد؟

« بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۹

«نوسازی»

(Modernization)

..... را باید نخستین پژوهشگر برجسته‌ای دانست که مفهوم توسعه را عمیقاً تحلیل کرد و درباره‌ی آن نظریاتی داد و تأثیر انکارناپذیری بر کل مطالعات درباره‌ی توسعه‌ی سیاسی گذاشت.

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۲۴

«لوسين پای»

مهم

از دیدگاه **لوسین پای** نخستین گام توسعه
سیاسی است.

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۲۴

تکامل يافتن نظام دولت ملی

مهم

به نظر **لوسین پای** نشانه های «توسعه‌ی
سیاسی» را در سه سطح می‌توان دید:

« بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۱۲۵-۱۲۴

الف - از لحاظ جمعيت به صورت يك كل

ب - از لحاظ انجام منظم كارهاى حكومتى و عمومى

پ - از لحاظ سازمان جامعه‌ى مدنى

بسیار مهم، سراسری ۸۱
سه ویژگی مفهوم «توسعه‌ی سیاسی» از دیدگاه
لوسین پای عبارتند از:

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۲۵

۱- برابری

از این لحاظ توسعه‌ی سیاسی به مشارکت توده‌ای و اقدام عمومی در فعالیتهای سیاسی مربوط است. نکته‌ی اصلی تبدیل شدن مردم به شهروندان فعال است.

۲- ظرفیت

به توانایی نظام سیاسی در دادن «برون داده‌ها» و میزان تأثیر آن بر جامعه و اقتصاد اشاره دارد.

۳- تغییر تدریجی

بر گسترش و اختصاصی کردن ساختارها دلالت می‌کند و همچنین متضمن یکپارچه کردن مجموعه ساختارها و روندهاست.

مهم

مطالعه‌ی گسترده‌ی توسعه‌ی سیاسی نشان
می‌دهد که:

- ۱- ویژگی **برابری** به
 - ۲- ویژگی **ظرفیت** به
 - ۳- ویژگی **تغییر تدریجی** با
- سروکار دارد.

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۲۶

۱- فرهنگ سياسی

۲- انجام وظیفه ساختارهای اقتدارى حکومت

۳- ساختارهای غيراقتدارى و روندهای عمومى

سیاسى در جامعه

مهم، سراسری ۸۳

لئونارد بیندر (Leonard Binder) آثار ذیل را

برای توسعه‌ی سیاسی مشخص کرد:

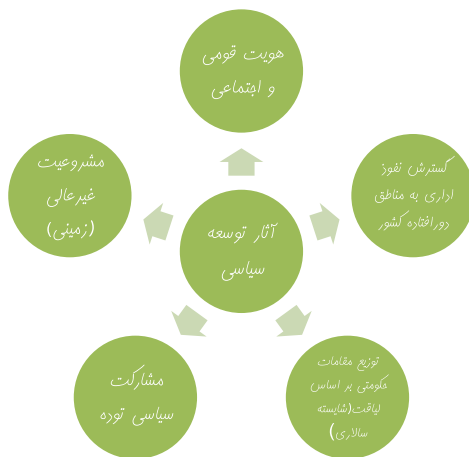
(ممکن است این سوال نیز مطرح شود که آثار توسعه-

ی سیاسی چیست؟)

(۵ مورد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۲۶

- ۱- تغییر هویت از هویت دینی به هویت قومی و از هویت محلی به هویت اجتماعی
- ۲- تغییر مشروعیت از یک منبع عالی به یک منبع غیرعالی
- ۳- تغییر در مشارکت سیاسی از نخبه به توده و از خانواده به گروه
- ۴- تغییر توزیع مقامات حکومتی از پایه‌ی موقعیت خانوادگی و امتیاز به دستاوردها و لیاقتها
- ۵- تغییر در میزان نفوذ اداری و حقوقی به ساختار اجتماعی و به مناطق دور افتاده‌ی کشور



بسیار مهم، سراسری ۸۵، آزاد ۸۲

شاخص‌های مثبت توسعه عبارتند از:

(۲۲ مورد)

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، صص ۱۲۸-۱۲۷

- ۱- دولتمداری یا یکپارچگی سرزمین
- ۲- شکل‌گیری ملت یا یکپارچگی ملی
- ۳- افزایش حق رأی و انتخابات آزاد با رأی دهندگان زیاد
- ۴- سیاسی شدن یا مشارکت بیشتر مردم در روندهای سیاسی
- ۵- مشارکت مردم در هیئت‌های تصمیم‌گیری
- ۶- حساس‌گری فزاینده‌ی گروه‌های خودمختار
- ۷- تراکم منافع فزاینده توسط احزاب سیاسی باثبات دموکرات
- ۸- آزادی مطبوعات و رشد رسانه‌های جمعی
- ۹- تمرکز زدایی سیاسی و اداری
- ۱۰- خودگردانی واحدهای محلی یا حکومت محلی
- ۱۱- گسترش امکانات آموزشی

- ۱۲- نقش موثر هیئت‌های قانونگذاری و خدمات ایجاد نمایندگان
- ۱۳- نقش موثر کارگزاریهای نیمه حکومتی مانند تعهدات عمومی
- ۱۴- نقش سازمان‌های قدرتمند برای رسیدگی به شکایت‌های مردم
- ۱۵- بردباری ناراضیان و کنترل جنبش‌های مخالف
- ۱۶- گسترش پایگاه اجتماعی نخبگان سیاسی
- ۱۷- علنیت در کار حکومت و مسئولیت حکام در برابر مردم
- ۱۸- استقلال قوه قضائیه و حاکمیت قانون
- ۱۹- نیروهای مسلح غیرسیاسی
- ۲۰- سیاستهای اجماعی با استفاده از روش‌های قانون اساسی
- ۲۱- بی‌طرفی یا استقلال کارمندان
- ۲۲- دنیایی کردن فرهنگ سیاسی

بسیار مهم، سراسری ۸۱، سراسری ۸۴

شاخص‌های منفی (فروپاشی سیاسی)

عبارتند از:

(۱۵ مورد)

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، صص ۱۲۸-۱۲۹

- ۱- انتخابات تقلبی و عدم رعایت قوانین و مقررات
- ۲- تظاهرات اعتراض آمیز با استفاده از خشونت
- ۳- آشوبهای مخالفان، فعالیت‌های زیر زمینی و حمله‌های مسلحانه
- ۴- فساد سیاسی به خاطر منافع شخصی
- ۵- پراکندگی احزاب سیاسی
- ۶- سرکوب ناراضیان
- ۷- بت شدن فرمانروایان
- ۸- تعظیم و تکریم ایدئولوژی رسمی و حاکم
- ۹- سوء قصدهای سیاسی
- ۱۰- سیاسی شدن نیروهای مسلح

- ۱۱- تعهد کارمندان به خط حزب حاکم
- ۱۲- فساد گسترده و سوء مدیریت
- ۱۳- متمرکز شدن اختیارات
- ۱۴- توقیفهای جمعی
- ۱۵- مداخله‌ی خارجی در امور داخلی کشور

..... به معنی گسست از تعهدات قدیمی
اجتماعی، روانشناختی و اقتصادی و پذیرش
الگوهای جدید جامعه‌پذیری و رفتار است.

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، صص ۱۱۱-۱۱۰

«تحرک اجتماعی»

تحرک اجتماعی
(Social Mobility)
عبارتست از:

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۲۹

«روندی از نوسازی است که بدان وسیله ارزش‌های قدیمی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، هنجارها، اخلاق، عاداتها، نیازها و الگوهای رفتار، فرسوده یا فروپاشیده می‌شود و الگوهای جدید جامعه‌پذیری و رفتار در دسترس مردم قرار می‌گیرد»

تحرک اجتماعی متضمن دو مرحله است که عبارتند از:

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۱۲۹

- ۱- مرحله‌ی **بریدن** از ریشه یا دوری‌گزیدن از روش‌ها، عاداتها و تعهدات قدیمی
- ۲- مرحله‌ی **پذیرش** اشخاص از ریشه‌کننده شده به الگوهای جدید نسبتاً باثبات عضویت گروهی، سازمانی، ارزشی یا تعهداتی

به چگونگی اقدامی گفته می‌شود که از آن راه،
بیشترین بازده و بهره را با کمترین کوشش و رنج
و خشونت بتوان به دست آورد:

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۲۴۷

کارآبي يا قاطعيت

در درازمدت و در یک پهنه‌ی گسترده، کارآیی
نظام سیاسی با دو محدودیت می‌تواند روبرو شود،
این دو محدودیت عبارتند از:

« مبانی سیاست » عبدالحمید ابوالحمد، ص ۲۵۱

۱- ناتوانی و انحطاط درونی

(ناامنی‌های داخلی، شورش‌ها، دزدی، اغتشاش و
غيره)

۲- عوامل خارجی و بیرونی

(جنگ‌های خارجی)

پایه‌ی حیثیت و اعتبار نظام سیاسی در
است.

« مبانی سياست » عبدالحمید ابوالحمد، ص ۲۵۳

توانایی و کارآیی‌اش در حل دشواری‌ها و خواسته‌های مردم

راز راستين **قاطعيت** را بايد پيوند ميان اين دو
وظيفه نظام سياسی يافت:

« مبانی سياست » عبدالحميد ابوالحمد، ص ۲۵۳

تأمين امنيت

تأمين آسايش

بسیار مهم

نفوذ پدیده‌ای

« مبانی سیاست » عبدالحمید ابوالحمد، ص ۹۹

روانی است تا مادی و به توانایی‌هایی گفته می‌شود که با آن افراد می‌توانند دیگران را زیر تأثیر قرار داده و با خود همراه کنند.

نفوذ دو ریشه دارد که عبارتند از:

« مبانی سياست » عبدالحميد ابوالحمد، ص ۹۹

۱- حیثیت، حسن شهرت و اعتبار

این عوامل سبب می‌شود تا فرد معتبر و خوش نام توانایی تأثیرگذاری و نفوذ بیشتری بر اطرافیان به دست آورد. این عوامل مبتنی بر عوامل ذهنی و روانی است.

۲- علم و تجربه

دانش و تجربه‌ی عملی نیز از عواملی است که میزان نفوذ را افزایش می‌دهد. این عوامل مبتنی بر فاکتورهای محسوس و ملموس است.

رابطه دال چه تعریفی از « نفوذ » ارائه کرده است؟

« بنیادهای علم سیاست » عبدالرحمان عالم، ص ۹۵

«نفوذ عبارت از رابطه میان بازیگرانی است که در آن یک بازیگر، بازیگران دیگر را وادار می‌کند به طریقی که خواست خود آنها نیست عمل کنند»

گروههای نفوذ بر حسب دو معیار شیوهی
عملکرد و علائق مشترک به چهار دسته تقسیم
می شوند:

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۴۴

گروههای تدافعی

(گروههای قومی)

گروههای تهاجمی

(گروههای نژادی)

شیوهی عملکرد

گروههای منفعتی

(شرکتها)

گروههای عقیدتی

(گروههای مذهبی)

علاقه مشترک

حالت فراغت از هر گونه تهديد يا حمله و يا
آمادگى براى رويارويى با هر تهديد و حمله را
.....گويند.

« نکته و تست مبانی علم سياست » محمد لعل عليزاده، ص ۱۳۸

«امنیت»

در اصطلاح سیاسی و حقوقی انواع «امنیت»

عبارتند از:

(۴ مورد)

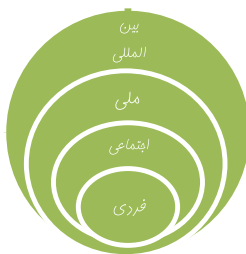
« نکته و تست مبانی علم سیاست » محمد لعل علیزاده، ص ۱۳۸

۱- امنیت فردی

۲- امنیت اجتماعی

۳- امنیت ملی

۴- امنیت بین المللی



.....، حالتی است که در آن فرد فارغ از ترس
آسیب رسیدن به جان یا مال یا آبروی خود یا از
دست دادن آنها زندگی می‌کند.

« نکته و تست مبانی علم سیاست » محمد لعل علیزاده، ص ۱۳۸

«امنيت فردی»

«امنيت اجتماعي» عبارتست از.....

« نکته و تست مباني علم سياست » محمد لعل عليزاده، ص ۱۳۸

«فراغت همگانی از تهدیدی که کردار غیرقانونی
دولت یا دستگاهی با فردی یا گروهی در تمامی یا
بخشی از جامعه پدید آورد»

.....، حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی یا خاک خود به سر برد.

« نکته و تست میانی علم سیاست » محمد لعل علیزاده، ص ۱۳۸

«امنيت ملي»

« امنیت بین المللی » عبارتست از

« نکته و تست مبانی علم سياست » محمد لعل علیزاده، ص ۱۳۸

«حالتی که در آن قدرتها در حالت تعادل و بدون دست یازی به قلمرو یکدیگر به سر برند و وضع موجود در خطر نیفتد.»

گویاترین و روشن‌ترین زبان برای پدید آوردن
پیوند ارتباط حاکمیت و شهروندان،
است.

« مبانی سیاست » عبدالحمید ابوالحمد، ص ۲۶۴

«حقوق»

ارتباط میان حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان از طریق قوانین و مقررات (حقوق) شکل می‌گیرد

از نظر تاریخی بیشترین شورش‌ها و انقلاب‌ها
برای به دست آوردن و پاسداری از بوده
است.

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۲۶۸

«حقوق طبیعی»

(Natural Rights)

(حقوق طبیعی به هر انسانی در هر زمان و مکانی
تعلق دارد مانند حق حیات)

حقوق طبيعى و مشروعيت يکى است با اين تفاوت که

« مبانی سياست » عبدالحميد ابوالحمد، ص ۲۶۷

حقوق طبیعی بسیار گسترده‌تر از مفهوم مشروعیت است.

(حقوق طبیعی همه‌ی زمینه‌های امور اجتماعی و سیاسی را شامل می‌شود، در حالی که مشروعیت مربوط به رابطه‌ی شهروندان و حاکمان است. یعنی حقوق طبیعی در برگیرنده‌ی واقعیت‌های عینی است و مشروعیت بیشتر جنبه‌ی ذهنی دارد)

A، ابزار اعمال قدرت حاکم است.

B، محدودکنندهی قدرت حاکم
است.

« مبانی سياست » عبدالحمید ابوالحمد، صص ۲۵۷-۲۵۸

A. حقوق موضوعه**B. حقوق طبیعی**

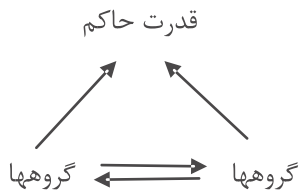
(حقوق موضوعه، مجموعه قوانین و مقررات وضع شده توسط دولت است، بنابراین این قوانین می تواند به گونه ای تدوین شود که ابزار اعمال قدرت حکومت شود مانند قوانین مربوط به مجازات کسانی که قصد براندازی حکومت را دارند. در حالی که حقوق طبیعی مربوط به حقوق ذاتی هر انسان است، مانند رعایت اصول اخلاقی، عدالت، مالکیت خصوصی که دولت نمی تواند به راحتی این حقوق را از افراد سلب کند، بنابراین حقوق طبیعی محدود کننده ی قدرت دولت است.)

پیکار سیاسی در دو زمینه جریان دارد:

«اصول علم سیاست» موریس دوورژه، ص ۵۹

از یک سو، میان افراد، گروهها و طبقاتی که برای بدست آوردن قدرت مبارزه می کنند.

از سوی دیگر، میان قدرتی که فرمان می راند و شهروندانی که در برابر آن مقاومت می کنند.



- ۱- از دیدگاه اشخاص و طبقات ستمدیده و ناراضی سياست است.
- ۲- از دیدگاه اشخاص و طبقات ثروتمند و راضی سياست است.

« اصول علم سياست » موريس دوورژه، ص ۵۴

۱- مبارزه

۲- همگونگی

به نظر مارکسيستها تضادهای سياسی از
..... بر می خيزند.

« اصول علم سياست » موریس دوورژه، ص ۵۹

بنیان‌های اقتصادی - اجتماعی



اصالت نظریه‌ی مارکس نسبت به اندیشه‌های
پیش از خودش در این است که:

« اصول علم سیاست » موریس دوورژه، ص ۱۱۰

- ۱- مارکس مبارزه‌ی طبقات را عامل اصلی تعارض‌های سیاسی قلمداد کرد.
- ۲- تعریف محکم و محدودی از طبقات به دست داد. (طبقات را بوسیله‌ی عوامل اقتصادی تعریف کرد)

از دیدگاه مارکسیستها رقابت سیاسی اساساً در
میان است.

« اصول علم سیاست » موریس دوورژه، ص ۶۰

«طبقات»

از دیدگاه **مارکس** و هوادارانش اصل
منشأ کلیه‌ی شرور و علت العلل همه تفاوت‌هایی
است که جامعه را به استثمارگر و استثمار شده
تقسیم می‌کند.

« اصول علم سیاست » موریس دوورژه، ص ۲۴

«مالکیت خصوصی»

ماركس گرايان سياست را از روزنه
می‌بينند.

« اصول علم سياست » موريس دوورژه، ص ۱۴

«تضاد طبقاتی»

(مارکس معتقد است که سیر تکامل تاریخ مبتنی
بر تضاد بین طبقات است)

از دیدگاه مارکسیستها پایه‌ی تقسیم طبقاتی در
جامعه است.

« اصول علم سياست » موريس دوورژه، ص ۱۱۲

مالکیت خصوصی وسایل تولید

مهم

به عقیده‌ی هواداران مارکس،
سرچشمه‌ی اصلی تضادهای سیاسی است.

« اصول علم سیاست » موریس دوورژه، صص ۱۱۲-۱۱۳

«مبارزه طبقاتی»

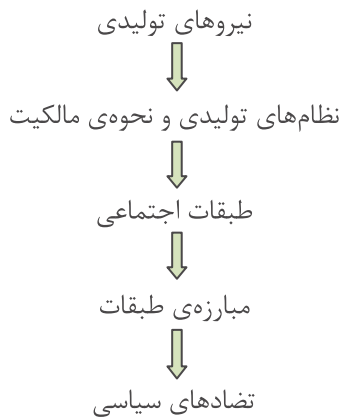
در نظريه‌ی مارکسيستی سياست دو جنبه دارد
که عبارتند از:

«مقدمه‌ی نظريه‌ی سياسی» عبدالرحمان عالم، ص ۹۶

از یک سو سیاست درباره‌ی قدرت عریان، اجبار و سرکوبی است و پایان آن به شدت آرزو می‌شود. از سوی دیگر، سیاست جلوه و بیان مبارزه طبقاتی و وسیله‌ای هم است که با آن جامعه‌ی غیرسیاسی باید تحقق بیابد؛ وسیله‌ی یک انقلاب پرولتاریایی (انقلاب کارگری).

طرح کلی بستگی پدیده‌های سیاسی به نظام‌های
تولیدی از دیدگاه مارکسیستها بدین شکل ترسیم
می‌گردد:

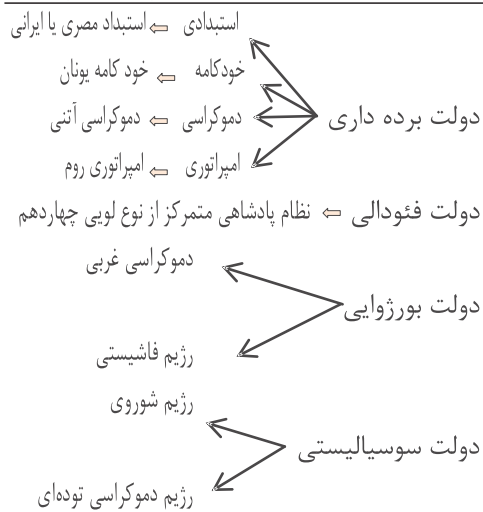
« اصول علم سیاست » موريس دوورژه، ص ۱۱۳



در دیدگاه مارکس دولتهای **برده داری**،
فئودالی، **بورژوایی** و **سوسیالیستی** شامل
چندین شکل از رژیم سیاسی می شوند که
عبارتند از:

(انواع دولتها در برابر اشکال دولتها)

« اصول علم سیاست » موریس دورژ، ص ۱۱۳



تجزیه و تحلیلی مارکسیستی از مبارزه طبقاتی از
دو دیدگاه قابل انتقاد است:

« اصول علم سياست » موريس دوورژه، ص ۱۱۵

- ۱- نقش مبارزه‌ی طبقات در تشکل تضادهای سیاسی به صورت **اغراق آمیزی** ارزش‌گذاری شده است.
- ۲- از طبقات اجتماعی تعریفی داده شده که بی‌اندازه **محدود کننده** است. (چون صرفاً بر اساس عوامل اقتصادی تعریف شده است)

قشرها تنها در صورتی به شکل طبقات در
می‌آیند که دارای باشند.

« اصول علم سياست » موريس دوورژه، ص ۱۱۰

ثبات و دوام

«وجدان طبقاتی»

به چه معناست؟

«اصول علم سياست» موريس دوورژه، ص ۱۱۱

«تصویری است که اعضای یک جامعه از درجات مختلف سلسله مراتب اجتماعی در ذهن خود دارند و طریقی است که هر کس خود را در این سلسله مراتب قرار می دهد.»
(به طور خلاصه یعنی احساس تعلق به یک طبقه)

از دیدگاه موريس دوورژه طبقه اجتماعي عبارتست از:

« اصول علم سياست » موريس دوورژه، ص ۱۱۵

« گروهی از انسانهاست که شرایط مادرزادی نسبتاً همگنی دارند که با شرایط مادرزادی دسته های دیگر متفاوت و نامتساوی است.»

مرحله‌ی برترین کمونیسم یا بهشت موعود
مارکسیسم و جامعه‌ی پر برکت یا بهشت
آینده‌ی غربی‌ها از چه جهتی با هم شباهت
دارند؟

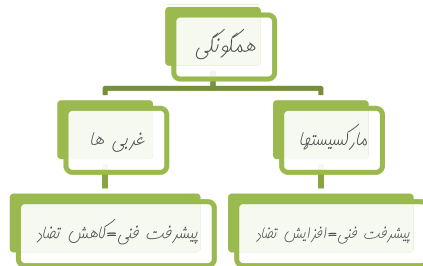
« اصول علم سیاست » موریس دورژ، ص ۱۱۸

« هر دو معتقدند که پیشرفت فنی روزی منجر
به یک جامعه‌ی بی تعارض، بی تضاد و کاملاً
همگونه می‌شود.»

دیدگاه مارکسیستها و غربی‌ها در خصوص
کاهش تضادهای سیاسی و رسیدن به
همگونی از چه جهتی با هم تفاوت دارد؟

« اصول علم سیاست » موریس دورژ، صص ۱۱۹-۱۱۸

از دیدگاه مارکسیستها، پیشرفت فنی باعث افزایش مبارزات طبقاتی خواهد شد و در این حالت، پایان تضادها از بطن همین افزایش تضاد (مبارزات طبقاتی) بوجود خواهد آمد. در حالی که از دیدگاه غربی‌ها، پیشرفت فنی باعث کاهش تدریجی تضادهای سیاسی خواهد شد.



از دیدگاه لیبرال‌ها رقابت و مبارزه‌ی سیاسی در
دو سطح جریان دارد:

« اصول علم سياست » موريس دوورژه، ص ۶۰

۱- پیکار شهروندان علیه قدرت

۲- رقابت بين افراد برای کسب بهترين منزلت در اجتماع
(به گمان غریبها رقابت سياسی اساساً زاييده عوامل روانی است)

ليبراليسم غرب بر دو شکل از مبارزه تکیه
می کند:

« اصول علم سياست » موریس دوورژه، ص ۱۵

۱- رقابت بین افراد برای کسب بهترین منزلت اجتماعی

۲- پیکار شهروندان علیه قدرت که ماهیتاً ستمکار است

افراد ↔ افراد

قدرت



شهروندان

از این دیدگاه دولت «شرّ لازمی» است. دولت ماهیتاً جائز و ستمگر است و لذا باید با قانون و ساز و کار «توقف قدرت بوسیله‌ی قدرت» در محدوده‌ها و ضوابط تعیین شده مهار شود:

« اصول علم سیاست » موریس دوورژه، صص ۱۵-۱۴

«ليبراليسم» (Liberalism)

(ليبراليسم مکتبی است که به فردگرایی، تساهل
سیاسی، کثرت گرایی فرهنگی و آزاد سازی
اقتصادی اعتقاد دارد)

توماس هابز (Thomes Hobbes) ریشه‌ی
اصلي منازعات سياسي و اجتماعي را در
می‌داند.

«آموزش دانش سياسي» حسين بشيريه، ص ۴۰

کوشش انسان برای صیانت ذات و مقابله با تهدید مرگ زودرس

مارکس و انگلس (Marx and Engels) ریشه‌ی
اصلي منازعات سياسي و اجتماعي را در
..... مي‌جستند.

«آموزش دانش سياسي» حسين بشيريه، ص ۴۰

مالکیت خصوصی و اختلاف منافع مادی میان طبقات اجتماعی

آلكسى دوتوكويل
(Alexis de Tocquerille)
علت اصلى منازعه انقلابى فرانسه را
مى دانست.

«آموزش دانش سياسى» حسين بشيريه، ص ۴۰

افزایش توقعات در جامعه فرانسه

ارسطو (Aristotle) علت اصلی منازعه سياسی
را در می‌دانست.

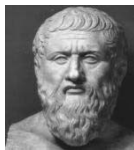


«آموزش دانش سياسی» حسين بشيريه، ص ۳۹

نابرابری و کوشش برای برابری یا برتری

افلاطون (Plato)

علت اصلی منازعه‌ی سياسی را
می‌دانست.



« آموزش دانش سياسی » حسين بشيريه، ص ۳۹

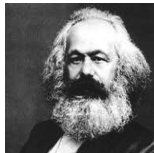
ندرت منابع مطلوب يا «خير محدود»

(خير محدود: مانند ثروت، زمين و اموال كه به
ميزان نامساوی میان مردم تقسيم شده است)

.....، ضدیت میان شهر و روستا را یک تضاد
سیاسی اساسی می‌دانست.

« اصول علم سياست » موريس دوورژه، ص ۱۰۵

«مارکس»



..... گفته است که «تمدن پیش از هر چیز
یک جاده است» تمرکز نیز «ابتدا یک جاده
است»

«اصول علم سیاست» موريس دوورژه، ص ۱۰۶

«کپيلينگ»

مهم

مهمترین عوامل تضادهای سیاسی،

هستند.

« اصول علم سیاست » موریس دوورژه، ص ۱۰۹

عناصر اجتماعی - اقتصادی

..... پایه‌ی اصلی پیکار سیاسی است.

« اصول علم سیاست » موريس دوورژه، ص ۱۰۹

نابرابری

سطح زندگي با نوع زندگي چه تفاوتی دارد؟
(با ذکر مثال)

« اصول علم سياست » موريس دوورژه، ص ۱۱۱

سطح زندگي بر اساس ميزان درآمد مشخص
می‌گردد، مانند طبقه سرمايه دار. ولی نوع
زندگي بر اساس رفتار، عادات و خلیقیات سنجیده
می‌شود، مانند طبقه دهقان.

کارل مارکس در کتاب «ایدئولوژی آلمانی»
بزرگترین تقسیم کار مادی و تقسیم کار معنوی
را می‌داند.

« اصول علم سیاست » موريس دوورژه، ص ۱۱۲

جدایی شهر و روستا

- ۱- در **جوامع کم توسعه** برخورداری از امتیازات، اساساً به بستگی دارد.
- ۲- در حالیکه در **جوامع پرتوسعه** این امر بیش از پیش به وابسته است.

« اصول علم سیاست » موريس دوورژه، ص ۱۲۰

۱- تولد

۲- لیاقتها

ژرمن تی یون (Germain Tion)

« قلندر سازی » (Clochardisation)

را برای اشاره به چه قشری از جامعه به کار برده
است؟

« اصول علم سیاست » موریس دوورژه، ص ۱۲۲

«افرادی که از یک سو از جامعه‌ی قدیمی خود که دیگر نمی‌پسندند، بریده‌اند، و از سوی دیگر در جامعه‌ی نوینی که از سطح زندگی و فرهنگ آنان بالاتر است، ادغام نشده‌اند»

[با اغماض می‌توان گروههای مهاجر از کشورهای توسعه نیافته به کشورهای توسعه یافته را در این گروه جای داد، که به دلیل عدم ادغام در فرهنگ کشور جدید، اقدام به تشکیل گروهها و مناطق اقلیت نشین می‌نمایند؛ مانند اقلیت‌های چینی در ایالات متحده امریکا]

در فرانسه پنج عنصر اصلی در انتخابها و
رویه‌های شهروندان نقش داشته است. این پنج
عنصر عبارتند از:

« اصول علم سیاست » موریس دوورژه، ص ۱۳۳

- ۱- سطح زندگی
 - ۲- گروه سنی و جنسی
 - ۳- سطح سواد
 - ۴- دین
 - ۵- گرایش به یک حزب سیاسی
- جنبه مسلکی دارند {

..... و کوشیده‌اند تا زندگی سیاسی
را به کمک نهادهای خانوادگی تبیین کنند.

« اصول علم سیاست » موریس دوورژه، ص ۱۲۶

«لوپله»
(Leplay)

«فوستل دوکالانژ»
(Fustal de Caoulanges)

فرهنگ روبر، «..... را مجموعه‌ی اشکال یا بنیان‌های اساسی سازمان اجتماعی، به طریقی که قانون یا عرف و عادت یکی از گروه بندی‌های بشری برپایشان داشته باشد» تعریف می‌کند.

« اصول علم سیاست» موريس دوورژه، ص ۱۲۶

نهاده‌ها

(Institutions)

همه‌ی ساخت‌ها و دست‌آوردهای گروهی را که در برابر کسان نهاده شده و در چگونگی اندیشیدن و رفتار آنان تأثیر می‌گذارد و به آن جهت می‌دهد، می‌گویند.

« مبانی سياست » عبدالحميد ابوالحمد، ص ۹۶

نهاد

(Institution)

ريچارد نيكسون

(Richard Nixon)

منشأ رهبری و قدرت را می‌داند.

«مبانی سياست» عبدالحميد ابوالحمد، ص ۹۳ (پاورقی)

«اراده»

در واقع پيدایش، آغاز پيدايی دولت به
مفهوم امروزی آن است.

« مبانی سياست » عبدالحمید ابوالحمد، ص ۹۴

«شورای روسای خانواده‌ها»

«مجموعه روابط اجتماعی مبتنی بر هنجارها»
این تعريف مربوط به کدامیک از مفاهيم سياسی
است؟

« مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۹۶

نهاد

(Institution)

..... از کوتاه‌ترین راههای پذیراندن،
پذیرفتن و خو گرفتن به نهادهاست.

« مبانی سیاست » عبدالحمید ابوالحمد، ص ۹۶

آموزش و پرورش

هنجارهایی که برای آنها ضمانت اجراء تعيين شده است، يا ناميده می شوند.

« مبانی سياست » عبدالحميد ابوالحمد، ص ۹۷

قانون

مقررات حقوقی

..... مهمترین قانون یا متن حقوقی است که
چهارچوب فعالیت‌های سیاسی را برای شهروندان
کشور تعیین می‌کند.

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۹۷

« قانون اساسی »

نمونه‌ی برجسته‌ی ترکیب نظریه‌ی سیاسی و
واقع‌گرایی عملی، هستند.

« سياست و حکومت جديد » عبدالرحمان عالم، ص ۲۴

بنیان‌گذاران قانون اساسی آمریکا

[آنها می‌خواستند نظام حکومتی‌شان هم بیانگر
اصول سیاسی معینی (نظریه سیاسی) باشد و هم
این نظام کار کند و پایدار بماند (واقع‌گرایی عملی)
[

برتری جسمی، مادی و معنوی، نامیده
می‌شود.

« مبانی سياست » عبدالحمید ابوالحمد، ص ۱۰۴

«سلطه»

(Domination)

مفهوم همه جا با مفهوم شايستگي و
كاردانی همسو و همگام است.

« مبانی سياست » عبدالحميد ابوالحمد، ص ۱۰۴

«سندیت»

۱- سلطه، حیثیت، علم و تجربه بیشتر سیماهای
..... قدرت هستند.

۲- سندیت چهره‌ی قدرت است.

« مبانی سیاست » عبدالحمید ابوالحمد، ص ۱۰۶

۱- شخصی

۲- نهادی

آنچه که پیش از همه یک شهروند از نظام سیاسی، دولت یا قدرت حاکم توقع دارد، است.

« مبانی سیاست » عبدالحمید ابوالحمد، ص ۲۴۷

پاسداری از امنیتش

(امنیت به مفهوم گسترده‌ی آن یعنی حفظ جان،
مال و حیثیت تک تک شهروندان)

تفاوتی که میان هنجارهای اجتماعی با قوانین
موضوعه وجود دارد عبارتست از:

« مبانی سیاست » عبدالحمید ابوالحمد، صص ۲۵۸-۲۵۹

«رعایت هنجارهای اجتماعی خصلت الزامی و اجباری ندارد، در حالی که قوانین موضوعه دارای خصلت الزام و اجبار هستند، یعنی سرپیچی از آنها منجر به مجازات فرد می گردد»

قلمرو سیاست علمی از قلمرو سیاست به معنی «فن و عمل» که بر پایه‌ی داده‌های نامشخص، سنجش ناپذیر، شهودی و غیرعقلانی استوار می‌باشد، است.

« اصول علم سیاست » موریس دوورژه، ص ۵۳

محدودتر

هدف علم سیاست مطالعه است.

(سراسری ۷۶)

الف - قضایای سیاسی

ب - قواعد حقوقی

پ - مسائل اجتماعی

ت - مشکلات اقتصادی

گزینه (الف) صحیح است.
علم سیاست به تحلیل و بررسی جنبه‌های
سیاسی پدیده‌های اجتماعی نظر دارد.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۶

اگر سیاست را نوعی کنش اجتماعی بدانیم، کدام تعریف واقعی‌تر است؟ (سراسری ۷۷)

الف - سیاست شامل فرایند تصمیم‌گیری و اجرای آن از سوی هر گروهی است که به وضع و اجرای مقرراتی برای اعضای خود می‌پردازند.

ب - سیاست عبارتست از مطالعه و شناخت قدرت سیاسی در جوامع انسانی

پ - سیاست عبارتست از مطالعه دولت و حکومت در کشورها

ت - سیاست عبارتست از مجموعه افعال دولت

گزینه (الف) صحیح است.

از آنجا که سیاست را به عنوان کنش اجتماعی در نظر گرفته است، بنابراین سیاست می تواند فرایند اتخاذ تصمیم و اجرای آن برای هر گروه اجتماعی باشد.

کدام ویژگی‌ها جزو شاخصه سیاست نیست؟

(سراسری ۷۷)

الف - تصمیمات سیاسی توانایی تأثیر بر کل جامعه را دارند.

ب - سیاست فقط به مفهوم ستیز و کشمکش بر سر قدرت است.

پ - سیاست با تصمیمات الزامی سروکار دارد.

ت - فعالیتهای سیاسی شامل تغییر، رقابت و همکاری است.

گزینه (ب) صحیح است.

سیاست علاوه بر ستیز و کشمکش بر سر قدرت به فرآیند همگونگی نیز می‌پردازد، بنابراین صرفاً به مفهوم ستیز و کشمکش نمی‌پردازد.

«اصول علم سیاست» موريس دوورژه، صص ۵۵-۵۰

از نظر قانونی قدرت به کدام یک از انواع زیر
تقسیم می‌شود؟ (سراسری ۷۷)

- الف - متمرکز، نامتمرکز
- ب - اجباری، غیراجباری
- پ - یکجانبه، چندجانبه
- ت - مشروع، نامشروع

گزینه (ت) صحیح است.

از نظر قانونی قدرت به دو نوع مشروع و نامشروع تقسیم می‌شود.

(قدرت مشروع قدرتی است که مردم آنرا می‌پذیرند مثل قدرت رئیس جمهور؛ اما قدرت نامشروع را مردم نمی‌پذیرند مثل قدرت راهزنان)

در کدام نوع قدرت اختلاف اهداف و منافع بین
رهبران و پیروان وجود دارد؟ (سراسری ۷۷)

الف - پاداش دهنده

ب - شخصی

پ - کیفردهنده

ت - هنجاری و شرطی

گزینه (ب) صحیح است.

گزینه های (۱)، (۳)، (۴) شیوه های اعمال قدرت می باشند، تنها گزینه (۲) نوع قدرت را مشخص کرده است.

(از لحاظ تاریخی، دگرگونی سیمای قدرت را اغلب به سه گونه (نوع) تقسیم می کنند: یکم. سیمای غیرشخصی، جمعی یا بی واسطه‌ی قدرت، دوم. سیمای شخصی یا فردی قدرت، سوم. سیمای نهادی قدرت)

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۹۸-۸۳

از نقطه نظر تحلیل سیاسی نقاط ضعف قدرت

الزامی چیست؟ (سراسری ۷۷)

الف - قدرت الزامی مستلزم هزینه‌های سنگین اقتصادی است.

ب - قدرت الزامی صرفاً در ابتدا و انتهای عمر یک نظام سیاسی دارای کارآمدی است.

پ - قدرت الزامی فاقد مشروعیت و حمایت از جانب مردم است.

ت - وسایل الزام همه‌جا و همیشه امکان‌پذیر نیستند.

گزینه (ت) صحیح است.

از نقطه نظر تحلیل سیاسی وسایل الزام همیشه و همه جا امکان پذیر نیستند.

(قدرت الزامی زمانی می تواند کاربرد داشته باشد که حکومت و مخالفانش هر دو مشروعیت داشته باشند، که در این صورت حکومت به پشتوانه همین مشروعیت نیم بند مخالفان خود را سرکوب می کند. اما در صورتی که حکومت به طور کلی مشروعیت خود را از دست داده باشد، به کاربردن قدرت چندان اثربخش نخواهد بود، زیرا در چنین حالتی واگذاری قدرت، محتمل ترین راه حل ممکن خواهد بود)

کدام یک از علل و عوامل زیر به شخصی شدن
قدرت کمک می‌کند؟ (سراسری ۷۷)

الف - وجود دشمن و بروز جنگ

ب - داشتن منابع فیزیکی و جسمانی قدرت

پ - داشتن منابع اقتصادی قدرت

ت - برخورداری از منابع هنجاری قدرت

گزینه (الف) صحیح است.

عامل خطر و دشمن خارجی انگیزه‌ی همبستگی گروه است. برای پیکار با عامل بیرونی و حفظ موجودیت، قدرت غیر شخصی بسنده نیست. در چنین موقعیت‌هایی حق تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌ها به حکم ضرورت به یک یا چند نفر سپرده می‌شود.

قدرت سیاسی بلاواسطه در کدام جوامع

امکان پذیر است؟ (سراسری ۷۷)

- الف - جوامع بدوی و جهان سوم
- ب - جهان سوم و کشورهای در حال توسعه
- پ - جوامع بدوی و اولیه
- ت - کشورهای توسعه نیافته

گزینه (پ) صحیح است.

این نظریه (قدرت سیاسی بلاواسطه، غیرشخصی یا گروهی) را مردم شناسان بر پایه‌ی نمونه‌های مردمان بدوی در استرالیا، آفریقا، آمریکای جنوبی و همچنین بر پایه‌ی مدارک و اسناد تاریخی، بنیان نهاده‌اند.

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، صص ۸۵-۸۴

مشروعیت و حقانیت سیاسی چه نتایج و پیامدهایی را برای نظام سیاسی در بردارد؟ (سراسری ۷۷)

الف - مشروعیت موجب ثبات سیاسی و امکان دگرگونیهای تدریجی را فراهم می سازد.

ب- مشروعیت موجب توسعه قدرت اخذ تصمیمات توسط مسئولین سیاسی و نیز تهدید آنها در چارچوبهای معین می شود.

پ - بندهای (۱) و (۲) صحیح است.

ت - مشروعیت سیاسی موجب توسعهی اقتصادی و نوسازی می شود.

گزینه (پ) صحیح است.

مشروعیت سیاسی به باور شهروندان در خصوص بر حق بودن نظام سیاسی مربوط است که این امر می‌تواند موجب ثبات سیاسی و افزایش قدرت مسئولین سیاسی در اخذ تصمیمات شود. به عبارت دیگر مشروعیت سیاسی به نوع رابطه‌ی بین حکومت شونده‌گان و حکومت کنندگان مربوط است، بنابراین ارتباط مستقیمی با توسعه‌ی اقتصادی و نوسازی ندارد.

اقتدار کاریزمایی ناشی از کدام ویژگی است؟ (سراسری ۷۸)

الف - مذهبی

ب - موقعیتی

پ - علمی

ت - شخصی

گزینه (ت) صحیح است.

به گفته‌ی ماکس وبر، اقتدار فره‌ی (کاریزماتیک) بر قهرمان‌پروری مقدس، ویژه و استثنایی یا بر خصلت و صفت ستوده‌ی یک شخص متکی است.

کدام گزینه برای تعریف سیاست از جامعیت
برخوردار است؟ (سراسری ۷۸)

الف - پیگیری منافع عمومی

ب - سلسله عملیاتی که از طریق آنها
خطمشی‌ها و رویه‌ها برای اجتماع طرح‌ریزی و
اجرا می‌گردند

پ - مجموعه افعال و عملیات دولت

ت - مجموعه تلاش‌ها و فعالیت‌ها برای کسب
قدرت

گزینه (ب) صحیح است.

گزینه "پ" سیاست را محدود در افعال دولت کرده است در حالی که سیاست اعم از دولت است. گزینه "ت" نیز کارویژه خاص احزاب را بیان کرده است، این در حالی است که حزب سیاسی بخش کوچکی از فعالیت‌های سیاسی را عهده‌دار است. پیگیری منافع عمومی در گزینه "الف" نیز جامعیت ندارد، زیرا صرفاً یکی از اهداف دولت را بیان کرده است. جامعیت گزینه "ب" بیشتر از دیگر گزینه‌هاست زیرا سیاست مقوله‌ای اجتماعی است و برای اداره‌ی جامعه طرح ارائه می‌دهد.

(در اینگونه تست‌ها از منابع مشخصی استفاده نشده است، بنابراین پاسخ دادن به آنها نیازمند تحلیل و یافتن گزینه‌های نادرست است!!)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۳۲-۲۱

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، صص ۳۲-۶

جنگال‌گرایی مطبوعات و رسانه‌ها موجب تقویت
و تشدید چه نوع قدرتی در جامعه
می‌شود؟ (سراسری ۷۸)

الف - اجتماعی و بلاواسطه

ب - سازمانی

پ - شخصی

ت - هنجاری

گزینه (پ) صحیح است.

شخصیت‌های سیاسی از مطبوعات و رسانه‌های
جمعی به منظور شخصی کردن قدرت استفاده
می‌کنند.

«اصول علم سیاست» موریس دوورژه، صص ۱۸۵-۱۸۶

استراتژی پنهانکاری به کدام معنی است؟ (سراسری ۷۸)

الف - پنهان نمودن مبارزات سیاسی در پشت فعالیتهای

غیرسیاسی نظیر انجمن‌های ادبی، فلسفی و ورزشی

ب - پنهان نمودن و اختفای روش‌ها و اهداف و سلاح‌های

مبارزه

پ - پنهان نمودن اهداف و انگیزه‌های اقدام سیاسی در پشت

نقاب هدف ماندها و انگیزه ماندهایی که بیشتر مردم‌پسندند

ت - مبارزه پوشیده و زیر زمینی

گزینه (پ) صحیح است

«پنهانکاری عبارتست از مخفی کردن هدفها و انگیزه‌های اقدام سیاسی در پشت نقاب هدف گونه‌ها و انگیزه‌ماندهایی که بیشتر مورد پسند مردماند و لذا از پشتیبانی افکار عمومی بهره‌مند می‌باشند»

ابه عنوان مثال تولیدکنندگان سلاح‌های نظامی در بوق جنگ با تروریسم که هدفی عامه‌پسند است، می‌دمند، در حالی که از این طریق هدف اصلی و پنهان خود که همان فروش سلاح‌های نظامی است را دنبال می‌کنند]

«اصول علم سیاست» موریس دوورژه، ص ۳۵

رابطه منابع قدرت با مشروعیت آن چیست؟
(سراسری ۷۸)

- الف - بعضی از منابع قطعاً به مشروعیت قدرت
منتهی می‌شوند
- ب - بعضی از منابع قدرت لزوماً به قدرت
نامشروع منتهی می‌شوند
- پ - رابطه‌ای وجود ندارد
- ت - فقط منابع هنجاری منتهی به مشروعیت
قدرت می‌گردند

گزینه (پ) صحیح است.

مشروعیت باوری است که مردم را به قبول آنچه از نظر اخلاقی برای مقامات رسمی و رهبران حکومت بحق و درست است تا قواعد الزام آور را اعلام بکنند، هدایت می کند.
(مشروعیت به باور و اعتقاد مردم مربوط است اما قدرت نوعی تحمیل اراده بدون توجه به خواسته طرف مقابل است)

رابطه‌ی حقوق با قدرت چیست؟

(سراسری ۷۸)

- الف - حقوق و قدرت رابطه ندارند.
- ب - حقوق همواره تابع قدرت است.
- پ - حقوق قدرت را سازمانی و تعریف می‌نماید.
- ت - قدرت همواره از حقوق ناشی می‌شود.

گزینه (پ) صحیح است.

حقوق یکی از راههای مشروع کردن قدرت است.
حقوق موضوعه ابزار قدرت حاکم است ولی حقوق
طبیعی محدود کننده‌ی قدرت حاکم است.
بنابراین حقوق (طبیعی و موضوعه) چهارچوب
قدرت را تعریف می‌کند.

از نظر موریس دوورژه سیاست چیست؟

(سراسری ۷۸)

الف - فن

ب - علم

پ - هم فن و هم هنر

ت - هم علم هم فن

گزینه (ت) صحیح است.

موریس دوورژه تلفیق اصل «فن و عمل» با «علم» را ماهیت سیاست می‌داند.

«اصول علم سیاست» موریس دوورژه، صص ۱۱-۱۳

اقتدار فرهی (کاریزماتیک): (سراسری ۷۹)

الف - اقتدار ناشی از خداوند است.

ب - اقتدار مبتنی بر عرف و سنت است.

پ - اقتدار برآمده از صفات ویژه رهبر است.

ت - اقتدار بر پایه شخصیت، دانش و تخصص اوست.

گزينه (پ) صحيح است.

وقتي حق فرمانروايي از پويائيها و صفات ويژه‌ي
رهبر سياسي برآيد، آن را اقتدار فره‌ي
(كاريزماتيک) مي‌خوانند.

«بنيادهاي علم سياست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۲

مهمترین ابزار **اقتدار** کدام است؟ (سراسری ۷۹)

الف - سياست

ب - قدرت

پ - مشروعيت

ت - وضع و لغو قوانين

گزینه (پ) صحیح است.
قدرت، نفوذ و اقتدار تنها در صورت مشروع بودن
ممکن است موثر باشند. بنابراین مشروعیت
ابزاری است برای تأثیرگذاری اقتدار.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۱۰۵-۱۰۴

رابطه‌ی صحیح بین قدرت و نفوذ کدام است؟

(سراسری ۷۹)

الف - قدرت در برگیرنده نفوذ هم هست

ب - قدرت و نفوذ یکی هستند

پ - نفوذ در برگیرنده‌ی قدرت است

ت - قدرت و نفوذ دو مقوله‌ی جدا از هم هستند

گزینه (الف) صحیح است.

قدرت می‌تواند دربرگیرنده‌ی نفوذ باشد ولی وارونه‌ی آن تقریباً شدنی نیست، یعنی نفوذ پاره‌ای از قدرت می‌تواند باشد ولی قدرت نمی‌تواند پاره‌ای از نفوذ باشد.

(به عبارت دیگر مفهوم قدرت عام‌تر و کلی‌تر از مفهوم نفوذ است)

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، صص ۷۴-۷۲

کدام نویسنده موضوع اول علم سياست را **منازعه**
می‌داند؟ (سراسری ۸۰)

الف - هارولد لاسول

ب - هارولد لاسکی

پ - موريس دوورژه

ت - مک آیور

گزینه (پ) صحیح است.

لاسل موضوع اول علم سیاست را **قدرت** می‌داند.

لاسکی بررسی **نهادهای رسمی کشور و دولت** را موضوع اصلی سیاست می‌داند.

مک آیور، حکومت را مرکز ثقل سیاست می‌داند.
بنابراین گزینه های ۱، ۲ و ۴ اشتباه می‌باشند.

کدام یک از منابع و عوامل قدرت ذاتی نیوده و مشتق است؟ (سراسری ۸۰)

الف - شخصیت

ب - هنجارها

پ - ثروت و مالکیت

ت - سلاح‌های فیزیکی

گزینه (ب) صحیح است.

ثروت ارضی، تجاری و صنعتی، تعلق به **شئون اجتماعی** نیرومندی مثل روحانیت، اشرافیت و **ارتش** و داشتن تکیه گاههای سازمانی مثلاً در گروههای ذینفوذ و احزاب سیاسی، مبانی اصل کسب قدرت سیاسی به شمار می‌روند.

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۲۲

تفاوت میان دو «قدرت حقانی یا اقتدار» با «قدرت الزامی یا زور» از لحاظ منابع، کدام است؟ (سراسری ۸۰)

الف - قدرت حقانی قدرتی مشروع است ولی قدرت الزامی قدرتی نامشروع است.

ب - قدرت حقانی دارای منابع اقتصادی است ولی قدرت الزامی دارای منابع شخصی است.

پ - هیچ تفاوتی میان قدرت حقانی و قدرت الزامی از لحاظ منابع وجود ندارد.

ت - قدرت الزامی ناشی از سلاح های فیزیکی است ولی قدرت حقانی ناشی از هنجارهای اجتماعی می باشد.

گزینه (پ) صحیح است.

از لحاظ منابع، تفاوتی میان قدرت حقانی یا اقتدار و قدرت الزامی یا زور وجود ندارد. تفاوت این دو در زمینه چگونگی به کارگیری منابع است.

ابه عنوان مثال ارتش هم در قدرت حقانی و هم در قدرت الزامی وجود دارد (تشابه در منابع قدرت) اما در قدرت حقانی ارتش برای دفاع از مردم در برابر دشمن خارجی استفاده می شود ولی در قدرت الزامی از ارتش برای سرکوب خود مردم استفاده می شود (تفاوت در چگونگی بکارگیری منابع قدرت)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۱۰۴-۸۸

کدام عامل افزون بر حفظ روابط طبقاتی خاص در جامعه، خود باز تولیدی از این روابط است و در راه تثبیت و تحکیم آن به کار می‌رود؟

(سراسری ۸۰)

الف - حزب سیاسی

ب - جامعه‌پذیری

پ - فرهنگ سیاسی

ت - قوای حکومت

گزینه (ب) صحیح است.
جامعه‌پذیری سیاسی علاوه بر اعتقاد به حفظ روابط طبقاتی خاص، خود بازتولیدی از این روابط است و در راه تثبیت و تحکیم آن می‌کوشد.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۹

قدرت اصولاً است.

(سراسری ۸۰)

الف - کمی

ب - نسبی

پ - مطلق

ت - نفوذ

گزینه (ب) صحیح است.

قدرت نسبی و وابسته به موقعیت است. قدرت
مطلق نیست، نسبی است. **رابطه‌ی قدرت با
گذشت زمان هم دگرگون می‌شود.**

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۱

کدام مفهوم به معنای «توانایی ایجاد و حفظ این اعتقاد است که نظام سیاسی موجود در یک جامعه برای آن مناسب است»؟
(سراسری ۸۰)

الف - مشروعیت ب - دموکراسی
پ - ایدئولوژی ت - قدرت و نفوذ

گزینه (الف) صحیح است.

مشروعیت به معنی توانایی ایجاد و حفظ این
اعتقاد است که نظام سیاسی موجود برای جامعه
مناسب است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۷

به نظر بیشتر سیاست شناسان مهمترین عنصر
تعیین و اجرای سیاست، است.

(سراسری ۸۱)

الف - قدرت

ب - کارگزاریهای سیاسی

پ - واقع گرایی سیاسی

ت - توزیع ارزشهای سیاسی

گزینه (الف) صحیح است.

مهمترین عنصر تعیین و اجرای سیاست، **قدرت** است و شناخت آن وظیفه‌ی اصلی و اولیه علم است.



«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۹

مردم کدام کشور دارای فرهنگ سياسی همگن
می‌باشند؟ (سراسری ۸۱)

الف - چين

ب - ايتاليا

پ - انگلستان

ت - فرانسه

گزینه (پ) صحیح است.

فرهنگ سیاسی همگن در جامعه‌ای وجود دارد
که در آن مردم در مورد هدفها و ابزارهای دست
یافتن به آنها نظرات سیاسی یکسانی دارند؛ مانند
انگلستان و آمریکا.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۶

کدام مورد **شاخصه منفی توسعه** محسوب می‌شود؟ (سراسری ۸۱)

الف - حسابگری فزاینده‌ی گروههای خودمختار

ب - آزادی مطبوعات

پ - نیروهای مسلح غیرسیاسی

ت - پراکندگی احزاب سیاسی

گزینه (ت) صحیح است.

پراکندگی احزاب سیاسی شاخصه منفی توسعه
محسوب می‌شود.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۲۸

به عقیده‌ی **ماکس وبر** منابع اقتدار کدامند؟

(سراسری ۸۱)

الف - سنتی، قانونی - عقلایی، فرهی

ب - سرزمینی، قانونی، فرهی

پ - ایدئولوژیکی، فرهی، ملی

ت - سنتی، کاریزماتیک، ایدئولوژیکی

گزینه (الف) صحیح است.

به عقیده‌ی ماکس وبر اقتدار سه منبع دارد:

۱- سنتی ۲- قانونی- عقلایی ۳- فرهی

۱. وقتی کاربرد مستمر قدرت سیاسی یا اعمال آن بر پایه‌ی عرف و سنت‌ها، پذیرفته و به پیدایش حق فرمانروایی منجر شده باشد، آن را **اقتدار سنتی** می‌نامند.

۲. وقتی حق فرمانروایی از قواعد تاسیسی یا قوانین جامعه برآمده باشد، آنرا **اقتدار قانونی- عقلایی** می‌نامند.

۳. وقتی حق فرمانروایی از پویاییها و صفات ویژه‌ی رهبر سیاسی برآید، آنرا **اقتدار فرهی** (کارزماتیک) می‌خوانند.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۱۰۲-۱۰۱

اینکه توسعه سیاسی دارای سه ویژگی «برابری،
ظرفیت و تغییر تدریجی است» از کیست؟
(سراسری ۸۱)

الف - آلموند

ب - هانتینگتون

پ - لوسین پای

ت - بایندر

گزینه (پ) صحیح است.

لوسین پای سه ویژگی را برای مفهوم توسعه‌ی سیاسی مشخص می‌کند: ۱- برابری ۲- ظرفیت ۳- تغییر تدریجی.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۱۲۶-۱۲۵

کدام عنصر از منابع محسوس قدرت محسوب
نمی‌گردد؟ (سراسری ۸۱)

الف - جغرافيا

ب - کيفيت رهبري

پ - توان نظامي

ت - جمعيت

گزینه (ب) صحیح است.

منابع محسوس قدرت دولت عبارتند از:

- ۱- جغرافیا ۲- وسعت سرزمین ۳- منابع ملی ۴- توان نظامی ۵- توان اقتصادی ۶- جمعیت.

منابع نامحسوس قدرت عبارتند از:

- ۱- کیفیت رهبری و حکومت ملی ۲- اراده ی تخصیص منابع برای دست یافتن به هدفهای ملی ۳- روحیه، انضباط، لیاقت و کیفیت نیروهای مسلح ۴- توان بالقوه ی اتحاد دولت ۵- سطح آگاهی سیاسی در میان مردم.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۹۴-۹۳

چه چیزی جنبه‌ی نافذ، قاطع و حساس
سياست به شمار می‌رود؟ (سراسری ۸۲)

الف - حکومت

ب - رهبری

پ - قدرت

ت - ایدئولوژی

گزینه (ت) صحیح است.

ایدئولوژی جنبه‌ی بسیار حساس و قاطع سیاست است و از فهم واقعیت، تطابق تصور با واقعیت و از ارزشگذاری بر واقعیت برآمده، به مثابه‌ی نوعی نقشه برای گزینش روش و تفسیر سیاست عمل می‌کند.

اگر درون نهادها و ساختارها توانایی نفوذگذاری
شخص را موقعیت قانونی او تعیین کند، این
شخص از چه چیزی برخوردار است؟

(سراسری ۸۲)

الف - اقتدار	ب - قدرت
پ - حمایت قانون	ت - موقعیت رسمی

گزینه (الف) صحیح است.

اقتدار، سازمان یافته و ساختاری شده است. افراد تا زمانی می توانند اعمال قدرت کنند یا از آنها اطاعت شود که در آن ساختار حضور داشته باشند.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۱

منابع مشروعيت از نظر ماکس وېر کدام دسته از
منابع زیر می باشد؟ (سراسری ۸۲)

الف- قدرت - قانون - کاریزما

ب - سنت - نفوذ - اقتدار

پ - زور - اقتدار - قانون

ت - سنت - قانون - صفات ویژه شخصی

گزینه (ت) صحیح است.

به عقیده‌ی **ماکس وبر** مشروعیت سه منشأ دارد:

۱- سنت ۲- صفات شخصی ویژه ۳- قانون

۱. **سنت**: مشروعیت متکی بر اعتقاد گسترده به سنتهای دیرین و بر نیاز به اطاعت از رهبرانی است که طبق سنتها اعمال اقتدار می‌کنند.

۲. **صفات شخصی ویژه**: مشروعیت مبتنی بر "خواخواهی از تقدس ویژه و استثنایی یا خصلت قابل ستایش یک شخص" است.

۳. **قانونیت**: مشروعیت ممکن است بر این باور متکی باشد که قدرت بنا به قانون واگذار شده است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۷

نفوذ بیشتر پدیده‌ای است:
(سراسری ۸۲)

الف - روانی

ب - جسمانی

پ - عقلانی

ت - اعتقادی - عقلانی

گزینه (الف) صحیح است.

در نفوذ عامل «معنوی» نیرومندتر از «زور و فشار»های مادی است. اصولاً نفوذ به دنبال تأثیرگذاری بر ذهنیت طرف نفوذ می‌باشد.

«میانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۷۷-۷۲

سیاست از نظر دیوید استیون عبارتست از:
(سراسری ۸۳)

- الف - توزیع آمرانه ارزش‌ها
- ب - حکومت کردن بر انسان‌ها
- پ - مبارزه برای دستیابی به قدرت
- ت - حل مسالمت‌آمیز اختلافات

گزینه (الف) صحیح است.

سیاست «توزیع آمرانه‌ی ارزشهاست»
(این تعریف به دیوید استیون تعلق دارد که
انتزاعی‌ترین مفهوم سیاست است)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۳۰

«مجموعه ادراکات، احساسات و ارزیابی‌های شهروندان نسبت به نظام سیاسی خود» تعریف کدامیک از مفاهیم زیر است؟ (سراسری ۸۳)

الف - فرهنگ سیاسی

ب - مشارکت سیاسی

پ - ارتباطات سیاسی

ت - جامعه‌پذیری سیاسی

گزینه (الف) صحیح است.

اجزای فرهنگ سیاسی عبارت اند از: ارزشها،
باورها، و ایستارهای احساسی مردم نسبت به نظام
سیاسی خودشان.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۱۱۴-۱۱۳

.....از منابع محسوس قدرت محسوب
می‌شود. (سراسری ۸۳)

الف - کیفیت رهبری

ب - وسعت سرزمین

پ - توان بالقوه اتحاد ملت

ت - روحیه و انضباط نیروهای مسلح

گزینه (ب) صحیح است.

منابع محسوس قدرت دولتی را می‌توان براحتی از لحاظ کمی بررسی یا با واژه‌های مشخص بیان کرد. این منابع عبارتند از: جغرافیا، وسعت سرزمین، منابع ملی، توان اقتصادی، توان نظامی، جمعیت.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۹۴-۹۳

سه نوع مشروعیت از نظر دیوید ایستون
عبارتند از: (سراسری ۸۳)

الف - سنتی - تجربی - روشی

ب - دینی - فلسفی - حقوقی

پ - سنتی - فرهی - قانونی

ت - ایدئولوژیک - ساختاری - شخصی

گزینه (ت) صحیح است.

از نظر دیوید ایستون سه نوع مشروعیت عبارتند از: ۱- مشروعیت ایدئولوژیک ۲- مشروعیت ساختاری ۳- مشروعیت شخصی.

۱. **مشروعیت ایدئولوژیک:** وقتی که منبع مشروعیت ایدئولوژی حاکم بر جامعه باشد، آنرا مشروعیت ایدئولوژیک می‌نامند.
۲. **مشروعیت ساختاری:** هرگاه اعتبار ساختارها و هنجارهای رژیم پذیرفته شود، مشروعیت ساختاری بوجود می‌آید.
۳. **مشروعیت شخصی:** اگر رهبران شخصیت و رفتار برجسته‌ای داشته باشند و اگر مردم آنها را قابل اعتماد و علاقه‌مند و متوجه به مسائل خود بدانند، مشروعیت شخصی ایجاد می‌شود.

در کدام کشور فرهنگ سياسی همگن وجود دارد؟ (سراسری ۸۳)

الف - چين

ب - فرانسه

پ - آمريکا

ت - ايتاليا

گزینه (پ) صحیح است.

این نوع فرهنگ در جامعه‌ای وجود دارد که در آن مردم در مورد هدفها و ابزارهای دست یافتن به آنها نظرات یکسانی دارند. رهبران سیاسی گوناگون هم ایدئولوژی یکسانی دارند؛ مانند آمریکا و انگلستان.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۶

از منابع نامحسوس قدرت، است.

(سراسری ۸۳)

الف - جمعيت

ب - منابع ملی

پ - توان نظامی

ت - سطح آگاهی سیاسی در میان مردم

گزینه (ت) صحیح است.

منابع نامحسوس قدرت دولتی عبارتند از:

۱- کیفیت رهبری و حکومت ملی

۲- اراده‌ی تخصیص منابع به دست یافتن بر هدفهای ملی

۳- روحیه، انضباط، لیاقت و کیفیت نیروهای مسلح

۴- توان بالقوه‌ی اتحاد دولت

۵- سطح آگاهی سیاسی مردم

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۹۵-۹۴

وجود ضرورت دارد تا حکومت‌ها از
مشروعيت برخوردار شوند. (سراسری ۸۳)

الف - قدرت سياسي

ب - رضایت مردم

پ - قانون اساسی

ت - انتخابات ادواری

گزينه (ب) صحيح است.

پذيرش يا فرمان‌بري آگاهانه و داوطلبانه‌ي مردم
از نظام سياسي و قدرت حاکم را در اصطلاح
سياسي مشروعيت مي‌گویند. بنابراین رضایت
مردم شرط وجودی مشروعیت حکومت است.

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۲۴۴

دانشمندان توسعه سیاسی معتقدند درک درست و عملی شدن واقعی توسعه سیاسی در جامعه به بررسی و شناخت دقیق آن بستگی دارد:

(سراسری ۸۳)

الف - فرهنگ سیاسی

ب - توسعه اقتصادی

پ - ایدئولوژی سیاسی

ت - عملکرد نیروهای اقتصادی

گزینه (الف) صحیح است.

دانشمندان توسعه سیاسی تشخیص داده‌اند که نمی‌توانند پدیده‌ی توسعه‌ی سیاسی را در کشوری توضیح دهند مگر آنکه فرهنگ سیاسی آن کشور را بررسی کنند.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۱۶

تغییر هویت ملی به هویت اجتماعی و تغییر
مشارکت سیاسی از نخبه به توده از پیامدهای
چیست؟ (سراسری ۸۳)

الف - بحران سیاسی

ب - توسعه سیاسی

پ - از بین رفتن مشروعیت

ت - انقلاب اجتماعی - سیاسی

گزینه (ب) صحیح است.

لئونارد بیندر، تغییر هویت محلی به هویت اجتماعی و تغییر مشارکت سیاسی از نخبه به توده را از آثار و پیامدهای توسعه سیاسی می‌داند.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۲۶

یکی از شاخصه‌های منفی توسعه سیاسی،
..... می‌باشد. (سراسری ۸۴)

الف - آزادی مطبوعات

ب - یکپارچگی ملی

پ - سیاسی شدن نیروهای مسلح

ت - تمرکززدایی سیاسی و اداری

گزینه (پ) صحیح است.

سیاسی شدن نیروهای مسلح، شاخص منفی توسعه سیاسی محسوب می‌شود.
آزادی مطبوعات، یکپارچگی ملی و تمرکز زدایی سیاسی و اداری شاخصه‌های مثبت توسعه محسوب می‌شوند.

منظور از تشبیه سیاست به ژانوس، تبیین
..... است. (سراسری ۸۴)

الف - سیاست در روم

ب - سیاست در اندیشه یونانی

پ - دوگانگی ماهوی سیاست

ت - رابطه دین و سیاست

گزینه (پ) صحیح است.

سیاست از نظر موریس دوورژه، ژانوس
دوچهره‌ای است که یک چهره آن **تضاد** و
چهره‌ی دیگر آن **همگونی** است.

«اصول علم سیاست» موریس دوورژه، صص ۵۵-۵۱

کدام یک از اشکال زیر **قدرت نهادینه** است؟

(سراسری ۸۴)

الف - قدرت فرهنگی

ب - قدرت اقتصادی

پ - قدرت الزامی

ت - قدرت سازمانی

گزينه (ت) صحيح است.

مفهوم نهادی شدن قدرت سیاسی این است که قدرتی را که کس یا کسان در جامعه دارند به یاری مقررات حقوقی به «سازمان» منتقل می‌گردد که در اصطلاح حقوقی «شخص حقوقی» نامیده می‌شود.

«مبانی سياست» عبدالحمیدابوالحمد، صص ۹۸-۹۵

کدام شاخص از جنبه‌های مثبت توسعه
سیاسی محسوب می‌شود؟ (سراسری ۸۵)

الف - سیاسی شدن نیروهای مسلح

ب - تمرکززدایی سیاسی و اداری

پ - یکپارچگی ساخت دولت

ت - کاهش حوزه نفوذ دولت

گزینه (ب) صحیح است.

تمرکززدایی سیاسی و اداری جزو شاخصه‌های
مثبت توسعه سیاسی محسوب می‌گردد.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۱۲۸-۱۲۷

کدام عنصر از منابع نامحسوس قدرت محسوب می‌شود؟ (سراسری ۸۵)

الف - جمعیت

ب - توان اقتصادی

پ - کیفیت رهبری

ت - وسعت سرزمین

گزینه (پ) صحیح است.

کیفیت رهبری و حکومت ملی جزو منابع نامحسوس قدرت دولت می‌باشند.
(جمعیت، توان اقتصادی و وسعت سرزمین چون از لحاظ کمیت قابل اندازه گیری و سنجش هستند در زمره‌ی منابع محسوس قدرت قرار می‌گیرند)

ارزش‌ها، باورها و ایستارهای احساسی مردم
نسبت به نظام سیاسی خودشان، اجزای چیست؟
(سراسری ۸۵)

الف - ایدئولوژی سیاسی

ب - جامعه پذیری سیاسی

پ - روان شناسی سیاسی

ت - فرهنگ سیاسی

گزینه (ت) صحیح است.

اجزای فرهنگ سیاسی عبارتند از: ارزشها، باورها
و ایستارهای احساسی مردم نسبت به نظام
سیاسی خودشان.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۱۱۴-۱۱۳

در کدام قدرت، ابعاد دينی، نظامی، اقتصادی و
سیاسی توسعه اتباع آن تمیيز داده نمی‌شود؟
(سراسری ۸۵)

الف - بلاواسطه

ب - کاریزماتیک

پ - منفرد

ت - نهادیافته

گزینه (پ) صحیح است.

در قدرت منفرد یا فردی شده، ابعاد دینی، نظامی، اقتصادی و سیاسی توسط اتباع آن تمییز داده نمی‌شود.
(به دلیل اینکه قدرت در اختیار یک فرد است نمی‌توان ابعاد و جنبه‌های مختلف آنرا تفکیک کرد)

نهادی شدن قدرت سیاسی به کدام صورت انجام می‌پذیرد؟ (سراسری ۸۵)

الف - به صورت انتزاعی

ب - از طریق عمل حقوقی

پ - در جریان تحولات تاریخی

ت - از طریق فرآیند جامعه‌پذیری

گزینه (ب) صحیح است.

مفهوم نهادی شدن قدرت سیاسی این است که قدرتی را که کس یا کسان در جامعه دارند به یاری مقررات حقوقی به «سازمان» منتقل می‌گردد که در اصطلاح حقوقی «شخص حقوقی» نامیده می‌شود.

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۹۶

از خصوصیات مشترک هر دو نوع **قدرت تنبیهی**
و **تشویقی** این است که فردی که به اطاعت وارد
شده: (سراسری ۸۵)

الف - تحت تأثیر اعتقادات و عقلانیت آن را
می پذیرد.

ب - تحت تأثیر احساسات آن را می پذیرد.

پ - از علت اطاعت خود آگاهی دارد.

ت - به علت اعتقادات خود آن را می پذیرد.

گزینه (پ) صحیح است.

قدرت تنبیهی برای به دست آوردن رضایت ابزار جسمی به کار می‌برد یا تهدید به استفاده از آن می‌کند. قدرت مبتنی بر پاداش، پاداش‌های مادی را به کار می‌برد. در هر دو نوع قدرت، فردی که به اطاعت وادار شده از علت اطاعت خود آگاهی دارد.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۹۸-۹۷

عادی‌ترین منبع مشروعیت سیاسی در جوامع
معاصر کدام است؟ (سراسری ۸۶)

الف - ایدئولوژی سیاسی

ب - احزاب سیاسی

پ - اراده الهی

ت - اراده مردم

گزینه (ت) صحیح است.

در عصر حاضر، **رضایت مردم** پایه و اساس
فرمانروایی مشروع دانسته شده است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۱۰۷-۱۰۵

نفوذ سیاسی دارای کدام ویژگی‌هاست؟

(سراسری ۸۷)

الف - ضمانت اجرای مبهمی داشته و از مفهوم اقتدار ضعیف‌تر است.

ب - ضمانت اجرای قانونی ندارد و ضعیف‌تر از مفهوم قدرت است.

پ - دارای درجات شدت و ضعف و برخورداری از ضمانت اجرای قانونی است.

ت - از مفهوم قدرت و اقتدار قوی‌تر است و معمولاً در پشت صحنه‌ی سیاست آشکار می‌شود.

گزینه (ب) صحیح است.

قدرت تغییرات دامنه‌دارتری ایجاد می‌کند، در دولت و نهادهای آن متمرکز است و دارای ضمانت اجراست، درحالی‌که نفوذ بوسیله‌ی نهادهای اجتماعی و غیردولتی هم اِعمال می‌شود، ضمانت اجرا ندارد و در درجه اول بر دیدگاه‌های طرف نفوذ تأثیر می‌گذارد.

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۳۷

کدام عبارت در خصوص رابطه بین دو مفهوم «قدرت» و «نفوذ»

صحیح می باشد؟ (سراسری ۸۷)

الف - قدرت در مقایسه با نفوذ تغییرات دامنۀ دارتری ایجاد می کند و دارای ضمانت اجراست.

ب - این دو مفهوم تقریباً مترادف اند و تفاوت معنی داری بین آن دو نیست.

پ - قدرت فراگیر و دارای خصلت انباشتی است در حالی که نفوذ محدود و پراکنده است.

ت - بر خلاف نفوذ، قدرت هم در نهادهای اجتماعی و غیر دولتی اعمال می شود و هم در دولت و نهادهای آن متمرکز است.

گزینه (الف) صحیح است.

قدرت تغییرات دامنهدارتری ایجاد می‌کند، در دولت و نهادهای آن متمرکز است و دارای ضمانت اجراست، درحالی‌که نفوذ به وسیله‌ی نهادهای اجتماعی و غیردولتی هم اعمال می‌شود، ضمانت اجرا ندارد، و در درجه اول بر دیدگاههای طرف نفوذ تأثیر می‌گذارد.

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۳۷

در برانگیختن مشارکت و فعالیت سیاسی مردم،
قدرت ایدئولوژی از چه نظر اهمیت دارد؟
(سراسری ۸۷)

الف - میزان طرفداری

ب - دلایل تجربی و منطقی

پ - توانایی الهام بخشی

ت - توان توجیه وضعیت

گزینه (پ) صحیح است.

ایدئولوژی، استدلالی ترغیبی برای برانگیختن فعالیت و مشارکت خلاق طرفداران است. اهمیت این ویژگی ایدئولوژی در آن است که قدرت نهایی یک ایدئولوژی، در دلایل تجربی یا منطقی آن نیست، بلکه در توانایی الهام بخشی آن و حمایت از عقیده و عمل است.

- از نظر دیوید ایستون در یک جامعه «مشروعیت ساختاری»
زمانی به وجود می آید که (سراسری ۸۷)
- الف - ساختارها و هنجارهای نظام سیاسی استقرار یابد و
تثبیت شود.
- ب - اعتبار ساختارها و هنجارهای نظام سیاسی از سوی مردم
پذیرفته شود.
- پ - مردم رهبران سیاسی را قابل اعتماد و علاقه مند و
متوجه به مسائل خود بدانند.
- ت - منبع مشروعیت، ایدئولوژی حاکم بر جامعه باشد و نظام
سیاسی در چشم مردم تجسم کمال مطلوبها تلقی شود.

گزینه (ب) صحیح است.

هر نظام سیاسی، اصولی در مورد واگذاری قدرت سیاسی و اعمال اقتدار دارد و بر پایه‌ی این اصول از مردم می‌خواهد اعتبار ساختارها و هنجارهای رژیم را بپذیرند. اگر اعتبار ساختارها و هنجارهای رژیم پذیرفته شود، **مشروعیت ساختاری** بوجود می‌آید.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۸

قدرت کاریزما بیشتر بر کدام عامل استوار است؟
(سراسری ۸۷)

الف - زور

ب - نفوذ

پ - قدرت

ت - اقتدار

گزینه (ب) صحیح است.

ارادت فرمانبران به کاریزما به دلیل صفات
خارق العاده‌ی شخصی کاریزماست. رهبر کاریزما
بر پیروان خود نفوذ زیاد دارد.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، مباحث مربوط به قدرت،

اقتدار و مشروعیت، صص ۸۸-۱۰۹

مشروعيت کدامیک از انواع قدرت کمتر است؟

(سراسری ۸۸)

الف - اقتدار

ب - اعتبار

پ - زور

ت - نفوذ

گزینه (پ) صحیح است.

عنصر «رضایت مردمی» پایه و اساس فرمانروایی مشروع است. در زور این عنصر اصلاً وجود ندارد، بنابراین زور مشروعیت ندارد.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۱۰۹-۱۰۵

در کدام مورد تغییر رفتار سیاسی-اجتماعی
افراد بر آمده از تشویق و ترغیب عقلانی یا قبول
متقابل مزیت‌های همکاری است؟
(سراسری ۸۸)

الف - اقتدار

ب - قدرت

پ - مشروعیت

ت - نفوذ

گزینه (ت) صحیح است.

یکی از شیوه‌های اعمال قدرت، ترغیب است. در این شیوه اعمال کننده‌ی قدرت یا نفوذ درباره‌ی موضوعی با فرد مورد نظر وارد بحث می‌شود تا او را به درستی و صحت یا مفید بودن نظر خود متقاعد کند. وقتی فرد مورد نظر متقاعد شد، دارنده‌ی قدرت به هدف خود می‌رسد و نفوذ می‌گذارد.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۹

هرگاه نظام سیاسی تجسم مقاصد، هدفها و کمال
مطلوب‌های مردم باشد، چه نوع مشروعیتی دارد؟
(سراسری ۸۸)

الف - شخصی

ب - دموکراتیک

پ - قانونی

ت - ایدئولوژیک

گزینه (ت) صحیح است.

وقتی که منبع مشروعیت ایدئولوژی حاکم بر جامعه باشد، آن را مشروعیت ایدئولوژیک گویند. نظام سیاسی در واقع تجسم کمال مطلوبها، هدفها و مقاصد است که اعضای جامعه را در تفسیر راه و توضیح حال کمک می‌کند و تصویری از آینده در ذهن آنها می‌آفریند.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۸

در شرایطی روابط قدرت، سیاسی است که
..... (سراسری ۸۸)

الف - ماهیت، پایه، عرصه و نتایج قدرت
هماهنگ باشد.

ب - نیروهای کنترل کننده دولت بر روابط قدرت
حاکم باشد.

پ - سازمان یافته باشد و این سازمان‌ها
مشروعیت داشته باشند.

ت - توانایی کارگزاران و نهادهای سیاسی در راه
تغییر اجتماع به کار رود.

گزینه (پ) صحیح است.

در شرایطی روابط قدرت، سیاسی است که قدرت
سازمان یافته باشد و این سازمان‌ها مشروعیت
داشته باشند.

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۳۵

چه چیزی می‌تواند کشاکش‌ها و تضادهای
سیاسی را بر پایه‌ی ارزش‌های پذیرفته شده حل
کند؟ (سراسری ۸۸)

الف - ایدئولوژی

ب - مشروعیت

پ - هماهنگی منافع

ت - قدرت و نفوذ

گزینه (الف) صحیح است.

ایدئولوژی‌ها توضیح‌دهنده و توجیه‌کننده توزیع خاص قدرت سیاسی‌اند، و هر جا ایدئولوژی باشد، کشاکش و تضاد سیاسی را می‌توان بر حسب ارزش‌های پذیرفته شده حل و رفع کرد.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۴

ایدئولوژی از نظر مارکس چه معنایی می‌داد؟

(سراسری ۸۸)

الف- مشروعیت قدرت یک طبقه را تضمین می‌کند.

ب- روند تولید فکر را در حد تولید مادی مهار می‌کند.

پ - اندیشه‌هایی که طبقه پرولتاریا را به انقلاب سوسیالیستی راهنمایی می‌کند.

ت - مجموعه اندیشه‌هایی که تضادهای همه‌ی جامعه‌های طبقاتی را پنهان می‌کند.

گزینه (ت) صحیح است.

کارکرد ایدئولوژی از نظر مارکس این است که تضادهای واقعی اجتماعی (تضادهای اقتصادی) را پنهان می‌سازد.

(به عبارت دیگر طبقه‌ی حاکم اقتصادی و سیاسی با استفاده از ایدئولوژی، استثمار خود نسبت به طبقات پایین را توجیه می‌کند یا پنهان می‌سازد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۸۸-۸۳

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، صص ۱۰۷-۱۰۴

کدامیک از شیوه‌های تبدیل قدرت به اقتدار
است؟ (سراسری ۸۸)

- الف - تبدیل رهبری کاریزمایی به رهبری
اقتدارگرا
- ب - انتقال قدرت از مردم به رهبران
- پ - پذیرش سنتها و قواعد جامعه
- ت - دموکراسی

گزینه (ت) صحیح است.

دموکراسی روش و شیوه‌ای برای تبدیل قدرت به اقتدار است.

(یعنی اینکه در دموکراسی به دلیل وجود رضایت مردمی، اقتدار که عنصر رضایت در آن قوی‌تر است، مشهودتر است)

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۴۱

اشکال تعریف دیوید ایستون از سیاست به صورت: «تخصیص اقتدارمندان به ارزش‌ها» در چیست؟

(سراسری ۸۹)

- الف - عملی نشدن سیاست در جامعه سیاسی
- ب - محدود نشدن سیاست به نهادهای حکومتی
- پ - درآمیختن سیاست با سیاستگذاری
- ت - مجاز دانستن تصمیم‌گیری عمومی توسط شخص یا نهاد

گزینه (ب) صحیح است.

توزیع اقتدارآمیز ارزش‌ها توسط حکومت انجام می‌شود، در حالی که سیاست محدود به حکومت نیست.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۲۶-۳۱

توانایی نظام سیاسی برای ارائه و حفظ این باور
که نهادهای سیاسی موجود در آن مناسب‌ترین
نهادهای هستند، چه چیزی برای آن به بار
می‌آورد؟ (سراسری ۸۹)

الف - مشروعیت

ب - اعتبار

پ - اقتدار

ت - احترام

گزینه (الف) صحیح است.

به عقیده‌ی لیپست، مشروعیت متضمن توانایی
نظام به ایجاد و حفظ این باور است که نهادهای
سیاسی موجود مناسب‌ترین نهاد برای جامعه
است.

الگوی ارتباطی ارزش‌ها و فرضیه‌هایی که از راه رشته نظام‌دار و هم‌پیوند از اندیشه‌ها درباره‌ی سازمان اجتماعی و سازمان اقتصادی - سیاسی جامعه، روابط سیاسی را پی‌بندی می‌کند، چیست؟ (سراسری ۸۹)

الف - توسعه سیاسی

ب - فرهنگ سیاسی

پ - تحرک سیاسی - اجتماعی

ت - ایدئولوژی سیاسی

گزينه (ت) صحيح است.

ايدئولوژی الگوی نظام‌دار اندیشه‌ی سياسی است. مهم‌ترين سيمای ايدئولوژی اين است که مانند نظريه، انتزاعی از واقعيت است و فقط عناصر اساسی‌تر واقعيت را توصيف می‌کند و توضيح و تغيير می‌دهد.

«بنیادهای علم سياست» عبدالرحمان عالم، ص ۸۶

ترکیبی از ساز و کارها، روندها، ارزش‌های فرهنگی، فناوریانه و زیبایی شناختی و جریان یافتن اطلاعات به طور رسمی یا غیر رسمی، آشکار یا پنهان، چه چیزی به وجود می‌آورد؟

(سراسری ۸۹)

الف - توسعه سیاسی

ب - فرهنگ سیاسی

پ - جامعه‌پذیری سیاسی

ت - نوسازی سیاسی

گزینه (پ) صحیح است.

جامعه‌پذیری سیاسی را می‌توان ترکیبی از مکانیسم‌ها، روندها و نهادهای گوناگون دانست که بوسیله‌ی آنها اعضای جامعه بتدریج از روابط قدرت طبقه‌ی حاکم در جامعه‌شان آگاهی و شناخت می‌یابند و الگوها را می‌پذیرند.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۱۱۹-۱۱۷

فرهنگ سیاسی محدود از مختصات کدام نظام

سیاسی است؟ (سراسری ۹۰)

الف - توتالیتار

ب - اقتدارگرا

پ - پاتریمونیال

ت - دموکراتیک

گزینه (پ) صحیح است.

فرهنگ سیاسی محدود، به کسانی مربوط است که از نظام سیاسی خود آگاهی چندانی ندارند یا اصلاً ندارند. فرهنگ سیاسی محدود را در هر جامعه‌ای می‌توان دید، اما در جامعه‌های سنتی (پاتریمونیال) و عقب‌مانده شمار آنها بیشتر است.

در سیاست:

(آزاد ۸۰)

الف - قدرت امری است کمی و قابل محاسبه با

عدد

ب - قدرت امری است اعتباری

پ - قدرت همیشه فردی است

ت - قدرت همیشه وجود دارد

گزینه (ب) صحیح است.

قدرت مبتنی بر روابط است. قدرت همیشه به روابط میان انسانها مربوط است. رابطه‌ی قدرت با گذشت زمان دگرگون می‌شود. [بنابراین قدرت رابطه‌ای اعتباری میان انسانها است]

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۹۱-۹۲

قدرت تام کدامیک از اشکال زیر است؟

(آزاد ۸۰)

الف - زور

ب - نفوذ

پ - اقتدار

ت - اعتبار

گزینه (پ) صحیح است.

[«زور» فاقد عنصر رضایت مردمی است، از سوی دیگر «نفوذ» و «اعتبار» نیز بیشتر به جنبه‌های روانی و معنوی قدرت توجه دارند، در صورتی که «اقتدار» هم جنبه‌های مادی و معنوی قدرت و هم عنصر رضایت مردمی را در خود دارد، بنابراین واجد خصیصه‌ی «قدرت تام» است.]

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، صص ۴۲-۴۰

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۱۰۴-۱۰۰

سیاست به کدامیک از مفاهیم زیر اطلاق
می‌شود؟ (آزاد ۸۱)

الف - علم و هنر

ب - علم و دانش

پ - فن و علم

ت - قدرت و فن

گزینه (پ) صحیح است.

تلفیق اصل « فن و عمل » با « علم » ماهیت
عملکرد سیاسی را مشخص می کند.

« اصول علم سیاست » موریس دوورژه، صص ۱۱-۱۳

علم خالص نتیجه: (آزاد ۸۱)

الف - استدلال عقلی است.

ب - مشاهده و استدلال است.

پ - مبتنی بر استدلال ریاضی است.

ت - مشاهده و آزمایش است.

گزینه (ت) صحیح است.

تعریف‌های علوم خالص هوده‌هایی است که با
مشاهده و آزمایش به دست می‌آید.

«میانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۱۰

قدرت نهادی شده کدامیک از مفاهیم زیر را در
برمی گیرد؟ (آزاد ۸۱)

الف - نفوذ

ب - زور

پ - اجبار

ت - اقتدار

گزینه (ت) صحیح است.

اغلب اقتدار را با قدرت مترادف می‌دانند، اما این دو متفاوت‌اند. به عقیده‌ی بسیاری از متفکران سیاسی، اقتدار، قدرت نهادی شده است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۶

مهمترین رکن سياست کدام است؟ (آزاد ۸۲)

الف - عدالت

ب - قدرت

پ - قوه اجرائيه

ت - قوای سه گانه

گزینه (ب) صحیح است.

مهمترین عنصر تعیین و اجرای سیاست قدرت است و شناخت آن وظیفه‌ی اصلی و اولیه علم است. قدرت هسته و مرکز ثقل سیاست را به وجود می‌آورد و همه کشاکشها در زندگی سیاسی به قدرت مربوط است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۲۹

مشروعیت در علم سیاست یعنی: (آزاد ۸۲)

- الف - سنخیت بین ارزش‌های هیأت حاکمه و جامعه بین المللی
- ب - حفظ سنت‌های دیرینه مرامی
- پ - قدرت برتر داخلی و رعایت قوانین بین‌المللی
- ت - سنخیت بین ارزش‌های مردم و هیأت حاکمه

گزینه (ت) صحیح است.

مشروعیت یک حکومت مبتنی بر رضایت مردم است. در صورتی که بین ارزش‌های مردم و حکومت سنخیت وجود داشته باشد، حکومت مشروع است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۱۰۷-۱۰۵

از نظر مارکسیست‌ها قدرت سیاسی مبتنی بر
کدام عامل زیر است؟ (آزاد ۸۲)

الف - اقتصادی

ب - فرهنگی

پ - اجتماعی

ت - پرولتاریا

گزینه (الف) صحیح است.

از دیدگاه مارکس اصل مالکیت خصوصی منشأ
کلیه‌ی تفاوت‌هایی است که جامعه را به
استثمارگر و استثمارشده تقسیم می‌کند. قدرت
سیاسی نیز مبتنی بر فاکتور اقتصادی است.

«اصول علم سیاست» موريس دوورژه، صص ۲۴-۲۷

کدامیک از گزینه‌های زیر از شاخصه‌های مثبت
توسعه بشمار نمی‌آید؟ (آزاد ۸۲)

الف- دنیایی کردن فرهنگ سیاسی

ب - متمرکز شدن اختیارات

پ - تمرکززدایی سیاسی و اداری

ت - نیروهای مسلح غیرسیاسی

گزینه (ب) صحیح است.

متمرکز شدن اختیارات، از شاخصه‌های منفی توسعه (فروپاشی سیاسی) محسوب می‌شود. دنیایی کردن فرهنگ سیاسی، تمرکز زدایی سیاسی و اداری و نیروهای مسلح غیرسیاسی از شاخصه‌های مثبت توسعه هستند.

کدامیک از اشکال قدرت در زیر مشروح تر است؟
(آزاد ۸۲)

الف - اعتبار

ب - اقتدار

پ - زور

ت - نفوذ

گزینه (ب) صحیح است.

اقتدار به معنای قدرت مشروع است؛ اقتدار را

قدرت مبتنی بر رضایت تلقی کرده‌اند.

[مسلماً زور نمی تواند مشروع باشد، زور در هر

حالتی نامشروع است. اعتبار و نفوذ نیز بیشتر بر

جنبه‌های روانی و غیررسمی قدرت تاکید دارند

که مشروعیت‌شان ثبات ندارد. اما اقتدار بر قدرت

مبتنی بر رضایت، قانونی و رسمی دلالت دارد.]

قدرت در علم سیاست: (آزاد ۸۳)

الف - رابطه بین قوه مجریه، قضاییه و مقننه است.

ب - مبتنی بر روابط است.

پ - فقط به دست قوه مجریه عمل می‌کند.

ت - در حیطه فرمانروایان است.

گزینه (ب) صحیح است.

قدرت مبتنی بر روابط است. قدرت همیشه به روابط میان انسانها مربوط است. به گفته لاسول قدرت رابطه‌ای میانفردی یا رابطه‌ای میان افراد است.

«قدرت نهادینه» یعنی: (آزاد ۸۳)

الف - اقتدار

ب - نفوذ

پ - اعتبار

ت - زور

گزینه (الف) صحیح است.

به عقیده‌ی بسیاری از متفکران سیاسی، اقتدار، قدرت نهادی شده است. در چنین حالتی قدرت وجود ندارد، بلکه حق آن نهاد برای اعمال قدرت وجود دارد.

مشروعیت در سیاست زمانی حاصل می شود که:
(آزاد ۸۳)

الف - نظام بین الملل آنرا بپذیرد.

ب - فرمانروایان، قدرت حفظ آنرا داشته باشند.

پ - بین توده و فرمانروا، سنخیت وجود داشته باشد.

ت - کشور دارای دو مجلس باشد.

گزینه (پ) صحیح است.

مشروعیت بنیاد قدرت حکومت است که از یک سو، حق فرمانروایی را به حکومت می‌دهد و از سوی دیگر، حکومت شונندگان را از چنین حقی آگاه می‌کند. بنابراین مشروعیت زمانی ایجاد می‌شود که بین فرمانروایان و حکومت شونندگان سنخیت وجود داشته باشد.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۱۰۷-۱۰۵

ماکس وبر کدامیک از منابع مشروعیت زیر را
تأیید می‌کند؟ (آزاد ۸۳)

الف - قدرت

ب - زور

پ - فرمان حاکم

ت - سنت

گزینه (ت) صحیح است.

به عقیده‌ی ماکس وبر مشروعیت سه منشأ دارد:
۱- سنت ۲- صفات شخصی ویژه ۳- قانونیت.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۷

کدامیک از نویسندگان سياسی زیر، سياست را
مبارزه می‌داند؟ (آزاد ۸۴)

الف - مک آيور

ب - مورگنتا

پ - هارولد لاسول

ت - شومپتر

گزینه (الف) صحیح است.

تعریفی که به عقیده‌ی مک آیور بیشتر مردم آمریکا از هر طبقه و صنفی به آن معتقداند عبارتست از: « سیاست علمی است که به ما می آموزد چه کسی می برد، کجا می برد، چگونه می برد، و چرا می برد؟ » اگر سیاست را مبارزه بدانیم « این تعریف در حد خود کامل است.

«میانی سیاست» عبدالحمیدابوالحمد، صص ۲۳-۲۲

کدامیک از نویسندگان زیر سياست را همگونگی
و قدرت می‌داند؟ (آزاد ۸۴)

الف - موريس دوورژه

ب - هارولد لاسکی

پ - ريمون آرون

ت - آگوست کنت

گزينه (الف) صحيح است.

به عقيد هـی موريس دوورژه، مظهر حقيقي دولت
مبارزه و همگونگی است، هميشه اين دو با يکديگر
همزيستی دارند.

«اصول علم سياست» موريس دوورژه، ص ۵۵

افلاطون و ماركس دليل منازعه را در جامعه
كدام عامل می دانند؟ (آزاد ۸۴)

الف - سياسی

ب - فرهنگی

پ - اقتصادی

ت - نژادی

گزینه (پ) صحیح است.

افلاطون علت اصلی منازعه سیاسی را در ندرت منابع مطلوب و یا در «**خیر محدود**» جستجو می کند. (اقتصادی)

مارکس و انگلس ریشه منازعات سیاسی و اجتماعی را در **مالکیت خصوصی و اختلاف منافع مادی میان طبقات** جستجو می کنند. (اقتصادی)

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، صص ۳۹-۴۰

کدامیک از عوامل زیر مشروعیتی بیشتر دارد؟

(آزاد ۸۴)

الف - نفوذ

ب - قدرت

پ - اقتدار

ت - زور

گزینه (پ) صحیح است.

اقتدار حق مشروع برای نفوذگذاری یا هدایت رفتار دیگران است. قدرت بر توان یا توانایی دلالت دارد، در حالی که اقتدار حق نفوذگذاری بر رفتار دیگران معنی می‌دهد.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۶

کدامیک از انواع قدرت در زیر مردمی تر است؟

(آزاد ۸۳)

الف - جمعی

ب - گروهی

پ - قانونی

ت - مشروع

گزینه (ت) صحیح است.

از نظر قانونی، قدرت به دو نوع مشروع و نامشروع تقسیم می شود؛ قدرت مشروع را جامعه می پذیرد (مردمی تر است) در حالی که قدرت نامشروع را جامعه نمی پذیرد.

(اصولا هرگاه نام "مشروع" برده شد منظور مردمی بودن، رضایت مردم و مورد تایید بودن حکومت توسط مردم است)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۷

پايه‌های قدرت کدامند؟ (آزاد ۸۴)

الف - زور، ايمان

ب - زور، نفوذ

پ - زور، اعتبار

ت - زور، اقتدار

گزینه (الف) صحیح است.

برای نگهداشت اقتدار یا اعمال قدرت زور خالص به کار نمی آید. حکومت یا رهبر برای دائمی کردن قدرت خود نیازمند برخورداری از ایمان عمومی است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۳

از نظر علم سیاست جدید در حفظ جامعه، کدام
عنصر موثرتر است؟ (آزاد ۸۵)

الف - نفوذ

ب - اعتبار

پ - اقتدار

ت - زور

گزینه (پ) صحیح است.

اقتدار به معنی قدرت مشروع است. اقتدار را قدرت مبتنی بر رضایت تلقی کرده اند. اقتدار عاملی است که به رهبر کمک می کند تا بتواند با کمترین استفاده از منابع حکومت کند.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۱۰۱-۱۰۰

سنگ محک مشروعیت حکومت کدام است؟

(آزاد ۸۵)

الف - حفظ مجالس مقننه

ب - تأیید فرمانروایان بوسیله فرمانبرداران

پ - انتخابات

ت - وجود قانون اساسی

گزینه (ب) صحیح است.

مشروعیت به رابطه‌ی بین فرمانروایان و فرمانبرداران مربوط است. هر گاه حکومت کنندگان مورد تأیید حکومت شوندگان باشند، حکومت مشروع است.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۱۰۹-۱۰۵

جامعه مدنی از نظر علمی نیاز به کدام نوع از

قدرت دارد؟ (آزاد ۸۵)

الف - رهبری کاریزما

ب - نفوذ هیأت حاکمه

پ - اقتدار

ت - قانون اساسی

گزینه (پ) صحیح است.

اقتدار، قدرت نهادی شده است. اقتدار جایگاه و موقعیت گروههای سازمانی را مشخص می کند، (وجود جامعه ی مدنی نیازمند گروههای سازمان یافته است، رشد و گسترش این گروهها نیز نیازمند اقتدار در حکومت(حکومت مشروع) است تا از فعالیت این گروهها نهراسد و به آنها اجازه ی فعالیت بدهد)

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۹۶

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، صص ۳۲۹-۳۲۴

مشروعیت حکومت در کدام یک از اشکال زیر

وجود دارد؟ (آزاد ۸۶)

الف - وجود و امکان صندوق های رأی گیری

ب - رابطه باز بین فرمانروایان و فرمانبرداران

پ - انتخابات

ت - وراثت در حکومت

گزینه (ب) صحیح است.

مشروع بودن، یکی و هماهنگ بودن قدرت و حاکمیت است با باورهایی که انبوه مردم - حکومت شوندگان - درباره‌ی نظریه‌ی قدرت و حاکمیت دارند.

«مبانی سیاست» عبدالحمید ابوالحمد، ص ۲۶۴

اقتدار یعنی قدرت: (آزاد ۸۶)

الف - نهاده‌ینه شده

ب - سنتی

پ - عالی

ت - حاکمیت

گزینه (الف) صحیح است.

به عقیده‌ی بسیاری از متفکران سیاسی، اقتدار، قدرت نهادی شده است. در چنین حالتی قدرت وجود ندارد، بلکه حق آن نهاد برای اعمال قدرت وجود دارد.

از دیدگاه مارکس عامل اصلی تحولات سياسی -
اجتماعی چیست؟ (آزاد ۸۶)

الف - فرهنگ

ب - مذهب

پ - سياست

ت - اقتصاد

گزینه (ت) صحیح است.

از دیدگاه مارکس و هوادارانش، اصل مالکیت خصوصی منشأ همه‌ی تفاوت‌هایی است که جامعه را به استثمارگر و استثمار شده تقسیم می‌کند. مارکس، اقتصاد را منشأ تمامی تحولات می‌داند.

جنبش کاریزما نتیجه کدام عامل زیر است؟

(آزاد ۸۶)

الف - عقلانیت

ب - رهبری سنتی

پ - احساسات و عواطف

ت - ناسیونالیسم

گزینه (پ) صحیح است.

اقتدار کاریزما ناشی از لطف و عطیه خارق العاده و شخصی است؛ ارادت مطلقاً شخصی و اعتماد شخصی نسبت به الهامات، خصال قهرمانی و دیگر ویژگیهای رهبری فردی است. (ارادت به کاریزما ناشی از احساسات و عواطف است)

«آموزش دانش سیاسی» حسین بشیریه، ص ۴۳

مشروعيت قدرت کجا است؟ (آزاد ۸۷)

الف - اقتدار

ب - زور

پ - اجبار

ت - اعتبار

گزینه (الف) صحیح است.

اقتدار به معنی قدرت مشروع است. اقتدار را قدرت
مبتنی بر رضایت تلقی کرده اند.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۰

نفوذ بيشتر در کدام يك از اشكال زير وجود دارد؟

(آزاد ۸۷)

الف - رهبري

ب - کاريزما

پ - منتخب ملت

ت - منتخب پارلمان

گزينه (ب) صحيح است.

از آنجا که رهبر کاريزما رابطه‌ی معنوی بيشتری با
پيروان خود دارد، نفوذ بيشتری هم بر آنها اعمال
می‌کند.

«مبانی سياست» عبدالحمید ابوالحمد، صص ۷۷-۷۱

مشروعيت کدام يك از انواع قدرت بيشتر است ؟

(آزاد ۸۸)

الف - اقتدار

ب - نفوذ

پ - اعتبار

ت - زور

گزینه (الف) صحیح است.

اقتدار به معنی قدرت مشروع است. اقتدار را قدرت
مبتنی بر رضایت تلقی کرده اند.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، ص ۱۰۰

ایدئولوژی به کدام یک از عناصر زیر شبیه‌تر است؟
(آزاد ۸۸)

الف - مذاهب

ب - فلسفه

پ - اندیشه

ت - نظریه

گزینه (الف) صحیح است.

ایدئولوژی متمایل است شخصی شود و مانند
اعتقاد دینی به یک باور مقدس بدل گردد. (بنابر این
ایدئولوژی به مذهب شبیه‌تر است)

ژانوس خدای دو چهره که دوورژه مطرح می‌کند،
مقصود چیست؟ (آزاد ۸۸)

الف - ایجاد قدرت و عدالت

ب - ایجاد قدرت و رفاه شهروندان

پ - قدرت و ظلم حاکم

ت - جدایی اخلاق از سیاست

گزینه (الف) صحیح است.

به گمان برخی از مردم، سیاست اساساً یک پیکار و مبارزه است و قدرت، افراد و گروههایی که آن را در دست دارند قادر می سازد تا سلطه‌ی خود را بر جامعه استوار نمایند. به نظر برخی دیگر، سیاست کوششی است به منظور استقرار نظم و عدالت.

نفوذ، کدامیک از اشکال زیر را می‌تواند باشد؟

(آزاد ۸۸)

الف - زور

ب - قدرت

پ - اقتدار

ت - اجبار

گزینه (پ) صحیح است.

اقتدار یکی از اشکال بسیار کارآمد نفوذ است و نه تنها مطمئن‌تر و پردوام‌تر از اجبار می باشد بلکه عاملی است که به رهبر کمک می‌کند تا بتواند با کمترین استفاده از منابع سیاسی براحتی حکومت کند. (در زور، قدرت و اجبار جنبه رضایت کم‌رنگ تر است. اما در نفوذ و اقتدار جنبه‌ی رضایت و مشروعیت پررنگ‌تر است)

مذهب به کدامیک از مکاتب‌های زیر نزدیک‌تر
است؟ (آزاد ۸۹)

الف - فلسفه

ب - اندیشه سیاسی

پ - نظریه و دکترین

ت - ایدئولوژی

گزینه (ت) صحیح است.

ایدئولوژی متمایل است شخصی شود و مانند یک اعتقاد دینی به یک باور مقدس بدل گردد. (مذهب به ایدئولوژی نزدیک تر است، زیرا هر دو باور دارند به حقیقتی راستین دست یافته اند که دیگران را باید بدان سوق دهند)

کدامیک از موارد زیر از سوی عالمان علم سیاست
به عنوان موضوع اصلی علم سیاست معرفی نشده
است؟ (آزاد ۹۰)

الف - قدرت

ب - پدیده‌های اجتماعی

پ - تصمیم‌گیری سیاسی

ت - اداره امور عمومی

گزینه (ب) صحیح است.

قدرت، تصمیم‌گیری سیاسی و اداره امور عمومی از موضوعات علم سیاست می‌باشند. اما تمامی پدیده‌های اجتماعی موضوع علم سیاست نمی‌باشند؛ صرفاً جنبه‌های سیاسی پدیده‌های اجتماعی موضوع علم سیاست قرار می‌گیرند.

«بنیادهای علم سیاست» عبدالرحمان عالم، صص ۳۴-۲۶

کدام یک از گزینه‌های زیر در خصوص مفهوم مشروعیت صحیح نیست؟ (آزاد ۹۰)

الف - پدرسالاری از انواع مشروعیت سنتی است.
ب - مهمترین وجه تمایز اقتدار از اجبار، مشروعیت است.

پ - در دیدگاه فلسفی، مشروعیت دولت از دیدگاه اتباع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ت - دو دیدگاه کلی فلسفی و جامعه‌شناسانه در مورد مشروعیت وجود دارد.

گزینه (پ) صحیح است.

در دیدگاه فلسفی، معیارهای «عدالت»، «اعتدال» و «فضیلت» معیارهای مشروعیت دولتها هستند؛ اما در دیدگاه جامعه‌شناسانه، مشروعیت دولت از دیدگاهی بیرونی یعنی از دیدگاه اتباع ملاحظه می‌شود.

علت اصلی منازعه قدرت از نظر افلاطون، ارسطو و مارکس به ترتیب کدام یک از عوامل زیر است؟
(آزاد ۹۰)

- الف - خیرات محدود - برابری - مالکیت خصوصی
- ب - منابع محدود - نابرابری - تضاد طبقاتی
- پ - توقعات فزاینده - پرخاشگران انسان - اختلاف طبقاتی
- ت - سلطه جویی - ندرت منابع - منازعه طبقاتی

گزینه (ب) صحیح است.

افلاطون علت اصلی منازعه طبقاتی را در قدرت منابع مطلوب یا «خیر محدود» می‌داند.

ارسطو علت اصلی منازعه را در نابرابری و کوشش برای برابری یا برتری می‌داند.

مارکس و انگلس نیز مالکیت خصوصی و اختلاف منافع مادی میان طبقات اجتماعی را علت اصلی منازعه قدرت می‌دانند.